

ماهنامه اقتصادی

کارایی

تولید:

مجاهده‌های ملی در شرایط دشوار

سال هشتم . دوره جدید
شماره ۲۴ . آبان ۱۳۹۵
۶۸ صفحه . قیمت ۵۰۰۰ تومان

مسعود پزشکیان
(نایب رئیس اول دهمین دوره مجلس شورای اسلامی)

شرکت‌های برتر
پیش‌ران و پیش‌بر جامعه



محمدعلی محمدی
(مدیر عامل سازمان مدیریت صنعتی)

شرکت‌های
کشورساز



صمد حسن‌زاده
(رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز)

نه به پول رایگان
مطالبه سیاستگذاری صحیح



در حاشیه همایش «چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب» مدیران و کارشناسان، نظرات خود را در خصوص شرایط فعلی کسب و کار و تولید تشریح کردند



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

سمینار

چگونه موتور نوآوری و خلاقیت را روشن نمائیم؟

کشف و حل مساله در سازمان و شرکت با رویکرد نوآوری

مهندس محمود کریمی

سخنران:

- ◀ مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری کارآفرینی سیمرغ آریا
- ◀ نماینده TRIZ Center در ایران
- ◀ کارشناس و مروج نوآوری نظام یافته

مخاطبان سمینار:

- مدیران و کارشناسان ارشد سطوح مختلف سازمان ها و شرکت ها
- کلیه دانشجویان رشته های مهندسی صنایع، مدیریت و MBA
- افراد کارآفرین، سایر علاقمندان و فعالان این حوزه



زمان برگزاری:

روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۷



بسیاری از بنگاه‌های پیشتاز دنیا، برای نوآوری، تعریف پروژ‌ه‌های نو، کشف مساله‌های فنی، طراحی شیوه‌های جدید موفقیت در کسب و کار، بدست آوردن سهم بیشتری از بازار، یافتن راه‌حل‌های اختراعی و به‌کارگیری ایده‌های خلاقانه درون و برون سازمان خود از دانش TRIZ و ابزارهای آن استفاده می‌کنند. در این سمینار، چرایی پیدایش تریز، یافته‌های کلیدی و برخی مفاهیم کاربردی آن معرفی و مرور می‌شوند.

imi.azar

www.imiazar.ir

https://telegram.me/imiazar

- ◀ هزینه ثبت نام: ۱.۳۰۰.۰۰۰ ریال (شامل گواهینامه دوزبانه، اسلایدهای آموزشی، پذیرایی میان وعده و ...)
- ◀ شماره حساب: جاری ۹۷۱۷/۱۴ نزد بانک سپه شعبه ۲۹ بهمن تبریز بنام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان
- ◀ شماره کارت: ۵۶۹۰-۴۵۶۳-۱۰۱۱-۵۸۹۲ نزد بانک سپه بنام شرکت مدیریت صنعتی تام آذربایجان
- ◀ شماره تماس: ۵۸-۳۳۳۷۹۹۵۴-۰۴۱ شماره فاکس: ۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۹
- ◀ آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز- کوی پناهی- دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

مدیریت پروژه بر اساس استاندارد PMBOK

Specialized courses on Project Management PMBOK standard

۸ - ۳۳۳۷۹۹۵۵

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز کوی پناهی
دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

www.imiazar.ir



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزش‌های تخصصی

نگهداری و تعمیرات مبتنی بر قابلیت اطمینان

(Reliability Centered Maintenance)

محتوای دوره

- مفاهیم و جایگاه RCM در سیستم مدیریت نگهداری و تعمیرات
- وظایف و خرابیهای وظیفه ای
- بررسی حالتها و اثرات خرابی
- پیامدهای خرابی
- انتخاب روش مناسب نگهداری و تعمیرات
- کارگاه عملی و تحلیلی RCM
- پیاده سازی پروژه RCM
- تعیین تناوب اجرای برنامه های نگهداری و تعمیرات
- تشابه و تفاوت بین RCM و RCA
- بهینه سازی برنامه های نگهداری به روش PMO

۸ - ۳۳۳۷۹۹۵۵

مدت دوره: ۱۲ ساعت

با ارائه گواهینامه دوزبانه معتبر از سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

imi.azar



www.imiazar.ir

https://telegram.me/imiazar



آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز- کوی پناهی- دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

رویدادها	۶
پرونده	۸
برترین‌های شمال غرب	۹
برترین‌های پیش‌ران و پیش‌بر جامعه	۱۱
نه، به پول رایگان	۱۲
امسال سال تعیین سرنوشت برنامه میان مدت کشور است	۱۴
مشروح پند در همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب	۲۱
گزارش تصویری همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب	۲۴
سرشماری و برنامه ریزی	۲۵
تاریخچه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران و جهان	۲۹
نگاهی به اقلام سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران	۳۱
تحقق برنامه‌ها، مستلزم آگاهی از جمعیت جامعه است	۳۳
سرشماری یعنی تصویربرداری	۳۵
برای حل مشکلات، باید به مسایل فزاینده‌ی نگاه کنیم بدون آمار دقیق برنامه ریزی ممکن نیست	۳۷
برای توسعه به ترکیب زنده‌ای از بازار و برنامه نیاز داریم	۴۰
برنامه ریزی، عنصر حیاتی نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد	۴۴
تحلیل	۵۲
دوگانگی کلینتون و ترامپ، رقابت یا تقابل	۵۴
گزارش	۵۴
رویکرد اقتصاد مقاومتی در مناطق آزاد	۵۴
سبز	۵۴
بررسی جایگاه خشکسالی در مقایسه با سایر حوادث و سوانح غیر مترقبه در ایران	۵۴

ماهنامه کارایی . سال هشتم . دوره جدید . شماره ۲۴ . آبان ۱۳۹۵

دکتر نشریه: تبریز-کوی پرواز-خیابان شهید بابایی-کوچه شبنم ششم-پلاک ۳۲
 تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۳۶۰۰
 دفتر تهران: خیابان ولی عصر-بالتر از میدان ونک-نبش کوچه نگار-برج نگار-طبقه ۱۰-واحد ۱۰
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۴۱۴۷۲
 وب سایت کارایی: www.karaye.ir
 پست الکترونیک: karayi.magazine@gmail.com
 کانال رسمی ماهنامه کارایی در تلگرام: Telegram.me/karayi
 صفحه رسمی ماهنامه کارایی در اینستاگرام: Karayi.magazine
 ۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.
 ۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نمی باشد.
 ۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: توفیق رسولی مجارشین
 سر دبیر: محمد حسن خیرآور
 دبیر تحریریه: الناز علیزاده اشرفی
 دبیر اجرایی: سپیده جلالی
 شورای سیاستگذاری: دکتر محمدباقر بهشتی، دکتر فرخ مسجدی، دکتر داود بهبودی
 غلامعلی حیدرنیافتح آبادی، حمیده علیزاده اشرفی، احد عابدینی بیرنگ، جواد جهانگیر
 تحریریه: دکتر علیرضا بافنده زنده، دکتر صمد عالی، دکتر فرزاد ستاری اردبیلی، دکتر اسماعیل مردانی گیوی، محسن افسر قره‌باغ، امیرکریم‌زاد شریفی
 همکاران این شماره: شهروز تهامی نسب، صادق پورصادق، آصف حاجی‌زاده، اصغر فیضی‌پور، بهناز السادات واعظ مدنی، توکل آقایاری هیر، طه نوراللهی، عدرا نائینی، محمدعلی ساجدی
 باسپاس از همکاری: علی نیک‌رزم، جواد یعقوبی، حسن ولی‌لو، سونیا خامنه
 دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۱۷۳۹۵۳۸۳۹



یکی از چیزهایی که میتواند چرخه‌ی علم و فناوری را و حمایت از نخبگان را در کشور حسابی به حرکت در بیاورد، همین شرکتهای دانش‌بنیانی است که خوشبختانه گسترش کمی خوبی پیدا کرده. توصیه‌ی من این است که اولاً این گسترش ادامه پیدا کند؛ ثانیاً همان‌طور که یکی از جوانهای عزیزمان گفتند، در بخشهای مهم و اصلی فناوری کشور و صنعت کشور شرکت داده بشود و این شرکتهای ارتباط پیدا کند با آن بخشهایی که در سیاستهای کلی، اهمیت آنها تصریح شده؛ ثالثاً به کیفیت این شرکتهای توجه شود؛ یعنی عدد شرکتهای خوب و مهم است، اما توجه کنید معیارها و میزانهایی برای کیفیت و اولویت تعیین کنید، در نظر بگیرید و براساس اینها نسبت به این شرکتهای دانش‌بنیان عکس‌العمل نشان بدهید. اگر این شرکتهای توسعه پیدا کنند، با کیفیت باشند و کار بکنند، بلاشک ما دیگر مشکل کمک مالی دولتی به نخبگان هم نخواهیم داشت.

سرمقاله

بی‌تردید لوکوموتیو اقتصاد کشور، بنگاه‌های کسب و کار در کشور است. تمام کشورهای پیشرفته که سهم قابل توجهی از اقتصاد دنیا و سهم قابل توجهی از تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص می‌دهند، بنگاه‌های بزرگ و سازمان‌های بزرگی دارند که در عرصه جهانی فعالیت می‌کنند. به عنوان مثال وقتی شما کشوری مثل آمریکا، مثل آلمان، مثل ژاپن، مثل فرانسه یا مثل چین را می‌بینید که از GDP جهانی، سهم قابل توجهی دارند، با مطالعه مشخص می‌شود که شرکتهای برتر در این کشورها نقش غیرقابل انکاری دارند. این‌ها کشورهایی هستند که سهم بیشتری از GDP جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و حتی در میان پانصد شرکت برتر فور چون ۵۰۰ هم واجد بیشترین شرکت‌ها هستند. این رابطه، رابطه مستقیمی است؛ یعنی اگر ما بخواهیم در عرصه جهانی اثبات قابلیت بکنیم، بایستی سازمان‌های کسب و کار ما توسعه کمی و کیفی پیدا کنند و اگر ما به دنبال توسعه جامعه خود هستیم، بی‌تردید باید بسترساز فعالیت بیشتر و بیشتر بنگاه‌های کسب و کار باشیم و این یک رسالت است.

اما من بایستی به یک واقعیت ارزشمند در ارتباط با سازمان‌هایی که امروز از آن‌ها تقدیر می‌شود، اشاره بکنم که بسیار مهم است. نکته بسیار ظریفی در رابطه با پشتوانه این شرکت‌ها وجود دارد که واقعیت ارزشمندی است و عبارتست از این که هیچ شرکت و سازمانی یک شبه به این جایگاه نمی‌رسد. تمام شرکت‌های بزرگ و توسعه یافته بی‌تردید مدت‌ها زحمت کشیده‌اند و به صورت شبانه‌روز تلاش کرده‌اند تا خود را به دنیای کسب و کار معرفی کنند. ولی این حکایت مثل حکایت جوجه‌ای است که در تخم و مدت‌ها دارد پرورش پیدا می‌کند و ما وقتی متوجه این موجود می‌شویم که شروع به نوک زدن می‌کند و از پوسته خارج می‌شود. اما این امر، یک شبه اتفاق نیفتاده است. مدت‌ها طول کشیده تا این سازمان، با انجام سعی و خطا، با سرمایه‌گذاری و زحمت فراوان بتوانند خود را در میان یک جمع مطرح بکنند. تنها زمانی که این رسانه‌های می‌شود، ما متوجه حضور آن شرکت می‌شویم نه همان موقع تولد. سازمان‌های متعددی دنیا این‌گونه هستند. وقتی که سازمانی شروع به فعالیت می‌کند، مثل یک چرخ بسیار سنگین است که برای اولین بار می‌خواهید آن را حرکت دهید و می‌خواهد جان بگیرد تا حرکت خود را آغاز کند. در آغاز انرژی زیادی مصرف می‌شود. خیلی باید زحمت بکشید تا دور اول را آغاز کنید. وقتی به دور دوم می‌رسید، انرژی کم تری مورد نیاز است ولی خب انرژی لازم است. وقتی سازمانی روی دور می‌افتد و در سطح جهانی مطرح می‌شود، معلوم است که زحمت بسیار زیادی برایش کشیده شده تا امروز بتواند خود را مطرح کند و در نگاه رسانه‌ای امروز مورد تقدیر قرار گیرد. من یک مثال ساده از بزرگترین شرکت درآمدی دنیا بزنم؛ به نام والمارت. سال ۱۹۴۵ وقتی شرکت والمارت ایجاد می‌شود این شرکت در حد و اندازه‌های یک مغازه است. صاحب مغازه، اسم مغازه را ارزان فروشی می‌گذارد. هفت سال طول می‌کشد تا مغازه دوم افتتاح شود. بعد از بیست و پنج سال تعداد این فروشگاه‌ها به عدد ۳۸ می‌رسد. امروز تعداد فروشگاه‌های والمارت بالای ۳۰۰۰ عدد است. یعنی این‌گونه نیست که فکر کنیم موفقیت از همان اول آغاز می‌شود و به شدت گسترده می‌گردد. زحمت فراوانی لازم بود تا امروز شرکت مذکور بتواند ادعا کند ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیارد دلار درآمد ایجاد می‌کند. چیزی نزدیک به تولید ناخالص داخلی کشور ما. منتها متولیان امر سال‌ها در این زمینه زحمت کشیده است.

سازمان‌هایی که به عنوان سازمان‌های برتر در جامعه ما معرفی می‌شوند، از لحاظ عملکرد و بر اساس شاخص‌های مختلف و معیارهای مختلف زحمات فراوانی کشیدند تا توانستند امروز خود را معرفی کنند و ما باید این را درک کنیم. به خاطر همین است که قابل تقدیرند. چون ما از یک لحظه تقدیر نمی‌کنیم، بلکه از یک فرایند تکامل و تعالی تقدیر می‌کنیم. فرایندی که امروز متوجه حضور آن شده ایم. فرایندی که توانسته در

عرصه کسب و کار اثبات قابلیت کند. اما دو نکته مهم در این میان وجود دارد. نکته اول این که سازمان‌ها برای موفقیت باید در مسیر تعالی قرار بگیرند و نکته دوم این که چگونه سازمان‌های موفق پایدار بمانند. بحث پایداری بسیار مهم است. در مسیر تعالی قرار گرفتن زحمت بسیار زیادی دارد چون لازم است شما نظم و انضباط، ارزش آفرینی، مدیریت صحیح، هدف‌گذاری و توجه به فرایند و زنجیره ارزش را در سازمان نهادینه کنید. این که کار اضافه انجام ندهید، کار نادرست انجام ندهید. روش‌های نادرست انتخاب نکنید و منابع را به درستی استفاده کنید. تمام این‌ها، معیارهایی است که باعث می‌شود سازمانی در مسیر تعالی قرار بگیرد و رهسپار تعالی شود. ولی کفایت نمی‌کند. چرا موفقیت بسیاری از سازمان‌ها پایدار نیست؟ این یک سوال کلیدی است. چرا در حالی که بعضی شرکت‌ها جزو شرکتهای برتر بوده‌اند اما در حال حاضر کسی آن‌ها را نمی‌شناسد به خاطر این که پایداری در مسیر تعالی بسیار مهم است. به عبارت دیگر بعضی از شرکت‌ها به محض این که مورد تقدیر و تشکر قرار می‌گیرند، ممکن است دچار غرور کاذب بشوند در صورتی که هنر ما این است که همواره در مسیر رشد و تعالی قرار بگیریم. یک جمله بسیار زیبا در ادبیات کسب و کار وجود دارد که می‌گوید اگر شما در یک بزرگراه در حال حرکت هستید، دقت کنید که لحظه‌ای که پایتان را روی ترمز بگذارید، دیگران از روی شما عبور می‌کنند. مسیر کسب و کار، مسیر همیشه رفتن با سرعت لازم است. اگر از تعداد زیادی سبقت گرفتید ولی همچنان سازمان‌های دیگری هستند که باید از آن‌ها سبقت بگیرید. به خاطر همین است که جیمز کالین کتاب «از خوب به عالی» را نوشت و جوهره کلامش این بود که وقتی می‌توانید عالی باشید، چرا به خوب بسنده کردید و ترمز دستی را کشیدید. برای این که موفقیت را به دست بیاوریم، باید بازیگر عرصه جهانی بشویم شما امروز اگر بخواهید در ورزش مدال بگیرید مگر نه این که ورزشکاران باید ورزشکار جهانی باشند؟ مگر غیر از این است؟ اگر امروز بخواهید در صحنه هنر جهانی جایزه بین‌المللی و جهانی بگیرید، مگر نه اینکه هنرمندان باید فیلم در سطح جهانی تولید کنند؟ امروز اگر می‌خواهید با دیگران روابط سیاسی موفق داشته باشید، مگر نه اینکه باید دیپلمات درست و شایسته داشته باشید، تا موفق شوید اصول و فنون مذاکره و حقوق و الزامات اساسی را بدانند باید تا بتوانند بازیگر جهانی باشند.

شرکت‌هایی که رهسپار تعالی هستند و آنچه که می‌تواند ما را در این مسیر ماندگار کند؛ هوشمندی در کسب و کار و تحلیل درست است. ما جمله ساده‌ای داریم که می‌گوید پیچ جاده، پایان جاده نیست مگر اینکه نتوانیم پیچیم، اگر نتوانیم پیچیم پیچ جاده پایان جاده است. امروز شاخص‌هایی که مبنای ارزیابی سازمان‌های برتر منطقه شمال غرب و آذربایجان قرار گرفته‌اند، شاخص‌های جهانی هستند. در تمام دنیا، وقتی می‌خواهند شرکت‌ها را ارزیابی کنند، با شاخص‌ها و معیارهایی مثل همین‌هایی که ما مورد استفاده قرار داده ایم ارزیابی می‌کنند و ما امیدوار هستیم که از جمع شما و جامعه شما، اهالی کسب و کار که افتخار جامعه ایران هستید کسانی در عرصه جهانی نیز بدرخشند برای هموطنان خود در سطح ملی الگو قرار گیرند.

این بحثی است که امروز در دنیا مطرح است. امروز هویت ملت‌ها را سازمان‌ها نشان به دنیا معرفی می‌کنند. امروز ملت کره را چه کسی به دنیا معرفی می‌کند؟ سامسونگ و ال جی به دنیا معرفی می‌کند. امروز ملت ژاپن را تویوتا و سونی معرفی می‌کند و ملت آلمان را بنز و فولکس واگن معرفی می‌کند. در سطح جهانی و این مسیر ما اگر بخواهیم در عرصه کسب و کار جهانی اثبات قابلیت کنیم، باید بنگاه‌هایی در این سطح داشته باشیم که اثبات شایستگی کنند. امیدوارم محیط بسترساز رشد و توسعه شرکت‌های موفق باشد و کمتر موانع و مشکلات ایجاد کند.

محمدعلی محمدی مدیر عامل سازمان مدیریت صنعتی

صادرات ۷۴ میلیون دلاری فرش از آذربایجان شرقی

معاون امور بازرگانی و توسعه تجارت اداره کل صنعت معدن و تجارت آذربایجان شرقی گفت: انواع فرش و صنایع دستی به ارزش ۷۴ میلیون دلار در نیمه نخست سال جاری از گمرکات کشور به دیگر کشورهای مقصد صادر شده است.

غلامعلی راستی در حاشیه بازدید از یک کارگاه قالیبافی افزود: در زمان کنونی ۳۵ درصد فرش کشور در آذربایجان شرقی تولید می‌شود. وی اظهار کرد: هم اکنون در آذربایجان شرقی ۶۰۰ هزار نفر در قالب ۲۲

حرفه مرتبط با این صنعت مشغول به کار بوده و از این تعداد ۲۰۰ هزار نفر در عرصه تولید و بافندگی فرش فعالیت می‌کنند.

معاون امور بازرگانی و توسعه تجارت آذربایجان شرقی یادآور شد: ۳۵ هزار قالیباف استان زیر پوشش بیمه قالیبافی قرار دارند.

راستی، با بیان اینکه طبق توافق با سازمان تامین اجتماعی ۳۵ درصد جامعه قالیباف بیمه شده باید به آذربایجان شرقی اختصاص یابد، ادامه داد: در زمان کنونی حدود پنج درصد از این رقم در استان محقق شده است



اقتصاد دانش بنیان یک نیاز ضروری است

علی جهانگیری، مدیر منطقه ویژه علم و فناوری ربع رشیدی در جلسه روسای کمیته های اقتصاد دانش بنیان دستگاه های اجرایی استان با اشاره به انتخاب آذربایجان شرقی به عنوان استان الگو در اقتصاد مقاومتی گفت: دو سال قبل از این ابلاغ ما به جد پیگیر مباحث اقتصاد مقاومتی بودیم چرا که معتقدیم تنها راه نجات کشور و برون رفت از مشکلات پیش رو تحقق کامل سیاست های اقتصاد مقاومتی است.

وی مردمی بودن، عدالت محور بودن، درون زا بودن، برون گرا بودن و دانش بنیان بودن را مولفه های اصلی اقتصاد مقاومتی دانست و خاطر نشان کرد: موضوعی که در این بین بیش از هر چیزی مهم و اساسی است تاکید بر دانش بنیان بودن است. امروز شاهد هستیم که با وجود سرمایه گذاری های کلان در صنعت با ضعف های اساسی روبرو هستیم و از سویی با وجود هزینه های بالای تحصیلات تکمیلی نیز دانشگاه های ما نتوانسته اند در تولید ثروت آنگونه که باید و شاید نقش آفرینی کنند و راه حل این مشکلات همراهی و همکاری این دو بخش با تاکید بر دانش بنیان بودن است.

جهانگیری، وظیفه سازمان ها و نهادهای درگیر در موضوع اقتصاد مقاومتی و به تبع آن اقتصاد دانش بنیان را سنگین دانست و متذکر شد: انتظار می رود بر اساس آیین نامه ها و شرح وظایف تعریف شده مجموعه های ذی ربط در زمان مقرر عملکرد خود را ارائه دهند.

نماینده تام الاختیار استاندار آذربایجان شرقی در حوزه فناوری، با اشاره برگزار چهارمین نمایشگاه و جشنواره فناوری های نو و پیشرفته ربع رشیدی در تبریز گفت: این نمایشگاه ۲۰ تا ۲۳ آبان ماه در محل نمایشگاه بین المللی تبریز برگزار می شود.





افزایش تعداد واحدهای تولیدی و صنعتی تبریز از ۱۸۸ به ۳۰۷ مورد در دولت تدبیر و امید

که از این تعداد، ۴۲۵ واحد مربوط به صنعت و ۱۱۸ واحد نیز مربوط به کشاورزی بود که در نهایت ۲۶۹ واحد از طریق ستاد رفع موانع تولید به بانک های عامل، معرفی شده و ۱۰۵ واحد تا کنون موفق به عقد قرارداد با بانک ها برای پرداخت تسهیلات شده است.

فرماندار شهرستان تبریز در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مشکلات واحدهای تولیدی و صنعتی شهرستان تبریز گفت: کمبود نقدینگی و مشکلاتی در ارتباط با نحوه فروش محصولات، مهم ترین مشکل مشترک واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در درون شهرک های صنعتی است که تدابیر مناسبی در این خصوص اتخاذ و مشکلات اکثر واحدها رفع شده است.

وی همچنین از افزایش تعداد واحدهای آزمایشگاهی استان از هفت مورد در پایان دولت دهم به ۱۹ واحد در دولت تدبیر و امید خبر داد.

رحیم شهری فر در نشست ستاد اقتصاد مقاومتی استان (عاشورا) با اشاره به وضعیتی از گزارش عملکرد استان در بخش های خدمات، صنعت، کشاورزی اظهار کرد: تعداد واحدهای فعال صنعتی و تولیدی در شهرستان تبریز در سال ۹۲، ۱۸۸ مورد بود که در پایان سال ۹۴ به ۲۴۷ مورد رسیده و در سال جاری نیز ۵۰ واحد جدید مورد بهره برداری قرار گرفته است.

وی اظهار کرد: تعداد شاغلین بیمه شده در واحدهای تولیدی و صنعتی شهرستان تبریز در پایان سال ۹۱، ۲۰۰ هزار و ۴۶۸ نفر بود که در انتهای سال ۹۴ و پس از استقرار دولت تدبیر و امید به بیش از ۲۲۱ هزار و ۶۶۵ نفر افزایش پیدا کرده است.

وی با اشاره به آخرین اقدامات انجام شده در خصوص حمایت از تولید و رفع موانع موجود در این خصوص اظهار کرد: تعداد واحدهایی که در سایت بهین یاب ثبت نام کرده و متقاضی دریافت تسهیلات بودند، ۵۴۳ مورد بود



ثبت نام ۲۴۰ هزار خانوار در سرشماری عمومی نفوس و مسکن

عمومی نفوس و مسکن ادامه داد: بیش از ۵۰ درصد خانوار برخی شهرستان ها همچون هریس و خداآفرین اقدام به ثبت نام در سرشماری عمومی نفوس و مسکن کرده اند ولی در شهرستان هایی همچون بناب، کمتر از ۱۰ درصد خانوارها ثبت نام کرده اند.

وی با بیان اینکه کارکنان دولت نیز مکلف به ثبت نام در سرشماری عمومی نفوس و مسکن هستند اظهار کرد: اگر ۸۰ هزار خانوار از مجموع خانوارهای استان، مربوط به خانواده های دولت باشند جمعیتی در حدود ۲۰۰ هزار نفر از خانواده های دولت باید در این سرشماری، شرکت کرده باشند.

داوود بهبودی رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی آذربایجان شرقی اشاره به سرشماری عمومی نفوس و مسکن تصریح کرد: ۲۴۰ هزار خانوار در سطح استان اقدام به شرکت در سرشماری عمومی نفوس و مسکن اقدام کرده اند که جمعیتی بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر را شامل می شود.

رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان در همین راستا اظهار کرد: از لحاظ تعداد ثبت نام خانوارها، تا به امروز، رتبه ۱۲ کشوری را از آن خود کرده ایم.

بهبودی با انتقاد از حضور و ثبت نام کم رنگ برخی خانوارها در سرشماری

برترین‌های شمال غرب



سازمان مدیریت صنعتی
معاونت امور بازرگانی

انجمن شرکت‌های بازرگانی و
صنعتی ایران

چهارمین دوره طرح معرفی برترین
شرکت‌های منطقه شمال غرب (ایران تک)

Top Azerbaijan Companies ۱۳۹۵

متن سخنرانی مسعود پزشکیان نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی در همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب

برترین‌ها پیش‌ران و پیش‌بر جامعه



مسیر درست خود قرار گیرد. زمانی که من تازه رئیس دانشگاه شده بودم و می‌خواستم بدانم که بایستی چکار کنم. کتابی می‌خواندم در رابطه با بحث‌های مدیریت. در کتاب آمده بود که در آمریکا، سنت انتخاب برترین‌ها همواره جاری و ساری بوده است. الان هم که نشسته بودم و جلسه را دیدم، دلم گرفت. چون وقتی هرساله برترین‌ها را در حوزه بهداشت و درمان در آمریکا انتخاب می‌کنند، رئیس جمهور آمریکا در آن جلسه حاضر می‌شود. یعنی برترین در حضور رئیس جمهور آمریکا انتخاب می‌شود و مسیر به گونه‌ای طراحی می‌گردد که شرکت‌های مرتبط با حوزه بهداشت بتوانند بازار دنیا را به دست بگیرند. اما وقتی ما می‌خواهیم برترین را در کشورمان انتخاب کنیم، آن حال و هوایی را که برای نشان ارج و جایگاه برترین‌ها لازم است را نداریم و احساس نمی‌شود. امیدوارم مسئولین کشور ما، استان ما نسبت به این مساله با دقت و توجه خاصی عنایت داشته باشند. هم‌اکنون بایستی تعداد پرشماری از مسئولین رده بالا در این مراسم حضور می‌داشتند، اما نیستند. برای من این عدم حضور جای سوال است. نمی‌دانم مشکل از کجاست؟ الان اینجا باید پرس می‌شد از مسئولین و با افتخار از برترین‌ها قدردانی می‌شد.

پیش‌ران و پیش‌بر جامعه، برترین‌های ما هستند و این

خداوند در قرآن می‌فرماید: خلق الموت والحیة لیبلوکم ایکم أحسن عملاً. در این آیه در حقیقت فلسفه خلقت تبیین می‌شود بدین ترتیب که زمین و آسمان را خلق کردیم، انسان زنده می‌شود و می‌میرد تا ارزیابی کنیم که چه کسی بهترین است و چه کسی بهترین کار را می‌تواند انجام دهد. یعنی مساله اصلی برای به امتحان کشیدن و درگیر کردن است تا بهترین‌های شما را پیدا کنیم. اگر به شعارهای اعتقادی ما هم نگاه نکنیم در همه آن‌ها می‌گوییم: الله اکبر، سبحان ربی العظیم و بالحمده، سبحان ربی ال اعلا و به حمده یعنی بحث‌های برتریت به طور دائمی قابل مشاهده است. خوب این نگاه اگر در درون ما و اعتقاد ما هماهنگ شود، باید چیزی از درون آن بیرون بیاید. نه آن چیزی که الان هستیم، نه اینکه رضایت بدهیم به آنچه که هستیم و به روندی که در آن قرار گرفته‌ایم. من این را بارها گفته‌ام. البته قبل از این که وارد این بحث بشوم باید بگویم که بنده به شدت معتقدم که اظهار نظر در امور تخصصی، صرفاً

بایستی بر عهده متخصصان باشد و افراد غیرمتخصص نباید در ارتباط با همه چیز اظهار نظر کنند، رهنمود ارائه نمایند و هدایت کنند. بحث رتبه‌بندی شرکت‌ها، کار کارشناسی عمیقی دارد و باید به کارشناسانی که در این راه زحمت می‌کشند اعتماد کرد، احترام گذاشت و حرف‌هاشان را گوش داد. همچنین بایستی کمک کرد که این روند، در

چنانچه ارتباط قلبی و اعتقاد و باور واقعی نسبت به الزامات حضور در بازار داشته باشید، مشتری مال شماست. در سیاست، در بهداشت و درمان، در صنعت و در اقتصاد هم این مساله صادق است. باید هوای مشتری و مردم را داشت. باید تلاش کرد که آن‌ها را راضی کرد.

برترین‌ها باید در رسانه‌های فراگیر کشور، در شهر، در جامعه با قدرت خود و عملکرد خود را به مایش بگذارند. نه اینکه مراسم ارج و نهی از آن‌ها کم‌رنگ و بی‌رمق باشد و صرفاً یک عده خاصی بیابند و جایزه بگیرند. باید تمام مسئولین، اعم از مسئولین فرهنگی، مذهبی، سیاسی، نظامی، قضایی و همه باید این‌جا حضور می‌داشتند و از برترین‌ها قدردانی می‌کردند. این عدم حضور، خود نماد مشکل ماست.

در انتخاب برترین‌ها در آمریکا یک خبرنگار از یکی از این برترین‌ها سوال می‌کند که چطور شد تو برترین قرن شدی؟ وی پاسخ داد: من هروقت می‌خواستم وارد میدان شوم و شروع به مبارزه کنم. برای خودم یک هدفی را مشخص می‌کردم؛ هدف برترین شدن. و وقتی که از آن مسابقه و از آن بازار بیرون می‌آمدم، نمی‌توانستم از نمره صدی که برای خودم در نظر گرفته بودم به خودم نمره‌ای بیش از هفتاد یا شصت بدهم و اساساً هیچ‌وقت نتوانستم، بیشتر از هفتاد به خودم نمره بدهم. کسی که برترین قرن شده است وقتی می‌خواهد خودش را ارزیابی کند، هیچ‌وقت خود را در حد نمره صد یا نود ارزیابی نمی‌کند. در نتیجه برای بهتر شدن تلاش مضاعف‌تری می‌نمود، بدین ترتیب چنین افرادی باور دارند که هنوز و همواره جا دارد، بهتر از این باشند و برتر از این باشند و در نتیجه برای بار بعد، وقتی وارد میدان می‌شوند تلاش بیشتری، معطوف فعالیت خود می‌نمایند. همیشه باید تلاش کرد و سختی را به جان خرید تا به هدف رسید. ولی وقتی به هدف رسیدی، دوباره وارد میدان شو و دوباره سختی‌ها را تحمل کن تا در این مبارزه عقب‌نمانی.

من در دوره‌ای که به آمریکا رفته بودم برای آشنایی بیشتر با مسائل مدیریتی، سراغ کتابی در زمینه مدیریت رفتم که نویسنده آن از بهترین اساتید مدیریت دانشگاه ام‌آی‌تی بود. نکته جالب این بود که اگر نمی‌دانستم که کتاب پیش‌رو را یک آمریکایی نوشته است. فکر می‌کردم، کتاب یک پیغمبر، یک امام و یک مصلح است. چرا که نویسنده می‌گفت، وقتی می‌خواهی یک بنگاه کسب‌وکار دایر کنی، باید با مشتری صادق باشی و سرش کلاه نگذاری. سخن کتاب طوری بود که مشابه سخن پیامبران می‌نمود زمانی که با مردم حرف می‌زدند.

همچنین در ارتباط با بحث دیگری در زمینه بازار و نوع نگاه به آن از چهار نگاه مرتبط با PRODUCT, PRODUCTION, PROMOTION, CUSTOMER SATISFACTION. یعنی چهار نوع نگاه به تولید صحبت می‌کند.

منظور از PRODUCT همان محصول است. تویوتا، بنز و یا هر کدام از این برندهاست. به طور مثال وقتی بنز تولید می‌شود، مشتری خودش را دارد. مشتری بنز، مشتری بنز است. این نگاه یعنی تولیدکننده محصول و برند خود را به همان کیفیت حفظ می‌کند و مشتری‌های مخصوص هم برای خرید محصول مذکور حی و حاضرند.

PRODUCTION یا MASS PRODUCTION که به معنی تولید انبوه است. در این فرایند صرفه‌جویی ناشی از مقیاس تولید منجر به کاهش قیمت می‌شود و تولیدکننده می‌تواند در بازار حضور داشته باشد. PROMOTION هم مصداق شعار معروف یکی بخر، سه تا بخر است. یا تبلیغ خرید همراه با جایزه. که امروز در رسانه‌ها نمود فراوان دارند. این روش بازار را به خرید محصولی که تولید می‌گردد، ترغیب می‌کند.

اما CUSTOMER SATISFACTION که به معنای رضایت مشتری است، مفهوم جداگانه‌ای است و آن روزها، تمامی دعاها بر سر این مضمون بود. من خودم معتقد به این هستم که باید مشتری از محصول ما راضی شود و ما باید کاری کنیم که رضایت کسی که خدمت‌مان را برایش عرضه می‌کنیم و می‌فروشیم، حاصل گردد. ماندگاری ما به خاطر مشتری است. متأسفانه من یادم است در اوایل فروپاشی شوروی، آذربایجان و کشورهای منطقه به شدت علاقمند بودند جنس ما را بخرند و ما در بازار آن‌ها حضور داشتیم اما ما جنس‌های بنجل و هر چه موجود بود را به بازار آن‌ها فرستادیم چون فقط دنبال سود بودیم. من به خوبی به یاد دارم، در دوره‌ای که وزیر بهداشت بودم، در یکی از هتل‌ها، پایه صندلی

را بلند کردم اما گارسن سریع آمد و گفت صبر کن، این الان می‌شکند. گفتم خب، صندلی است چرا می‌شکند؟ گفت نه این را ایرانی‌ها درست کردند و می‌شکند. یعنی برند ما را، جنس ما را، محصول ما را این‌گونه می‌شناختند. نتیجه این شد که بازار را از دست دادیم. اگر چه سود کلانی به دست آوردیم، ولی ماندگار نشدیم و مجبور به خروج از بازار شدیم. الان بازار آذربایجان و عراق بیشتر در دست کیست؟ ارتباط و همخوانی بیشتر با چه کشوری بود و اما نتیجه چه شد؟ ما حق نداریم به مشتری خیانت کنیم و جنسی به مشتری بدهیم که غل و غشی در آن است. اگر این کار را انجام ندهیم، ماندگاریم، اگر هوای مشتری را داشته باشیم ماندگاریم. در حاکمیت هم همین امر مصداق دارد. با مردم هم باید به این‌گونه باشیم. ما حق نداریم با مردم ناعادلانه برخورد کنیم. مردم باید بدانند ما با تمام وجود به فکر آن‌ها هستیم. حال اگر به تمامی هم، نتوانستیم، هر تلاشی برای اینکه شما راضی باشید، خواهیم کرد. اما نایبستی فراموش کرد که قصد ما، هدف ما و فلسفه وجودی ما این است که خدمت‌گذار شما باشیم. اگر مشتری این را بفهمد، اگر این را جامعه، مسئولین و همه کسانی که در این محیط هستند، بدانند که ما با تمام وجود یعنی واقعاً به دنبال این هستیم که جواب مردم را بدهیم، مردم به طرف ما خواهند آمد.

در یکی از این شرکت‌ها به مشتری می‌گفت تو بیا از من جنس نخر من فقط به تو مشاوره بدهم و بعد وقتی با مشاور روبه‌رو می‌شد، چون برخورد، رابطه و صداقت را می‌دید از همان جنس می‌خرید و جای دیگری نمی‌رفت چون آن نوع رابطه و اطلاعات برای مشتری اهمیت بیشتری داشت.

چنانچه ارتباط قلبی و اعتقاد و باور واقعی نسبت به الزامات حضور در بازار داشته باشید، مشتری مال شماست. در سیاست، در بهداشت و درمان، در صنعت و در اقتصاد هم این مسأله صادق است. باید هوای مشتری و مردم را داشت. باید تلاش کرد که آن‌ها را راضی کرد.

این معضلی که ما با آن دست به گریبان هستیم. اگر می‌خواهیم بمانیم، اگر می‌خواهیم حکومت کنیم، اگر می‌خواهیم بازار را به دست بگیریم، اگر می‌خواهیم دل‌ها را به دست بیاوریم، باید تلاش کنیم که هوای دل‌ها را داشته باشیم. در چنین حالتی در بازار خواهیم ماند و این به نظر من نگاه مهمی است و جهت‌گیری‌های صنعتگران و تجار بایستی در این راستا باشد. خلاقیت را در جهت رضا و خواست مردم به کار بگیریم.

حضرت علی می‌فرماید: ولایکونن المحسن والمسئء عندک بمنزلة سواء فان فی ذلک تزهیدا لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل الاسائة علی الاسائة و الزم کلامهم ما لزم نفسه، و بعد بحث می‌کند نایبستی در نزد تو خوب و بد یکسان باشد. اگر چنین کنی، آن‌هایی که خوب هستند به تدریج پراکنده می‌شوند و آن‌هایی که بد و خلاقکار هستند، جری و گستاخ‌تر می‌شوند. سعی کن رضایت مردم را به دست بیاوری. دلیل خوبی، دلیل ماندگاری، دلیل صالح بودن یک جامعه، یک حکومت و یک مدیر همین است. اگر مردم بگویند این‌ها خوب هستند، یعنی خوبند. اگر مردم بگویند جنسی خوب است، یعنی خوب است. دلیل خوبی، نگاه مردم به آن محصول و آن جامعه است.

تمام تلاش خود را بکنید تا رضایت مردم را به دست بیاورید. دلیل ماندگاری شما رضایت مردم است. انشالله این مجمع بار دیگر اگر بخواند برگزار شود با شور و شوق بیشتر و با عظم و اراده بیشتر مدیران ارشد جامعه و مملکت و نهایتاً با قدردانی واقعی از کسانی که پیش‌تاز و پیش‌رو هستند و افتخار یک جامعه بوده‌اند، برگزار گردد. گسترش فرهنگی این امر بر عهده رسانه‌های فراگیر در مملکت و منطقه ماست. خیلی باید به این مسأله اهمیت بدهیم و قدر بدانیم و به پیش‌تازان خود احترام بگذاریم. پیش‌تازان ما نیز بایستی به جامعه و مشتری‌ها احترام بگذارند.

به طور حتم، برگذاری مراسم این چنینی و تقدیر و تشکر از پیش‌تازان صنعت باعث توسعه و رونق اقتصاد، صنعت و جامعه می‌گردد.

متن سخنرانی صمد حسن‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تبریز در همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب

نه، به پول رایگان



باور کند که کره جنوبی با چند شرکت بزرگ بتواند سرنوشت کشور را دستخوش تغییر نماید و کره به عنوان سیزدهمین کشور بزرگ اقتصاد دنیا معرفی شود. امروز مایه بینیم شرکت نوکیا با یک تحول اقتصادی، سرنوشت اقتصادی فنلاند را متحول می‌نماید.

شرکت ولوو، شرکت اسکا اف سرنوشت اقتصادی سوئد را متحول می‌کند و به اوج قدرت می‌رساند. ما اعتقاد داریم ملت ما، انسان‌های ما، ظرفیت‌های کشور ما، ثروت ملی ما چیزی کمتر از فنلاند، ژاپن و کره نیستند. امروز جوان‌های بیست ساله ما با این همه مشکلات اجتماعی، اقتصادی کشورمان در دانشگاه‌های دنیا و المپیادهای جهانی رتبه اول را کسب می‌کنند. این نشانگر شایستگی و لیاقت ایرانی است. ما به این ملت بزرگ، آفرین می‌گوییم به این مدیران مدیران شایسته که امروز به عنوان برترین‌های اقتصادی معرفی می‌شوند تبریک می‌گوییم. ما به مسئولین کشورمان اطمینان می‌دهیم اگر زیرساخت‌های اقتصادی کشورمان مناسب باشد، فضای کسب و کار، قوانین مالی و مالیاتی در کشور اصلاح شود و هزینه‌های تولید در حدی باشد که ما بتوانیم با کالاهای کشورهای رقیب، رقابت کنیم. مدیران ما کمتر از مدیران کشورهای اقتصادی دنیا نیستند. ما اعتقاد داریم اگر شرایط اقتصادی کشورمان اصلاح شود. همه شرکت‌های ما شایستگی حضور در ردیف این پانصد شرکت برتر را می‌توانند داشته باشند. امروز دولت محترم آقای دکتر روحانی، کابینه محترم، مجلس شورای اسلامی و تمامی مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی، نهایت تلاش را برای ارتقای علمی و اقتصادی کشور انجام می‌دهند و واقعاً هم کارهای بزرگ زیربنایی انجام گردیده است ولی تا زمانی که تعامل و همسویی تمام مسئولین کشور با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی محقق نشود و تا زمانی که زمینه تعامل سیاسی کشور با کشورهای خارجی با حفظ اقتدار جمهوری اسلامی فراهم نشود، رسیدن به این اهداف کار آسانی نخواهد بود. امیدوار هستیم که مسئولین محترم برای اینکه ما بتوانیم به اهداف چشم‌انداز بیست ساله کشور و اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دسترسی داشته باشیم، و در راستای تقویت نگاه‌های اقتصادی تلاش و توجه بیشتری صورت پذیرد. امروز واحدهای تولیدی نیاز به پول و سرمایه رایگان ندارند، نیاز دارند که برنامه‌های صحیح اقتصادی در کشور پیاده شود تا این فعالان اقتصادی، این سفیران اقتصادی کشورمان در کلیه بازارهای جهانی شایستگی خودشان را نشان دهند. برای تمامی مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران و تمامی مدیران بنگاه‌های اقتصادی، موفقیت‌را از خداوند متعال خواستار هستم انشالله که همیشه سر بلند و پیروز باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم
با عرض سلام و ادب و احترام به همه سروران گرامی، خانم‌ها و آقایان، مدیران بنگاه‌های اقتصادی و این قهرمانان سنگرهای تولید و اقتصاد که امروز این همایش بزرگ برای تجلیل از این بزرگوارانی است که سال‌های زیادی در عرصه تولید زحمت کشیدند و امروز یکی از قهرمانان و فرهیختگان جامعه صنعت کشورمان هستند. این موفقیت بزرگ را به همه عزیزان، مخصوصاً جامعه صنعت و تولید کشور تبریک می‌گوییم.

گرامی می‌داریم حضور کلیه مدیران محترم سازمان‌ها، مدیران کل، نمایندگان محترم مجلس به ویژه جناب دکتر پزشکیان نائب اول ریاست مجلس شورای اسلامی که واقعاً همیشه در راستای ارتقای جایگاه علمی، اقتصادی و اجتماعی کشورمان مخصوصاً استان آذربایجان تلاش‌های بسیار ارزشمندی را انجام می‌دهند.

آقای دکتر ملت مابه وجود شما افتخار می‌کند. انشالله خداوند همه مسئولین را برای کشورمان حفظ بکند و حضرت عالی که با این تلاش‌های ارزشمند، همیشه حامی تمامی اقشار کشورمان هستید، از حضرت عالی قدردانی می‌کنم. حضور جناب آقای محمدی ریاست سازمان مدیریت صنعتی را در این محفل گرامی خیر مقدم می‌شماریم و از اینکه از بیانات ارزشمندشان بهره‌مند شدیم سپاس‌گذاری می‌نمایم.

امروز تبریز میزبان قهرمانانی است که در این مکان مقدس اجتماع کرده‌اند و این روز برای تاریخ کشورمان یک روز پرافتخار است. امروز فرصتی فراهم شده و جمعی از فرهیختگان اقتصادی منطقه شمال غرب و آذربایجان در این محفل بسیار ارزشمند حضور پیدا نمودند و با شایستگی‌های خود در واقع اعلام می‌دارند که در این شرایط سخت اقتصادی توانسته‌ایم برای کشورمان تولید کنیم، اشتغال به وجود بیاوریم و برای کشور سرمایه فراهم کنیم. همچنین توانسته‌ایم با کشورهای پیشرفته هم‌رقابت کنیم و با صدور محصولات با کیفیت خودمان برای کشور امنیت ایجاد نماییم. آفرین بر این ملت شریف، نجیب و غیرتمند ایران اسلامی. ما امروز در این همایش با معرفی پانصد شرکت بزرگ و برتر کشور واقعاً به خود افتخار می‌کنیم و اطمینان داریم، اگر حمایت‌های منطقی و اجرای صحیح قوانین و ثبات مقررات و برنامه‌های صحیح اقتصادی برای کشور تدوین شود، خواهیم توانست بزرگترین کارهای اجتماعی و اقتصادی را برای کشورمان در قالب برنامه‌های توسعه کشور انجام دهیم. ما اعتقاد داریم توسعه کشور توسط همین شرکت‌ها به تحقق خواهد پیوست. جناب آقای محمدی اشاره فرمودند در سه دهه گذشته هیچ‌کس نمی‌توانست

متن سخنرانی فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب

امسال سال تعیین سرنوشت برنامه میان مدت کشور است

عدم اجازه انتشار به این گزارش این بود که نویسندگان گزارش بابتی پروایی و صراحت، کانون‌های اصلی گرفتاری‌های ایران را ذکر کردند. یکی از مهمترین این گزارش با عنوان Industrial Finance in Iran که به تازگی در ایران چاپ شده است که متعلق به سال ۱۳۴۰ است. در آن سال محققین مذکور به روش علمی واقعیت‌های محیط ایران را مورد بررسی قرار دادند. نظری که همان زمان ارائه شده، بر این دلالت دارد که محال است ایران صنعتی شود. دلیلی که در این خصوص تبیین شده، عبارتست از این که تا زمانی



که از طریق سوداگری مستغلات و دلالی و تجارت پول می توان درآمدهای سرشار و بدون دردسر به دست آورد، کسی سراغ تولید نخواهد رفت. الان ما داده‌هایی در اختیار داریم که نشان‌دهنده این است که این وضعیت همچنان به قوت خود باقی است. در ادبیات موضوع وقتی که راجع به تولید صحبت می‌کنند، می‌گویند تولید به مثابه یک نظام حیات جمعی است؛ از این روی میان اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع گسست وجود ندارد و این‌ها در واقع یک چیز هستند و ما صرفاً برای اینکه شناخت عمیق‌تری از این حوزه‌ها پیدا کنیم، آن‌ها را تفکیک کرده ایم. به همین دلیل اگر ساختار نهادی یک کشور مشوق تولید، کارایی و بهره‌وری باشد، سازمان‌هایی که در جامعه شکل می‌گیرند، سازمان‌های تولیدی هستند. در این گزارش «جنرال موتورز» به عنوان یک نمونه مورد اشاره قرار می‌گیرد. اما اگر ساختار نهادی مشوق رانت، ربا، دلالی و فساد باشد، حتی اگر قالب و ظاهر سازمان‌ها هم تولیدی باشد، حکم سازمان‌های مافیایی را دارند. شما نگاه نکنید، سازمان مافیایی همانقدر که جنبه اقتصادی دارد، همانقدر هم جنبه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد و قابل تفکیک از هم نیستند. ما به اعتبار فاجعه‌های بزرگی که در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در کشور ما اتفاق افتاد، مطالعاتی را صورت داده ایم. هدف ما رمزگشایی از اتفاقاتی بود که رخ داده بود. الان زمان مناسبی نیست که این مطالعات را به صورت کامل

در ادبیات موضوع وقتی که راجع به تولید صحبت می‌کنند، می‌گویند تولید به مثابه یک نظام حیات جمعی است؛ از این روی میان اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع گسست وجود ندارد و این‌ها در واقع یک چیز هستند و ما صرفاً برای اینکه شناخت عمیق‌تری از این حوزه‌ها پیدا کنیم، آن‌ها را تفکیک کرده ایم. به همین دلیل اگر ساختار نهادی یک کشور مشوق تولید، کارایی و بهره‌وری باشد، سازمان‌هایی که در جامعه شکل می‌گیرند، سازمان‌های تولیدی هستند.

تشریح نمایم. ولی فرض بفرمایید یکی از یافته‌های این مطالعه‌ها این است که میزان نرخ بهره‌ای که بازار رسمی پول در سال ۱۳۹۴ پرداخت کرده، معادل دستمزد یازده میلیون کارگر با استاندارد حداقل دستمزد است. این که شما نگاه می‌کنید و می‌بینید طی یک دوره ده ساله از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ تعداد بانک‌های کشور سه برابر می‌شوند و در سال ۱۳۸۹ دوباره برای تاسیس بانک‌های جدید تقاضاهایی که وجود دارد سه

بسم الله الرحمن الرحيم، با عرض سلام و احترام خدمت حضار گرامی و با سپاس از بنیان خیر این جلسه. عرایض کوتاهی را خدمت دوستان مطرح می‌کنم و بعد از دوستان خواهیم خواست هر کدام سه دقیقه نکته ای برجسته را با دوستان در میان بگذارند و اگر زمانی باقی بود من هم جمع بندی نهائی را خدمت شما ارائه خواهیم کرد. ببینید یک واقعیتی وجود دارد و ما اسم این واقعیت را گذاشتیم پایان عصر اتکاء به نفت. محاسبه‌های سرانگشتی نشان‌دهنده این است که سرانه نفتی هر ایرانی طی سال‌های اخیر

چیزی در حدود سیصد دلار یعنی روزانه کمتر از یک دلار می‌باشد. معنی این امر این است که حتی بقاء کشور در صورت استمرار روندهای پیشین با چالش‌های جدی روبه‌روست. باید طرحی نو در انداخت. این طرح نو که برانداخته می‌شود، بر اساس اقتضائات زمان، مکان و شرایط اسم‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. یک موقع می‌گوییم هدف ما دست یافتن به اقتصاد دانش‌بنیان است، یک موقع هدف را بالا بردن توان رقابت اقتصاد ملی تعریف می‌کنیم، یک موقع می‌خواهیم توان مقاومت اقتصاد ملی را ارتقاء دهیم و زمانی در صدد برقراری عدالت اجتماعی برمی‌آئیم. شما وقتی که به هر کدام از این عناوین و محورها نگاه می‌کنید، مشاهده می‌گردد که راه تحقق تک تک این‌ها اتکاء هر چه بیشتر به تولید صنعتی مدرن است. این راه نجات است. اما ماجرا این است که در اقتصادهای رانتهی این امر بدیهی تحت الشعاع منافع گروه‌های پرنفوذ قرار می‌گیرد و نتیجه عملی این است که به جای اینکه نظام قاعده‌گذاری، سازه‌های ذهنی و نظام توزیع منافع ما مشوق تولید، کارایی و بهره‌وری باشد، مشوق رانت، ربا، دلالی و فساد می‌شود. به نظر من، آن چیزی که جامعه ما هم اکنون نیاز دارد، این است که ابزارهای اقتاعی به صورت سازمان یافته و در قالب تشکل‌های حرفه‌ای فراهم شود. واقعیت این است که برای این که نظام قاعده

گذاری کشور به این سطح از بلوغ فکری برسد، مسیری طی بالغ بر پنجاه سال گذشته در ایران طی شده و آن مسیر هر روز ما را با بحران‌های کوچک و بزرگ روبه‌رو می‌کند. در دهه ۴۰ شمسی، به منظور تدوین برنامه سوم قبل از انقلاب، مهندسی مشاور هاروارد به ایران دعوت شدند. این تیم نتایج مشاهدات خود از ایران را در قالب چهار کتاب انتشار دادند ولیکن هیچ کدام از این چهار کتاب تا پایان دوره پهلوی اجازه انتشار پیدا نکرد. حالا ببینید در خود این ماجرا چقدر درس وجود دارد. دلیل

جهت‌گیری‌ها را تعیین می‌کند. چون زور تولیدکننده‌ها از زور غیرمولدها کمتر بوده، طیف بزرگی از فاجعه‌ها اتفاق افتاده است و من می‌خواهم بگویم که این همانقدر که اقتصادی است، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هم هست. در همین دوره رتبه ایران از نظر پاکدامنی ۸۰ رتبه سقوط کرده و ما در ربع پایانی فاسدترین کشورهای دنیا قرار گرفته‌ایم. در همین دوره کیفیت محیط زیست ۶۳ رتبه سقوط کرده است. کیفیت زندگی مردم ۶۲ رتبه سقوط کرده است. یعنی شما زمانی که در ابعاد قضیه دقت کنید، می‌بینید که زمانی که تولید صنعتی مدرن لطمه می‌بیند، همه حیثیت‌های نظم اجتماعی به هم می‌ریزد و شما اگر بخواهید وجه اقتصاد سیاسی این امر را مورد توجه قرار دهید، می‌توانید به گزارش‌های سازمان توسعه تجارت نگاه بکنید که می‌گوید در سال ۱۳۸۳ سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای ۴۷ درصد از کل واردات بوده و در سال ۱۳۹۱ این سهم ۱۳ درصد شده است. یعنی به موازات افول و سقوط جایگاه تولید صنعتی مدرن، همانطور که فساد گسترش پیدا کرده و طلاق بیشتر شده است و همه انواع نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی را داشتیم، اقتصادمان هم دچار زلزله جدی شده و این زلزله جدی این طور است که فرض بفرمایید دولت همین الان ۶۴۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد؛ چیزی در حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان طرح معوقه عمرانی دارد و در همین فاصله بیش از ۱۳۰ هزار میلیارد تومان هم دارایی‌های بین نسلی فروخته شده و صرف امور جاری شده است و ماجرا این است که واقعاً به عنوان نجات کشور از همه این نابسامانی‌هایی که در همه عرصه‌ها وجود دارد که تجربه ای جهانی و لایتخلف است، باید زور و توان نهادها از طریق تولید، کارایی و بهره‌وری بیشتر شود. لازمه تحقق این زورمندی، این است که اتحاد و انسجام بیشتری وجود داشته باشد و از تولیدکننده‌ها صدای کارشناسی جدی‌تر شنیده شود و این مساله

این که شما ممتاز شدید، عالی است ولی به نظر من مهم پایداری و اعتلابخشی است. این پایداری به ساختار نهادی برمی‌گردد و ساختار نهادی هم تابع اقتصاد سیاسی است؛ یعنی اینکه کدام گروه‌ها متشکل و سازمان‌یافته هستند و نسبت به منافع خود آگاهی دارند و این منافع را می‌کنند. واقعیت این است که در اقتصاد سیاسی ایران، تشکلهایی که حامی فعالیت‌های غیرمولد هستند، زور بیشتری دارند. بنابراین به نظر من شکل‌گیری چنین تجمع‌هایی باید نقطه عزیمت برای این امر باشد. بایستی از اتاق بازرگانی، از سازمان مدیریت صنعتی، از دانشگاه‌ها و از همه موسسات پژوهشی که در این منطقه وجود دارد، وجود دارد که باهمدیگر متحد شوند و ساختار نهادی ایران را در آن مسیری که راه نجات است، قرار دهند.

برابر بانک‌های موجود در سال ۱۳۸۹ است و در همین فاصله بانک‌های موجود تعداد شعبه‌هاشان هشت برابر شده است معنایش این است که الان در این اقتصاد موتور خلق ارزش افزوده تولید وجود ندارد، بلکه فرایند صرفاً تجارت پول است. شبیه این مساله در مورد دلالتی هم وجود دارد. ما بر اساس جداول داده ستانده‌ای که در سطح ملی منتشر شده، محاسبه‌هایی داریم که نشان می‌دهد با کاربست هر یک واحد پول در بخش دلالتی به طور متوسط عایدی هفت برابر صنعت و نه برابر تجارت است. از این نکته‌ای که عرض کردم می‌خواهم این مساله را خیلی جدی برای شما طرح کنم؛ تقریباً همه دوستانی که در افتتاحیه صحبت کردند می‌گفتند این که شما ممتاز شدید، عالی است ولی به نظر من مهم پایداری و اعتلابخشی است. این پایداری به ساختار نهادی برمی‌گردد و ساختار نهادی هم تابع اقتصاد سیاسی است؛ یعنی اینکه کدام گروه‌ها متشکل و سازمان‌یافته هستند و نسبت به منافع خود آگاهی دارند و این منافع را که هم راستا با منافع ملی هم هست را پیگیری می‌کنند. واقعیت این است که در اقتصاد سیاسی ایران، تشکلهایی که حامی فعالیت‌های غیرمولد هستند، زور بیشتری دارند. بنابراین به نظر من شکل‌گیری چنین تجمع‌هایی باید نقطه عزیمت برای این امر باشد. بایستی از اتاق بازرگانی، از سازمان مدیریت صنعتی، از دانشگاه‌ها و از همه موسسات پژوهشی که در این منطقه وجود دارد، وجود دارد که باهمدیگر متحد شوند و ساختار نهادی ایران را در آن مسیری که راه نجات است، قرار دهند. داده‌های تکان دهنده فراوانی در این زمینه وجود دارد اما باید همه با چند و چون این روند آشنا شوند، و بدانند این که زور بیشتر متعلق به غیرمولدهاست، چگونه کشور را به سمت فروپاشی می‌برد و این واقعاً یک مساله ملی و دینی محسوب می‌شود. ببینید در سیاست‌های کلی برنامه چهارم و برنامه ششم نکات مشترک بسیار زیادی وجود دارد و

معنایش این است که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها اجرایی نشده است اما یکی از نکته‌های کلیدی مربوطه که می‌تواند برای همه ما احساس غیرت برانگیزی را ایجاد کند، این است که وقتی قانون برنامه چهارم نوشته شد محاسبه‌های آن زمان که مربوط به سال ۱۳۸۴ بود و سند آن هم وجود دارد، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۴ اقتصاد ایران برای دستیابی به رشد ۸ درصدی، نیازمند تخصیص سالانه ۱۶/۵ میلیارد دلار بوده است اما وقتی که در سیاست‌های کلی برنامه ششم دوباره این مطالبه مطرح شد، رئیس سازمان برنامه و سخنگوی محترم دولت آمد گفت برای دستیابی به این هدف ما سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار از لازم داریم. این موضوع، قهقرا و انحطاط را در زمینه مزبور به خوبی نشان می‌دهد. دلیل این است که در این دوره ده ساله هولناکترین ضربه‌ها به تولید صنعتی کشور وارد شده ولی ما حتی یک اعتراض کوچک هم نشنیدیم. شما فقط کافی است داده‌های پردازش شده سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ را باهمدیگر مقایسه کنید. مثلاً یکی از داده‌ها با اینکه داده‌های تکان دهنده دیگری هم وجود دارد اما من فقط به همان بسنده می‌کنم، این بود که در این فاصله شش ساله که دوره اوج درآمدهای نفتی کشور هم بوده خالص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش صنعت منفی ۴۱۵۰۰۰ عدد شغل بوده است. خالص فرصت‌ها یعنی جمع جبری مجموعه شغل‌هایی که ایجاد شده و شغل‌هایی که از بین رفته و مطالعات ما نشان می‌دهد که این بی‌سابقه‌ترین صنعت زدایی در تاریخ اقتصادی صدساله ایران است. پس ماجرا این است که در دوره وفور درآمدهای نفتی، چهار چوب اقتصاد سیاسی بر اساس زور گروه‌های پرنفوذ

متضمن بقای کشور است.

به عنوان یک کارشناس کوچک در زمینه مطالعات توسعه می‌گویم که اگر این اصلاح نهادی صورت بگیرد، مجموعه ظرفیت‌های مادی و انسانی که در کشور ما وجود دارد این امکان را به ما می‌دهد که یک تحول جایگاه به صورتی معنی دار در حد تحول جایگاه کره جنوبی را تجربه کنیم. فقط برای اینکه ببینیم چقدر با تولید صنعتی مدرن مرتبط و متصل است، من چند داده دیگر را خیلی سریع مطرح می‌کنم و بحثم را جمع می‌کنم. ببینید در فاصله ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در ماشین‌آلات در ایران ۱۰ برابر شده است. رقم مشابه در همین دوره زمانی مشخص برای کره جنوبی ۶۴۱ برابر است. شما می‌توانید به خوبی رمزگشایی کنید که چرا چنین چیزی رخ داده است. ببینید در همین ۱۹۷۰ تولید سرانه کره جنوبی نصف تولید سرانه ایران بوده است. الان تولید سرانه کره جنوبی بیش از ۱۱ برابر ایران است یعنی کلید اینجاست و این یک بایسته‌هایی دارد و ما باید اعداد را بگذاریم روی هم و واقعاً به عنوان یک مجاهده ملی در این زمینه نقش ایفا کنیم. امسال سال تعیین سرنوشت برنامه میان مدت کشور است اگر متولیان و فعالین بخش خصوصی بتوانند به صورت سازمان یافته و در سطح ملی صدای قابل اعتنایی ایجاد کنند که انشالله به گوش نمایندگان مجلس هم برسد، آن وقت می‌توان به سرانجام و فرجام نیک امیدوار بود و کشور هم از این فقر، فساد و پس افتادگی نجات می‌یابد. در این بزرنگ تاریخی، این یک انتظار ملی از تشکلهایی است که حیات خود را در تولید صنعتی مدرن جست و جومی‌کنند.

مشروح پنل در همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب



وحید مهین، مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور نیروی آذربایجان (منا)

به نام خدا، مهین هستم. صحبت کردن بعد از فرمایشات جناب آقای دکتر مومنی سخت است ولی واقعیت این است که به عنوان یک فعال اقتصادی که در بخش خصوصی داریم، فعالیت می‌کنیم به نظر من می‌رسد که الان فرصت، فرصت بسیار مغتنمی است، برای این که شاکله بخش خصوصی بدون اتکاء و پابندی به منابع رایگان بتوانند روی پای خودشان بایستند. این بحث خیلی ذهن من را مشغول کرده است که کشورهای توسعه یافته‌ای همچون کره جنوبی، آلمان، آمریکا و کشورهای که منابع درآمدی سرشاری دارند. در هیچ کدام، دولت‌ها تولیدکننده ثروت نیستند و تولید ثروت حتی در زمینه‌های استراتژیک به بخش خصوصی محول شده است. هیچ کدام از شرکت‌های دولتی آمریکا سلاح تولید نمی‌کند در حالی که سلاح یک ابزار استراتژیک است. مطالعه عمیقی در این زمینه ندارم؛ ولی می‌دانم که شاید بیشتر از ۹۵ درصد اقتصاد آمریکا توسط بخش خصوصی گردانده می‌شود. در شرایط حاضر، چند هفته پیش آقای دکتر جهانگیری صحت‌هایی داشتند در خصوص اهمیت بخش خصوصی و همچنین اعلام کردند که دولت پولی ندارد و طرح‌های طولانی‌مدت اجرا نخواهد شد چون پولی برای اجرای این طرح‌ها وجود ندارد و بایستی منابع دیگری را برای بقا و توسعه پایدار خودتان در نظر بگیرید و این حرف درستی هم هست به نظر من اصل توسعه اقتصادی کشور همین هست که دوستان فرمودند. ما نیاز به منابع مالی داریم ولی آنقدر حاد نیست چون منابع مالی به راحتی در سطح جهان قابل دسترسی هست. مشکلی که ما داریم این است که فضا و مسیر باید باز شود همان طور که شما فرمودید، بحث رانت و فساد بیداد می‌کند و کسانی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند، این را با پوست و استخوان خودشان درک می‌کنند. این می‌تواند دولت را به نابودی

بکشاند. خواهشی که از دولتمردان بزرگوار داریم، این است که فضا را برای کسب و کار و اعتماد متقابل در بخش خصوصی ایجاد بکنند و از طرف دیگر این خواهش را از خودمان و از تمام دوستانی که هستند و نیستند داریم، این است که همدیگر را دوست بداریم. ما دشمن هم نیستیم. همان طور که آقای دکتر پزشکیان هم فرمودند، بحث مشتری مداری بایستی در تمامی ارکان جامعه جاری شود و اگر بخواهیم این فلسفه و این اصل را در ذهن خودمان به صورت نهادینه داشته باشیم و به خودمان این جسارت و جرات را بدهیم که به آن فردی که در حوزه کسب و کار رقیب من است احترام بگذاریم و منافع خودمان را در منافع جمع و جامعه ببینیم، حتماً به توسعه پایداری که مدنظرمان است خواهیم رسید انشالله.

حسین جوانی، مدیرعامل شرکت مس مزرعه

عرض سلام دارم خدمت هموطنان و همکاران عزیز بنده جوانی هستم، مدیرعامل شرکت مس مزرعه و مدیر کنترل فرایند شرکت مس سونگون، اینکه نشسته‌ایم و در خصوص توسعه کشور هم‌اندیشی می‌کنیم بسیار ارزشمند است. به قول آبراهیم لینکن همه به زادگاه و کشور خودشان افتخار می‌کنند ولی پیشرو کسی است که کشور به او افتخار کند. الحمدلله جمعی که می‌بینم جمعی است که کشور ایران به آن افتخار می‌کند. دوستان عزیز گرفتاری که صنعت ما دارد و آمارهایی که آقای دکتر مومنی ارائه نمودند. در همه صنایع به نوعی دیده می‌شود. مشکلات عمده‌ای در کشور وجود دارد که اجازه نمی‌دهد صنعت در کشور به راحتی حرکت کند. یک سلسله از مشکلات از سازمان‌ها شروع می‌شود. سازمان‌های ما باهمدیگر یک پارچه نیستند؛ مثلاً چون من به نمایندگی از دوستان معدن کار اینجا صحبت می‌کنم، ما در این حوزه وقتی می‌خواهیم کاری انجام بدهیم، از طرفی با سازمان محیط زیست رودرو هستیم و از طرفی با



سازمان صنعت، معدن و تجارت، از طرفی هم با سازمان منابع طبیعی مراوداتی داریم اگرچه این سازمان‌ها واقعاً قصد خدمت کردن دارند ولی قوانین موجود در این سازمان‌ها باهمدیگر سازگار نیستند و ارتباطی بین آن‌ها وجود ندارد. شاید ما نتوانسته ایم ارتباط را برقرار کنیم تا به یک هم افزایی برسیم. بنابراین وقتی گاهی خسته می‌شویم می‌گوییم که ای کاش تیمی از مشاوران در سطح جهانی استخدام شود و با طراحی سازمان‌ها را در کشور عهده‌دار شوند اینکه کدام وزارتخانه‌ها را داشته باشیم، ارتباط این‌ها باهمدیگر چگونه باشد و اینکه چه سازمان‌هایی باید وجود داشته باشند؟ بخش‌های مختلف بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند. ما در

باشند. امروز این شرکت‌های برتری که اینجا حضور دارند می‌توانند حتی جهانی هم شوند منتها باید بستر فراهم شود

سلیمان نوروزی، مدیرعامل شرکت خاک چینی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم. تشکر می‌کنم از مسئولین برگزاری این جلسه و از تمامی دوستان. مطالبی که آقای دکتر مومنی فرمودند در این رابطه که تولیدکنندگان زور لازم را ندارند، یک واقعیت است چون پیشتر هم نشان داده اند که توان حل مشکل خودشان را دارند. تمامی این شرکت‌هایی که به عنوان شرکت برتر انتخاب شده‌اند، خصوصی هستند و بدون اتکاء به کمک‌های دولتی فعالیت می‌کنند و از رانت خاصی برخوردار نیستند و به صرف سیاست‌هایی که خودشان در مجموعه خودشان ایجاد کردند، به این موقعیت رسیده‌اند. به موقعیت‌هایی که لازم است همه شرکت‌ها به این سمت سوق یابند. خوب، ما چه زمانی می‌توانیم چنین کاری را انجام بدهیم؟ زمانی که از این توانی که در مجموعه‌های صنعتی و تولیدی وجود دارد، در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور استفاده کنیم. همه مجموعه‌ها، تشکل‌های صنفی دارند و این تشکل‌ها، متشکل از افرادی است که صاحب نظر هستند. خانم آقاپور به عنوان نماینده مجلس در این‌جا حضور دارند. مجلس در این راستا می‌تواند بسیار کمک کند. ببینید همه می‌دانیم که این تشکل‌ها خیلی در تصمیمات دخالت داده نمی‌شوند. در حالی که این تشکل‌ها می‌توانند در زمینه تدوین راهکارهای اجرایی و روش برخورد با قوانین اجتماعی که تصویب می‌شود، بسیار کمک کنند اگر ما بتوانیم تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها را با حضور تولیدکنندگان انجام دهیم، می‌توان نتیجه بهتری گرفت. الان می‌دانیم که درآمدهای نفتی کاهش یافته است و به تولیدکنندگان فشار مضاعف وارد می‌شود. اگر بتوانیم در معنای واقعی در تصمیم‌گیری‌ها از توان اقتصادی و مدیریتی متخصصین استفاده کنیم، می‌توان نتیجه بهتری گرفت.

جواد علیزاده هوشیار، مدیرعامل شرکت کنترل افزار تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم. خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت حضار محترم و تشکر از سخنرانان محترم به خصوص آقای دکتر مومنی و تشکر ویژه دارم از دست اندرکاران سازمان مدیریت صنعتی. بنده علیزاده هستم مدیرعامل شرکت کنترل افزار، تولید کننده ماشین آلات سی‌ان‌سی، آقای دکتر مومنی، بنده در ادامه فرمایشات شما اشاره کوتاهی می‌کنم به پارادوکس اقتصادی سیاسی که به نوعی

ایران بایستی دنبال تولید اقتصادی هدفمند، پایدار و رقابتی باشیم. چه بخواهیم و چه نخواهیم با دنیا در حال مراوده هستیم وقتی یک ماده ای را این‌جا تولید کنیم، باید در عرصه جهانی بتواند رقابت کند تا به فروش برسد و بازاریابی شود. یک بخش دیگر هم بحث آمار است. آمارهای ما در ایران خیلی قابل استناد نیستند. آمارها به خصوص برای بخش خصوصی بسیار راهگشا هستند و سرمایه‌گذاران با استناد به آن‌ها می‌توانند درست تصمیم بگیرند. ما یک دوران پیشتازی علمی را از سر گذرانده ایم. باید تلاش کنیم که باز به تعالی برسیم. در بخش مدیریت هم چون سازمان مدیریت صنعتی یکی از خادمان خوب این حوزه است و در استان ما هم فعال است، با ایجاد کلاس‌ها و دوره‌ها تغییرات عمده‌ای را در نگرش‌ها ایجاد کرده است و باید هم ایجاد شود؛ چون این مدیریت است که می‌تواند تغییر ایجاد کند. ما باید بتوانیم تغییر نگرش ایجاد کنیم، انشالله کشور می‌تواند در ریل اصلی قرار بگیرد و نیاز به همدلی و همیاری همدیگر شدیداً احساس می‌شود. برای همه آرزوی موفقیت می‌کنم.

علی اکبر عمرانی، مدیر کارخانه پمپ و توربین (پتکو)

بسم الله الرحمن الرحيم. تشکر می‌کنم از برگزارکنندگان این جلسه. من دو مطلب را می‌خواهم عرض کنم. دوستان، ما در کشوری زندگی می‌کنیم که دین‌مان اسلام است و یگانه پیامبری داریم به عنوان محمد امین، در هرکاری ما می‌توانیم حداقل امین باشیم. شکوفایی صنعت و شکوفایی کشورمان به طور خلاصه در امین بودن است. ما در هر صنف و مقامی اگر به امین بودن فکر کنیم می‌توانیم موفقیت داشته باشیم. متأسفانه در جامعه ما کلمه امین بودن واژه غریبی است. به نظر من کل مشکلات ما به این حوزه مربوط می‌شود امیدوارم دوستان همت داشته باشند و در رابطه با این موضوع توجه بیشتری نشان دهند. موضوع دیگر، خودباوری است. ما ملت بزرگ و با اقتداری هستیم. متأسفانه موانع و مشکلاتی که سر راهمان است ما را به این مسیر کشانده است. آقای حسن‌زاده، ریاست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز فرمودند که نیاز صنعتگران، پول رایگان نیست بلکه نیاز، آماده سازی بستر است. بنده به عنوان خادم شما در شهر خودمان غریب هستم. دوستان دولتی هم در این مجلس حضور دارند. ما متأسفانه خودمان را باور نداریم و اگر خودباوری محقق شود می‌توانیم خوب‌تر جلو برویم. مسئولان ما باید دقت بیشتری داشته



را انجام دهیم و خروجی این باعث خواهد شد که مشکلات اقتصادی ما حل گردد. اما بنده از شرکت سرمایه‌گذاری استان هستم، نه از شورای شهر و با توجه به این که در بخش خصوصی هستم و فعالیت می‌کنیم و در استان نزدیک به دو میلیون و هفتصد نفر هم عضو داریم. مواردی که می‌خواهم اشاره کنم، اصلاح و به‌روزرسانی قوانین در حوزه تولید است. ما قوانینی داریم که در سالیان قبل تصویب شده است، ولی الان نیاز به بازبینی دارد؛ یکی حل مسائل بانکی است که باید اصلاح شود. در کشورهای همسایه می‌بینیم درصدی که برای تسهیلات می‌گیرند، یکی دو درصد است. ولی در کشور ما نزدیک به بیست درصد است. مساله دیگر در آن

کشورها، عدم وابستگی به نفت است. ما باید به جای دیپلماسی نفت و جلو بردن آن، دیپلماسی تولید و تجارت را جلو ببریم. چون نفت یک روزی تمام می‌شود. ما نیابستی به تولیدکنندگان و به صنعتگران با دید سیاسی نگاه کنیم. ما باید برای حل مشکلات و پویایی، یک دل و یک صدا باشیم و وحدت را حفظ کنیم. اعتماد واقعی به صنعتگران و تولیدکنندگان را باید در نظر بگیریم. در حوزه شمال غرب، مسئولین ما باید از منابع ملی و بودجه های ملی برای توسعه استان و اشتغال بهره کافی ببرند اما ما شاهد این فرایند و رویه نبوده‌ایم. مجدداً تشکر می‌کنم از همه کسانی که با عشق و علاقه برای کشور و استانشان جمع شده‌اند و امیدوارم خروجی این جلسات برای تولید، اشتغال مفید و موثر باشد.

میراحد حسینی، مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان شرقی

چون جنس من با عزیزی که اینجا صحبت کردند فرق میکند، دوست دارم عرایضم را از منظری دیگر به عرض برسانم، شما عزیزان از مدیران صنعتی، تولیدی و بخش خصوصی هستند و اما من از مدیران دولتی هستم. کلید برتر شدن و توسعه، صداقت در رفتار مدیران و عاشقانه کار کردن است. هر مدیری که در رفتارهای خود صداقت داشته باشد و در کارش عاشقانه رفتار کند، واقعاً فرد ارزشمندی است. در یک محیط تولیدی و عرصه اقتصادی کلید موفقیت این موارد است. یک حکایت کوچکی را مطرح می‌کنم از یکی از مدیران برتر واحدهای اقتصادی دنیا که ۷۵ سال سن داشت و بیش از سی سال در آن واحد تولیدی و بخش‌های اجرایی کار کرده بود، دعوت شده بود تا تجارب سی ساله خود را در شرکت بزرگی که برند جهانی دارد و دنیا آن را می‌شناسند، خلاصه‌ای ارائه نماید. این فرد گفت. که زندگی یک قاعده‌ای دارد، قاعده این است که مدیران باید پنج توپ در دستشان نگه دارند چهارتا از این توپ‌ها شکستنی است و همین که به زمین بخورد، خورد می‌شود، ولی جنس یکی دیگر متفاوت است. یکی از این توپ‌ها سلامتی است اگر گوشه‌ای از این آسیب ببینید؛ به حالت اول بر نمی‌گردد و بنابراین مدیران محترم ما باید قدر سلامت خودشان را که جنسی شکستنی دارد را بدانند. دومین مورد هم خانواده است. جنس خانواده از نوع چینی است. اگر در خانواده مشکلی ایجاد شود و اعضا همدیگر را درک نکنند مشکل ایجاد می‌شود و اگر آسیب

باعث عدم توازن نفوذ و دسترسی و غیرقابل کنترل شدن انجامیده است. مادامی که فضای سیاسی کشور به واسطه یک سری مسائل ژئوپولیتیکی و داخلی امنیتی است و فعالیت نهادهای مدنی محدود نگه داشته می‌شود، ما هم در حوزه اقتصاد و هم در حوزه سیاست، توازن قدرت نخواهیم داشت. مادامی که دموکراسی سیاسی نباشد، دموکراسی اقتصادی هم نخواهد بود. بنده به پنج مورد اشاره می‌کنم در درجه اول ما بایستی شایسته سالاری در نهادهای حکومتی و دولتی را احیاء کنیم و این موضوع باید خیلی جدی گرفته شود. دوم به نهادهای صنفی، مردمی و مدنی باید قدرت بیشتری داده شود تا توازن قدرت حفظ بشود و تا جایی که ممکن است جلوی رانت گرفته شود، بایستی تنش‌های فی‌مابین منطقه‌ای را به حداقل برسانیم، چون از نظر اقتصادی تأثیر منفی دارد. نکته‌ای که خیلی مهم است و می‌توانید پیگیر آن باشید تغییر در قوانین به نحوه‌ای است که در راستای حمایت از سرمایه‌گذاران و کارآفرینان گردد. اداره دارایی در عرض یک روز می‌تواند یک کارآفرین را ممنوع الخروج بکند در حالی که اگر یک کلاهبرداری صورت گیرد و شما بخواهید شکایت کنید، زمان دادرسی اش بیش‌تر از شش ماه به طول می‌انجامد و این یک پارادوکس جالب است. سیستم بانکی باید اصلاح شود چون تازمانی که پول گران است، نخواهید توانست کالای رقابتی تولید کنید اگر این سیستم اصلاح نشود به زودی خود این سیستم با مشکل مواجه خواهد شد. امیدوارم که دوستان همیشه موفق باشند.

اسماعیل چمنی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری استان آذربایجان شرقی و عضو شورای شهر تبریز

بسم الله الرحمن رحیم. سلام و عرض ادب دارم خدمت حضار محترم، اساتید، بزرگان صنعت و اقتصاد شمال غرب. همه کسانی که در این همایش شرف حضور دارند. ما هم باید در رابطه با این مظلومیت این برترین‌ها و این جلسه بگویم و پنهان کاری نکنیم. تشکر می‌کنم از برگزارکنندگان این همایش که انتخاب‌هاشان به دور از مسائل بانندی و سیاسی بوده و از روی کار کارشناسی بوده که انشالله تداوم پیدا کند. این جا بحث برترین‌های شمال غرب است، نه استان آذربایجان شرقی. هر سرمایه‌گذار و هرکسی که می‌خواهد تولیدکننده باشد، به دنبال سه مورد است. یکی منفعت و سود است؛ یکی امنیت و دیگری تکریم است. اگر ما بتوانیم دولتمردان، مدیران و مسئولین این سه بند را باید مدنظر قرار داده و در عمل نه در صحبت و شعار این



ببیند به حالت اول بر نمی‌گردد. در این تعاملات و رفتار همیشه باید خانواده را درک کرد. یکی از این توپ‌ها دوستان شما هستند و باید به نوعی برخورد کنید که دل این‌ها نشکند. اگر گوشه‌ای از دل این‌ها بشکند، دیگر در دوروبر شما آفتابی نمی‌شوند. مدیران ارشد آن‌هایی هستند که در طول چند سال توانسته‌اند برای خودشان دوستان خوبی پیدا کنند و از طریق این دوستان تعالی و پیشرفت و توسعه داشته باشند. چهارمین توپ، نماد روح انسان است اگر روح انسان صدمه ببیند، مجنون می‌شود و اگر آسیب ببیند هم این دنیا را ندارد و هم آخرت را نخواهد داشت یعنی اگر گوشه‌ای از روح انسان صدمه ببیند نمی‌تواند به اول برگردد به همین

دلیل باید مراقب این چهار چیز بود. اما یک چیزی هست که جنسی متفاوت دارد و شکستی نیست؛ آن هم شغل شماسست. ممکن است یک موقعی یک واحد صنعتی ورشکسته بشود و یا پیشرفت کند این جنس پلاستیکی است، یعنی ممکن است در طول سال‌های زندگی شما با این دست اندازه‌ها مواجه باشید اما شرط موفقیت این است پیش از آن چهارتای اولی را از دست ندهد.

علی جهانبگیری، مدیر منطقه ویژه علم و فن آوری ربع رشیدی تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم. آقای دکتر پزشکیان به حق گله کردند از اینکه مسئولین دولتی زیربط در این جلسه حضور ندارند و باید این کار را جدی بگیرند، ضمن اینکه گله به نوعی به جا هست، گله دیگر این است که چرا خود بخش خصوصی این را جدی نمی‌گیرد و نصف ۵۰۰ شرکتی که در این همایش شرکت کردند در اینجا حضور ندارند، اگر نهادسازی که دکتر مومنی فرمودند در بخش خصوصی نباشد و به شکل نظام مند در جمع‌هایی که حداقل مربوط به خودشان است حضور نیابند چه انتظاری از بخش دولتی است؟ امروزه تمامی شرکت‌ها باید به دنبال تعالی مستمر باشند به نظر می‌آید مثال‌هایی که همه دوستان زدند از آمریکا، چین، ژاپن و... در یک بحثی نقطه اشتراک دارند آن هم مساله دانش و دانش‌بنیان بودن است که باید توجه داشت اگر ایرادی که دکتر مومنی گرفتند و مثالی که زدند در یک دوره ۱۰ ساله در کره جنوبی ۶۰ برابر کشور ما در همان مقطع بیشتر سرمایه‌گذاری ثابت در ماشین آلات صورت گرفته، این سرمایه‌گذاری در تجهیزات مثل سرمایه‌گذاری در ایران خودرو یا سرمایه‌گذاری از نوع وام‌های میلیون دلاری که بدهیم و قرضه‌های آسیای میانه را بیازیم نیست. سرمایه‌گذاری به این شکل ما را به جایی نخواهد رساند. این است که از دوستان بخش خصوصی به ویژه از سازمان مدیریت صنعتی به عنوان متولی خواهش می‌کنم بحث توجه به اقتصاد دانش‌بنیان را جدی بگیرند و از سال دیگر اگر دوستان صلاح دیدند، یکی از شاخص‌های ارزیابی را توجه به این امر قرار بدهند. تا بتوانیم این رویکرد را در کشور و یا در منطقه‌ای که مدنظر ما هست نهادینه کنیم. در این دو سه سال اخیر در خصوص حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، حداقل در بحث مقررات، آیین‌نامه دولت و مسئولین ارشد کشور به نظر می‌آید که خوب جلو آمدند و بخش خصوصی است که

باید از این فضا استفاده بکند و مطالبات بیشتری را طرح نماید. چون دولتی‌ها بیشتر مقررات وضع می‌کنند ولی این باید بیاید و در بستر بنگاه‌ها قرار بگیرد و اجرایی شود. اگر این بنگاه‌ها در عمل جلو بروند، ایرادات نهادهای ذیربط عیان می‌شود. اگر کار نکنیم، مشکلات را نمی‌فهمیم و اصلاح امور هم صورت نمی‌گیرد. به طور مثال در مورد مالکیت معنوی و یا خیلی چیزهایی که در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان وجود دارد، مثل حقوق معنوی و یا سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌پذیر تنها در صورت درگیر شدن می‌توان به عمق مسائل کاستی‌ها موجود پی برد. دوستان و صنعتگران موجود باید پیش‌تاز بهره‌مندی و استفاده از اقتصاد دانش‌بنیان در حوزه‌های خود باشند. باید این امر را جدی بگیرند و از امکاناتی که دولت فراهم کرده، استفاده نمایند.

معصومه آقاپور علیشاهی، نماینده و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

سلام عرض می‌کنم، معصومه آقاپور علیشاهی هستم؛ نماینده مردم فریخته شستر. از تمام دست‌اندرکاران این همایش تشکر می‌کنم. من می‌خواهم یک مقدار با صراحت و شفافیت صحبت کنم و حتماً در این مورد یک مقدار تلخی زبان هم وجود خواهد داشت، چون قبول واقعیت یک مقدار سخت است. دیگر زنگ انشا تمام شده است و زنگ حساب و کتاب است دیگر جایی برای لغزش اقتصادی وجود ندارد؛ حقیقت‌ها را بپذیریم. بدون تعارف، اگر با همین روال ادامه بدهیم دو سال دیگر زنگ فاجعه به صدا خواهد درآمد. چند آمار مختصر و مفید خدمتتان خواهم گفت و دنبال راهکارها خواهیم بود بدین ترتیب که وظیفه من نوعی چیست و وظیفه صنعتگران ما چه خواهد بود و این هدف‌گذاری و برآیند نیروها به کجا خواهید انجامید. ما باید به بحران‌های کشور نگاه کنیم و ببینیم که اصل بحران‌ها کجاست و بعد در شاخه اقتصاد بررسی داشته باشیم و جمع بندی این موضوع را انجام دهیم.

در حال حاضر ما با چند بحران عمده مواجه هستیم؟ بحران بیکاری، بحران آب، بحران محیط زیست، صندوق‌های بازنشستگی و نظام بانکی و بهره‌وری کم. مهم‌ترین و کوتاه‌ترین شرایط ما در رابطه با شورای اقتصاد که تورم، بهره‌وری و بیکاری است؛ از نظر من اولین مساله ما اولویت‌بندی صنایع است آمار خیلی ساده خدمتتان ارائه کنم. آلمان با آن عظمت و قدرت تنها بیست صنعت شاخص دارد و به آن صنایع کمک‌های مالی ارائه می‌کند از بقیه



الان در شورای اقتصاد ۸ میلیارد دلار برای پروژه پارس جنوبی اختصاص یافته است. آیا واقعاً با ۱۰ میلیارد دلار می‌خواهیم معجزه کنیم؟ مشکلات ما، اول، نبود تورم و فضای رقابتی بدون حمایت است. الان ما می‌گوییم که تورم پایین آمده است، شرایط بهتر است. اما آیا واقعاً این تورم واقعی است؟ نیست، دومی، کاهش یارانه‌های انرژی است که باعث شده تورم مختصری ایجاد شود. یکی هم تورم مبادله‌ای بین ارز است که بین ۵ تا ۱۵ درصد متغیر است. پس این تورم ۳/۶ درصد به درد بنگاه‌های اقتصادی ما نمی‌خورد. خوب حالا باید چه کنیم؟ واقعیت

این است که، مسکن دیگر برای ما تلنگری برای رشد اقتصادی نیست. ما نمی‌توانیم تجربه گذشته سال ۱۳۸۱، ۱۳۸۶، ۱۳۷۵ را تکرار کنیم. تا رونق اقتصادی به وجود آید، چون دنیا متحول شده و دیدگاه‌ها متفاوت شده است. ما باید با نفت ۶۰،۷۰ دلار خداحافظی کنیم. اعتقاد بر این است که باید گذشته‌هایمان را فراموش کنیم زیرا آنان همچون کفش‌های دوران کودکی نه تنها برایمان کوچک هستند بلکه ما را از برداشتن گام‌های بزرگ باز می‌دارند. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. حالا دنبال وظایف بیاییم. مواردی که من برایتان خواهم گفت دیدگاه چندتا از دوستان من در گروه اقتصاد هست. من این را تجویز عمومی نمی‌کنم و هنوز هم در کمیسیون اقتصاد آنطور که باید و شاید پخته نشده است. ولی هم و غم همه‌مان این است. راه حل‌هایی که ارائه شده عبارتند از موارد زیر:

راه حل اولمان نظام بانکی است، باید نظام بانکی جراحی شود. تعارف نداریم، نظام بانکی ما مشکل دارد. در نظام بانکی ما در حال حاضر ۷۰ درصد تسهیلات به ۱ درصد مشتریان داده می‌شود؛ یعنی تنها به ششصد هزار نفر این باید اصلاح شود. مورد بعدی که از اهمیت بالایی برخوردار است. راه حل دوم مربوط به حوزه قضایی و اصلاحات مربوط به آن است در بخش قضایی که یکی از تحقیقات من در دو ساله گذشته بوده، یک آمایش اطلاعاتی نشان می‌دهد که، ۱۲۰ هزار میلیارد تومان در دستگاه قضایی و دادگستری گیر کرده است در حال حاضر فرایند یک پرونده حداقل شش ماه و حداکثر سه سال به طول می‌انجامد و متوسط زمان مربوطه آن هجده ماه است. کدام بنگاهی می‌تواند این زمان را تحمل کند. مورد بعدی کم‌اهمیت تلقی کردن بخش خصوصی توسط دولت است و سومین مورد این است که مفاد اقتصاد مقاومتی را باید جدی بگیریم، فرصت چندان‌ی تا سال ۲۰۲۰ نداریم. مورد بعدی جلوگیری از درگیری‌های جناحی است. بایستی به فکر توسعه باشیم فارغ از هر زنده باد و مرده باد، سر به اصلاح وطن باید نهاد و بعد از آن هم دولت نباید وارد معاملات شود. دولت بایستی سیاست‌گذاری کند و دست از تصدی‌گری بردارد. دولت بایستی به بخش خصوصی اطمینان کند و به آن قدرت بدهد. از همه فعالان بخش خصوصی که با این شرایط سخت سرپا ایستادند ممنون و سپاسگذارم. مردان عمل هستید و تک تک ما به وجود تک تک شما که با این مشکلات

صنایع فعال حمایتی صورت نمی‌گیرد. چون فقط بیست صنعت می‌تواند رهبری هزینه، تمرکز و تمایز داشته باشد. در کره جنوبی هشت تا از صنایع مورد حمایت دولتی قرار دارند اما در ایران با توجه به آمار جدید در بخش حمایت‌ها، ما از شصت و هشت صنعت حمایت می‌کنیم، آیا همگی آن‌ها توجیه اقتصادی دارند؟ از این لحاظ یک کشور استثنایی هستیم، اما چه می‌کنیم؟ در دنیا اول برندسازی می‌کنند، بعد تولید کالا می‌کنند یک مثال بسیار ساده‌ای را بگویم، یکی از دوستان من از کالیفرنیا آمده بود و به من می‌گفت در شاخه تولید یک کار رفتار اقتصادی انجام دادیم و از تولید کنندگان آمریکایی پرسیدیم که شما زمانی که می‌خواهید تولید کالا صورت دهید، چه انگیزه‌ای دارید؟ آن‌ها متفق‌القول می‌گویند که ما کالا را طوری می‌سازیم که خراب نشود و در نهایت مشتری از استفاده مکرر از آن دلزده شود. به خاطر همین است که از سال ۲۰۰۸ به بعد در آمریکا کالا تولید نمی‌کند و فقط تکنولوژی تولید می‌شود. از یک تولیدکننده فرانسوی هم می‌پرسند که انگیزه شما از تولید کالا چیست؟ می‌گویند من کالا را طوری تولید می‌کنم که تا پایان دوره گارانتی مشکلی پیش نیاید. از تولیدکننده چینی انگیزه تولید را می‌پرسند. پاسخ می‌دهد: من کالا را طوری تولید می‌کنم که مشتری بتواند آن را به کار بیاورد و از آن استفاده کند. در این حالت چیزی به اسم گارانتی وجود ندارد. حالا فکر می‌کنید ایرانی‌ها چه جوابی به این سوال داده‌اند؟ (البته این را که می‌گویم اشاره‌ام به شما برترها نیست، شما بهترین‌ها هستید) نتیجه تحقیق در این مورد نشان می‌دهد که مدیران بنگاه‌های ایرانی در جواب این سوال پاسخ داده‌اند صرفاً کالایی تولید می‌کنیم که فقط بتوانیم بفروشیم. یعنی اصلاً مشتری را نمی‌بینند.

حال به موضوع نظام بانکی بپردازیم. گروه اقتصاد در مجلس تقریباً دو ماه است که به شدت روی این مساله تمرکز کرده‌اند. کل سرمایه بانک‌ها در شرایط فعلی ۵۰۰ هزار میلیارد تومان معادل ۱۸۰ میلیارد دلار است اما بیایید ببینیم که سرمایه‌های این بانک‌ها کجاست؟ متأسفانه سرمایه بانک‌ها به صورت یک دارایی سیمی در بخش ساختمان متمرکز شده و یا در قالب وام‌هایی است که داده شده اما برگشت نمی‌خورد. یعنی ۸۰ درصد از سرمایه‌های بانک در این شرایط است. ۲۰ درصد می‌ماند که بانک باید ۱۰ درصد از آن را به عنوان ذخیره نگه دارد و ۱۰ درصد دیگر را می‌ماند اگر به دلار حساب کنیم، می‌شود ۱۸ میلیارد دلار. همین



بازهم به فکر توسعه و رشد کشور هستیم افتخار می‌کنیم که به تمام این چالش‌ها هزاران بار زمین می‌خورید اما مردانه می‌ایستید. مایه فخر و مباهات هستیم

حمید هاشم‌زاده، مدیرکل دفتر جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری استانداری آذربایجان شرقی

بسم الله الرحمن الرحيم، خوشبختانه ما در جمعی هستیم که در آن صنعتگران و تولیدکننده‌های موفق آذربایجان حضور دارند و این افتخاری است برای ما. از این فرصت استفاده می‌کنم و خدمتتان عرض می‌کنم همین ساعتی که ما در خدمت

شما هستیم جناب آقای استاندار مشغول بازدید از شهرک صنعتی شهید رجایی هستیم تا با مشکلات همکاران شما و صنعتگران در حوزه تولید از نزدیک آشنا شوند و سعی می‌شود که بخشی از این مشکلات حل شود. بعد از صحبت‌هایی که شد خصوصاً صحبت‌های آقای دکتر مومنی، زیاد جای صحبت نیست. بنده هم زیاد قصد صحبت ندارم منتها از منظر دولت شاید لازم باشد چند نکته ای را خدمت شما عرض کنم. همان‌طور که اشاره شد این که دولت در واقع نمی‌تواند متولی اقتصاد باشد اصل پذیرفته‌ای است به این معنی که دولت نمی‌تواند خود وارد فاز اجرا شود و بخواهد اقتصاد را کنترل کند، لاجرم چرخ‌های اقتصاد به دست صنعتگران، به دست بخش خصوصی و به دست شما تولیدکنندگان محترم خواهد چرخید. خوشبختانه سیاست دولت تدبیر و امید هم از همان ابتدا و از بدو حضور جناب آقای دکتر روحانی همین بوده است، اما باید قبول کنیم که لازمه تحقق هر طرحی شیب ملایمی است که به ساختار قبلی و ساختار موجود لطمات جبران ناپذیر وارد نکند. دوستان با خبرند که ما بلاخره با تمام مشکلاتی که در حوزه اقتصاد کشور رو به رو هستیم، پا عقب نمی‌گذاریم و سعی می‌کنیم که به نوبه خود و با توجه به وظیفه‌ای که داریم، قدمی در راستای حل این مشکلات موجود برداریم. در مرحله‌ای که در آن قرار داریم بخش اعظم تولید ما دچار مشکل است و دولت تدبیر و امید در راستای تزریق سرمایه قابل برگشت به عزیزی که در حوزه تولید دچار مشکل هستند، سیاست‌گذاری کرده است و در راستای اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری در استان ما هم این طرح به طور شبانه روزی در حال پیگیری است و ما منتظر رخدادهای خوبی در آینده نزدیک هستیم. اما نمیتوان نقش دولت را در اقتصاد به طور کلی کنار گذاشت، چون بلاخره دولت سیاست‌گذار و ریل‌گذار اقتصاد است. هدفی که این دولت بیشتر در پی آن است، جذب سرمایه‌گذاری است. بانک‌ها سرمایه‌های اندکی در اختیار دارند و سرمایه‌های دولت به هیچ وجه کفاف جریان اقتصادی را در کشور نخواهد کرد. ما لاجرم باید به جذب سرمایه‌گذاری هستیم و برای این جذب سرمایه‌گذاری، اولین چیزی که به نظر می‌رسد بهبود فضای کسب‌وکار در کشورمان است که این امر در دولت دنبال می‌شود و نتایج آن در آینده نزدیک مشاهده خواهد شد. فراموش نکنیم که دولت در ابتدای کار با دو مشکل تورم و رکود روبه‌رو بود. خوشبختانه تورم مهار شده و یک رقمی شده است ولی اقتصاددان‌ها بهتر می‌دانند، اگر بخواهیم تورم را

کنترل کنیم دولت باید سیاست‌های انقباضی در پیش بگیرد و این دقیقاً نقطه مقابل سیاست‌های انبساطی است که برای حل رکود ارائه می‌گردد. البته دولت برای خروج از بحران رکودی که وجود دارد هم، برنامه‌هایی دارد که ان‌شالله در آینده نزدیک و با اجرای این برنامه‌ها شاهد تحولات عظیمی در این زمینه خواهیم بود.

فهیمة دخانچی، مدیرعامل شرکت پارس آلپین مهر

بسم الله الرحمن الرحيم. من فهیمة دخانچی هستیم. عضو هیات مدیره و مدیر شرکت پارس آلپین مهر. آقای دکتر پزشکیان در مورد از دست دادن بازار عراق صحبت کردند و آقای دکتر مومنی به از دست دادن بازار مدرن اشاره کردند. با افکار سنتی که جامعه ما دارد به نظر من تولید مدرن شاید یک آرزوی دست‌نیافتنی باشد. ما به عنوان تولیدکننده ماده پاستوریزه تخم مرغ، به مدت سه چهارسال به دلیل آنفولانزای پرندگان از ترکیه تخم مرغ وارد می‌کردیم. تخم مرغ‌هایی که از ترکیه وارد می‌شود با بسته بندی‌های تروتمیز و خیلی مرتب به دست ما می‌رسید. بعد بحث آنفولانزا تمام شد و این روند قطع شد. یک سال قبل که داعش مرز عراق را بست و یک مقدار از باری که قرار بود از ترکیه به عراق برود برگشت خورد و به ایران آمد بازهم همان کیفیت وجود داشت. با شکستگی صفر، مرتب و بسته بندی خوب. دوباره تعاملاتشان خوب شد و بازار باز شد و این بار یک قسمت از باری که عراقی‌ها نمی‌خواستند و مال ایرانی‌ها بود برگشت داده شد. بارهایی که ایرانی‌ها به بازار ترکیه داده بودند، فوق‌العاده کثیف و با بسته‌بندی نامناسب بودند و این وضع لایق ما نبود. بحثی که خانم آقاپور در رابطه با افکار ما در حوزه تولید کردند واقعاً در رابطه با ما ایرانی‌ها صادق است ما فقط به یافتن مشتری فکر می‌کنیم اما به این که مشتری را چه طور نگه داریم و این که اصلاً معنی رضایت چیست، دقت نمی‌کنیم. الان بحث مشتری مداری خیلی جدی شده است این که بایستی بروی و حال مشتری را بپرسی و جویای حالش نیز باشی. ما به هر بهایی دنبال سودآوری هستیم اما تحقق مشتری مداری با همایش‌ها و گردهمایی‌ها ممکن نیست. یک زمانی هیچ‌کس از شیر پاستوریزه تترپاک استفاده نمی‌کرد، چون می‌گفتند افزودنی دارد و از پروتئین‌هایش کم می‌شود؛ اما با صحبت‌ها و فرهنگسازی‌هایی که شد الان این مساله جا افتاده است. بحث مشتری مداری را باید آنقدر جدی بگیریم و آنقدر صحبت کنیم که صرف یافتن مشتری پایان کار نباشد. وقتی کار تمام می‌شود که، مشتری دوباره دوباره درخواست خرید کند و این درخواست‌ها ادامه داشته باشد.



حسام قندهاری، مدیر اجرایی سازمان مدیریت صنعتی نمایندگان استان زنجان

به نام ایزد یکتا، من به دلیل اینکه بیست سال است که در صنعت مشغول هستم با دوستان بسیاری در این عرصه ارتباط دارم خود سه شرکت در مشهد دارم که هر سه آن تعطیل است. یک نکته‌ای خدمتتان عرض می‌کنم. ما در ایران چیزی به نام فرهنگ کار نداریم، فرهنگ کار گروهی در ایران وجود ندارد. یک کلیپ بسیار جالبی دیدم در ارتباط با آموزش در ایران و آموزش در ژاپن که شاید بسیاری از دوستان آن را دیده باشند. ما در کودکی بازی داشتیم به نام صندلی بازی. که یک آهنگ و یا آوازی بود بچه‌ها دور این صندلی می‌چرخیدند و هر کسی نمی‌توانست در هنگام توقف آهنگ در صندلی بنشیند بازنده بود. همان جا به ما یاد می‌دهند چگونه از دیگران سبقت بگیریم چگونه دیگران را هول بدهیم تا بتوانیم به آن موفقیت برسیم در ژاپن همین را یاد می‌دهد اما برعکسش را، می‌گوید اگر کسی از بچه‌ها روی آن صندلی نشست شما سوختید یعنی یاد بگیرید که همه روی هم قرار بگیرید ولی باهم نه تنها. ولی در ایران این طور نیست. ما حاضر هستیم با هر روشی از رقابمان رد بشویم تا به سود برسیم که البته این اشتباه است. واحدی وجود دارد به نام تحقیق و توسعه که سال‌ها روی آن کار شده، سازمان صنایع خیلی دنبال این قضیه بوده استاندارد دنبالش بوده است، همه شما آن را می‌شناسید و می‌دانید چیست. ولی متأسفانه ۷۰ درصد شرکت‌هایی که در ایران داریم R&D برایشان فقط یک گواهینامه است و یک پتانسیل که به شرکت‌ها بگویند چنین واحدی را دارید. هیچ کدام از شرکت‌ها از این واحد استفاده نمی‌کنند. واحد R&D در شرایط کنونی بازار ایران می‌تواند به تمام واحدهای تولید کمک کند. می‌تواند یک واحد مستقل باشد و آنالیزکننده بازار، همچنین محصولات تولید شده را کنترل می‌کند و روش‌های جدید را به شما یاد می‌دهد، تکنولوژی‌های جدید را برای شما پیدا می‌کند و در انتها وضعیت فروش و بازار را رصد می‌کند. لطفاً به این واحد اهمیت بدهید و آن را ایجاد کنید. فرهنگ کار گروهی را در سیستم خود پیاده‌سازی کنید. مطمئن باشید که در یک سال آینده از بحران رد می‌شوید. در غیر این صورت باید بدانید تا صد سال وضعیت ایران همین است و هیچگاه هم درست نخواهد شد.

محمد اکرامی، مدیرعامل شرکت صنایع قوطی تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض ادب دارم خدمت حضار گرامی و تشکر می‌کنم از بانیان این مراسم، اتاق بازرگانی و سازمان مدیریت صنعتی که کارآفرینان و صنعتگران را امروز اینجا جمع کردند. با توجه

به تاریخ کشورمان و پیشینه‌ای که دارد و برندهایی که در گذشته ایجاد کردیم، مثل فرش، خشکبار و همین بازار تبریز که در شهرمان هست و قدمت تاریخی دارد و در دنیا نیز مطرح است و با توجه به اینکه کشورمان یک کشور هشتاد میلیون نفری است و پتانسیل بسیار قوی از نظر اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی دارد و جزو کشورهای تعیین‌کننده در منطقه است. در فرمایشات اساتید بخش اعظمی از مشکلات طرح شد، و شاید یک بخشی هم باید در انجمن‌ها و کمیسیون‌های کارشناسی مورد بررسی قرار بگیرد. ما باید قطعاً به این نکته توجه کنیم که تولید در کلیه بخش‌ها چه مهندسی، چه خدماتی، چه بخش‌های دیگر، امنیتی را در جامعه ایجاد می‌کند که همه از این امنیت برخوردار می‌شوند. زمانی که برای ایجاد این امنیت بسترسازی بشود، در تمام بخش‌ها از جمله مقررات، قوانین، روابط و ضوابطی که در این حوزه می‌تواند تاثیرگذار باشد. موضوع و نکته اساسی که دوست دارم حتماً مطرح کنم در ارتباط با به روزرسانی قوانین و مقررات و حذف تکلیف‌هاست که منجر به حذف رانته‌ها می‌شود و ما می‌توانیم راه خود را پیدا کنیم. کارآفرینان وقتی در مجموعه خود هدف گذاری انجام می‌دهند، برنامه‌ریزی می‌کنند آن را به مرحله اجرا درمی‌آورند و به مرحله اجرا رسیده‌اند. قطعاً توانسته‌اند این راه را، یا حداقل بخش اعظم این راه را ببیمایند. البته بسترسازی مناسب لازمه ادامه این راه است. باید قوانین به روزرسانی بشود و امنیت کافی ایجاد شود و ما بتوانیم قدرت خود را با جمعیت هشتاد میلیونی در منطقه و در سطح بین الملل ارائه بدهیم و ادامه راه تاریخ و برندهایی باشیم که در گذشته داشتیم.

محسن صدقی نسب، مدیرعامل شرکت اطلس پود

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام علیکم. فکر می‌کنم برای من سخت‌تر از همه شد چون بعد از صحبت‌های همه اساتید نوبت به من رسید پس از برجام دنیا در حال پذیرش ماست. یعنی دوره قاچاق، پول شویی و فرار از مالیات در حال تمام شدن است. بایستی به این تن دهیم. در نتیجه باید اقتصادمان را سالم و قوی کنیم. همه جای دنیا را نگاه کنیم در کشورهای پیشرفته، اقتصاد، سیاست را تعریف می‌کند. اینجا برعکس است و تا جابه‌جایی این‌ها انجام نگیرد، دچار مشکل خواهیم بود. انشالله روزی برسد که جای این‌ها عوض شود و ببینیم که اقتصاد واقعی ما، اقتصادی باشد که در دنیا مقبول است و ما هم به سوی آن برویم و بتوانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم. در این راستا باید کل ساختار اقتصادی ما عوض شود. محور اقتصادی ما واردات، مصرف است. این را باید عوض کنیم. محور اقتصادی ما باید تولید و صادرات باشد. برای دانش آموزان کلاس‌های اول ابتدایی ما، نباید آب، بایا، توپ تدریس کنند. باید بگویند الف مثل اقتصاد. بچه باید این را یاد بگیرد. ت مثل تولید و ص مثل صادرات. دیگر زمانه دستخوش تغییر شده است. اقتصاد باید حرف اول را بزند. همانطور که آمریکا به واسطه اقتصاد خود در دنیا حکمرانی می‌کند. ما هم نفراتی داریم، نخبگانی داریم که نشان داده‌اند که ما ایرانی‌ها هم می‌توانیم. باید قبول کنیم که اشتباهات سیستم اقتصادی در طی دهه اخیر ما را دچار این مشکل کرده است نه کارآفرینان. امیدواریم که انشالله با درایت دولت تدبیر و امید و مسئولین نظام بتوانیم یک اقتصاد سالم داشته باشیم و درکنار کشورهای صنعتی پیش برویم.

گزارش تصویری همایش چهارمین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه شمال غرب







سرشماری و برنامه ریزی



تاریخچه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران و جهان

برگرفته از درگاه ملی آمار
نویسندگان: طه نوراللهی، عدنانائینی

۲۰ ساله به بالا ۶۰۳۵۰۰ نفر بوده‌اند. در یونان و امپراطوری رم باستان نیز در فاصله سال‌های ۴۳۵-۱۰۰۰ بعد از میلاد سرشماری‌های جمعیتی متعددی انجام و اطلاعات مربوط به خصوصیات اجتماعی و اقتصادی مردم به طور منظم هر پنج سال یک بار از طریق سرشماری نفوس جمع‌آوری می‌شده است. در بعضی از کشورها، مدارکی از قرون وسطی باقی مانده است که ویژگی‌های طبقات مختلف جامعه را که معمولاً شامل طبقه اشراف و پیشوایان مذهبی است به دست می‌دهد اما براساس مدارک مزبور، شمارش عمومی جمعیت در این کشورها به ندرت انجام گرفته است. در اوایل قرن هیجدهم میلادی، در اروپا سرشماری‌هایی صورت گرفته است اما به صورت علمی و امروزی نبوده و در مقیاس محدود انجام شده است، اولین سرشماری جمعیت به روش نوین در جهان در سال ۱۷۴۹ در کشور سوئد صورت گرفته و پس از آن دیگر کشورها نسبت به شمارش افراد جامعه خود اقدام نموده‌اند. امروزه لفظ سرشماری نفوس و مسکن معنای دقیق‌تری پیدا کرده است و «به مجموعه فعالیت‌ها و خدماتی اطلاق می‌شود که شامل طراحی، برنامه‌ریزی، گردآوری، کدگذاری و طبقه‌بندی، ارزشیابی و اصلاح و تجزیه و تحلیل و نهایتاً چاپ و انتشار اطلاعات آماری از جمعیت و مسکن می‌باشد». اینگونه سرشماری‌ها مطابق توصیه‌های سازمان ملل متحد در اکثر کشورهای جهان با فاصله‌های مساوی ۱۰ سال یک بار (و در بعضی از کشورها ۵ سال یک بار) از ابتدای قرن ۲۰ رایج شده است.

تاریخچه سرشماری نفوس در ایران

در امپراطوری ایران باستان نیز سرشماری‌های عمومی جمعیت برای دریافت مالیات سرانه و تعیین شماره مردان قادر به جنگ انجام می‌شده است. هروودوت، مورخ یونانی (۴۸۴-۴۲۵ قبل از میلاد) در تاریخ خود پیرامون دوره تاریخی هخامنشی‌ها می‌نویسد: وقتی خشایار شاه از تنگه داردانل می‌گذشت، محلی مخصوص را برای سرشماری افراد قشون خود مناسب دید مقرر داشت تا ده‌هزار سپاهی شمارش شده در آن محل گردآیند، به نحوی که حتی المقذور به یکدیگر نزدیک باشند، سپس دستور داد دور این عده را خط بکشند. بعد از خروج آنان از داخل خط دیواری که بلندی آن تا کمر یک سپاهی برسد بر روی آن بنا کنند. چون حصار آماده شد، سپاهان گروه، گروه در آن داخل و خارج شدند تا مقدار آن‌ها معلوم گردد. هروودوت نتیجه این سرشماری را یک میلیون و هفتصد هزار نفر ذکر میکند. شاه آمار در حقیقت نوعی آمارگیری به دستور شاهان هخامنشی برای تعیین مالیات سرانه بود، در زمان داریوش دفاتر مالیات و نظامی برای اولین بار تدوین شد. در زمان وی ایران به ۲۰ ایالت حاکم‌نشین تقسیم شد و در راس هر یک از آن‌ها یک شهربان قرار داشت. برای تعیین خراج نقدی و جنسی هر ایالت، از زمین‌های زراعی بر حسب مساحت، وضع آبیاری، جنس زمین و تعداد و مساحت باغات و اغنام و احشام آمارگیری میشد و اطلاعات آنان در دفاتری به نام قانون ثبت و به این ترتیب میزان مالیات هر ایالت تعیین میشد. داریوش همچنین برای تعیین تعداد سربازان اعزامی به جنگ و تعداد تلفات به روش مبتکرانه‌ای عمل میکرد. به این طریق که هنگام عزیمت آنان دستور میداد هر سرباز هنگام عبور از کنار گودالی تمیز سنگریزه‌ای در آن بیندازد، در پایان کار سنگ‌ها را شمارش می‌کردند و تعداد سربازان معلوم میشد، سپس برگردان سرپوش می‌نهادند و پس از مراجعت از جنگ هر سرباز دستور داشت، سنگریزه‌ای از گودال بردارد، باقیمانده سنگریزه‌ها، تعداد سربازان

سرشماری عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها و ویژگی‌های جمعیت آن‌هاست. تعداد جمعیت از دیرباز مورد توجه انسان بوده است و در ادوار گوناگون به روش‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفته است. سابقه سرشماری جمعیت در جهان به ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد و ابتدا در سطحی بسیار محدود نیازهای اطلاعاتی بشر را تأمین می‌کرده است. مطالعه اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد، کشورهای مصر، چین و بابل به ترتیب، حدود سال‌های ۲۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۳۸۰۰ قبل از میلاد به سرشماری نفوس اقدام نموده‌اند در این سرشماری‌ها عموماً اطلاعاتی نظیر جنس، سن، شغل و مالکیت افراد جمع‌آوری شده است. سرشماری قوم یهود هنگام مهاجرت از مصر، سرشماری‌های متعدد یونان و امپراطوری رم باستان و سرشماری‌هایی که در برخی از کشورها در قرون وسطی انجام شده و ویژگی‌های طبقات مختلف شامل طبقه اشراف و پیشوایان مذهبی را به دست می‌داده است و از سابقه سرشماری‌ها قابل ذکرند. اولین سرشماری جهان، به روش نوین در سال ۱۷۹۴ در کشور سوئد انجام شده است و بعد از آن کشورهای دیگر نیز به شمارش افراد جامعه خود به روش مذکور پرداختند. امروزه لفظ سرشماری نفوس و مسکن معنای دقیق‌تری پیدا کرده است و «به مجموعه فعالیت‌ها و خدماتی اطلاق می‌شود که شامل طراحی، برنامه‌ریزی، گردآوری، کدگذاری، طبقه‌بندی، ارزشیابی، اصلاح و تجزیه و تحلیل و نهایتاً چاپ و انتشار اطلاعات آماری از جمعیت و مسکن می‌باشد» و مطابق توصیه‌های سازمان ملل متحد در اکثر کشورهای جهان در فاصله زمانی معمولاً ۱۰ سال یکبار از قرن ۲۰ به بعد رایج شده است. در راستای تغییر اهداف سرشماری‌های نفوس و مسکن مراحل مختلف آن از برنامه‌ریزی و طراحی گرفته تا اطلاع‌رسانی و انتشار نتایج نیز متحول شده است. در امپراطوری ایران باستان سرشماری‌های عمومی جمعیت برای دریافت مالیات سرانه و تعیین مردان قادر به جنگ انجام می‌شده است. از آن تاریخ تاکنون در دوره‌های مختلف سرشماری‌های جمعیت با اهداف گوناگون انجام شده است که از سابقه آن‌ها، داستان‌های جالبی در اسناد تاریخی بر جای مانده است. این روایت‌ها، برای فنی‌ترین گروه‌های علمی نیز جالب توجه خواهد بود. اولین سرشماری به روش نوین در ایران در سال ۱۳۳۵ انجام شده است.

تاریخچه سرشماری نفوس در جهان

سابقه سرشماری نفوس در جهان به سال‌ها قبل از میلاد برمی‌گردد. اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که در حدود سال‌های ۳۸۰۰، ۳۰۰۰ و ۲۵۰۰ قبل از میلاد به ترتیب در کشورهای بابل، چین و مصر سرشماری‌های جمعیت انجام شده است. در این سرشماری‌ها عموماً اطلاعاتی نظیر جنس، سن، شغل و مالکیت افراد جمع‌آوری می‌شده است. علاوه بر آن، کشور چین در قرون اول و دوم میلادی در قسمتی از خاک خود اقدام به سرشماری نموده است. قدیمی‌ترین سند تاریخی که در آن به سرشماری نفوس اشاره شده است کتاب مقدس تورات است در فصل مهاجرت آمده است که حضرت موسی برای مهاجرت قوم بنی اسرائیل از مصر، کلیه افراد قوم یهود را سرشماری کرد. این سرشماری در سال ۱۴۹۱ قبل از میلاد انجام گرفته است. جالب است به این نکته اشاره شود که در قدیمی‌ترین کتاب تورات موجود، سفر یا فصل اعداد، شماره اقوام بنی اسرائیل و نفوس هر قوم را آرایه می‌دهد. در همین فصل اشاره شده است که تعداد کسانی که قادر به جنگ بودند، یعنی مردان



کشته شده را مشخص می‌کرد. زرتشتیان نوشته‌اند که در دوره انوشیروان، فقط مردان ۲۰ تا ۵۰ ساله بایستی مالیات می‌دادند. به این منظور روش خاصی برای تعیین مالیات‌دهندگان و تفکیک پیران و نوجوانان از یکدیگر ابداع گردید و ماموران سرشماری برای نخستین بار به جای "فرد" از مفهوم "خانوار" استفاده کردند. برای مثال تعیین می‌کردند که در یک خانوار ۱۲ نفری فقط باید ۲ نفر که سن آن‌ها بین ۲۰ تا ۵۰ سال است مالیات بپردازند براساس شواهد تاریخی، عثمان بن حنیف از طرف خلیفه دوم برای کسب اطلاعات ممیزی اراضی به سرزمین ایران وارد شد و پس از مطالعات و بررسی‌های لازم گزارشی تهیه و به وی تسلیم نمود. در این گزارش تصریح شده بود که در زمان ساسانیان از اراضی و محصولات زراعی و اشجار و نفوس ممیزی جامع و کامل به عمل آمده است و پیشنهاد نمود که مالیات اراضی ایران بر این اساس وصول شود. خلیفه دوم پس از دریافت این گزارش دستور داد از روش مزبور در سایر بلاد اسلامی نیز استفاده شود. به این جهت در عهد خلفا از وجود ایرانیان برای تشکیل سازمان‌های وسیع مالی و محاسباتی و ممیزی استفاده شد و به تاسی از عهد ساسانیان نام سازمان مزبور را «دیوان سلطنت» نامیدند و ایرانیان گردانندگان آن بودند. در ایران بعد از اسلام و در دوران خلفای عباسی مسئله اخذ جزیه ایجاد میکرد که سرشماری در ممالک تحت نفوذ انجام شود. اعراب معمولاً بعد از هر سرشماری، میزان مالیات را تعیین می‌نمودند مورخین ایرانی و عرب به دفعات از شهرهای بزرگ و پرجمعیت نام برده‌اند، از آن جمله شهر نیشابور را قبل از حمله مغول و شهر اصفهان را در عهد صفوی با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر ذکر کرده‌اند. در تاریخ عباسی آمده است که شیخ بهاء‌الدین عاملی بدستور شاه عباس به منظور حفر نهرهای زاینده‌رود و سیستم آبرسانی دستور داشت تعداد سکنه اصفهان و حومه را بداند وی با استفاده از تعداد نان مصرفی هر فرد که در آن زمان دو گرده در روز بود و شمارش تعداد نان پخت شده توسط نانوایی‌های خانگی و معابر به وسیله گماشتگان خویش، توانست شمار نفوس اصفهان را به دست آورد. در مدارک مربوط به زمان قاجاریه بیشتر به جمع‌آوری اطلاعات جمعیتی اشاره شده است و از ممیزی کشاورزی کمتر سخن به میان آمده است، شاید بتوان دلیل آن را ضعف بخش کشاورزی در پرداخت مخارج دربار و دولت‌ها، روی آوردن دولت‌ها به منابع مالی جدید از قبیل درآمدهای گمرکی استقراض و واگذاری امتیازات مختلف به خارجی‌ان دانست. اولین سرشماری جمعیتی ایران به روش نوین در سال ۱۲۴۶ شمسی البته در سطحی محدود، در زمان ناصرالدین شاه و همزمان با وزارت اعتضاد السلطنه بر وزارت علوم و معارف، توسط مهندس عبدالقادر، معلم ریاضی مدرسه دارالفنون به عمل آمد. در این سرشماری تهران به پنج محله ارگ، عودلجان، چالمیدان، سنگلج و بازار تقسیم‌بندی شده و همه محله‌های خارج از شهر نیز در یک طبقه قرار داده شده بود. در آن زمان جمعیت تهران ۱۵۵۷۳۶ نفر برآورد شده بود. به علاوه در سال ۱۲۷۷ شمسی در چهارمین سال سلطنت مظفرالدین شاه

از ابنیه تهران آمارگیری به عمل آمد. با ایجاد تشکیلات جدید بلدیة در سال ۱۳۰۱ شمسی سرشماری دیگری در تهران صورت گرفت که براساس آن سرشماری، جمعیت تهران در سال ۱۳۰۱ بالغ بر ۲۱۰۰۰۰ نفر بود، تا این تاریخ سازمان خاصی که مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات جمعیتی و تمرکز بخشیدن به آن‌ها را بر عهده داشته باشد، در کشور وجود نداشت و همه تلاش‌های به عمل آمده، جنبه‌ی موضعی و موردی داشت. در سال ۱۲۹۷، به منظور ثبت وقایع چهارگانه، اداره ثبت احوال کشور تاسیس شد. با ثبت اطلاعات مربوط به تولد، فوت، ازدواج و طلاق توسط اداره مذکور، ضرورت اطلاع از جمعیت کشور و تعیین سازمانی که موظف به جمع‌آوری این اطلاعات باشد مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۳۰۳ با تصویب آیین‌نامه‌ای، مسئولیت جمع‌آوری و مرکزیت بخشیدن به آمارهای مورد نیاز بر عهده وزارت کشور گذاشته شد

بررسی و تحلیل نظام آماری کشور و تحولات آن از ابتدا سال ۱۳۰۳ تا کنون:

همانطور که قبلاً گفته شد در سال ۱۳۰۳ با تصویب آیین‌نامه‌ای مسئولیت مرکزیت بخشیدن به آمارهای کشور به وزارت داخله یا کشور واگذار شد. تصویب‌نامه مذکور با انجام تغییراتی، در سال ۱۳۰۷ از تصویب مجلس شورای ملی وقت گذشت و جنبه قانونی یافت و از آن زمان، اداره ثبت احوال کشور به «اداره کل آمار و ثبت احوال» تغییر نام داد. براساس تصویب‌نامه مذکور که در شش ماده تنظیم شده بود، مسئولیت مرکزیت آمار به وزارت کشور واگذار شد و عموم وزارتخانه‌ها مکلف بودند موافق دستوری که وزارت داخله تهیه می‌کند در قسمت‌های مربوط به خود اطلاعات لازم را مرتباً و کاملاً به وزارت داخله ارسال نمایند و برای ایجاد تسهیل در ارتباط بین وزارت کشور با سایر وزارتخانه‌ها هیئتی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌ها تشکیل شد، مرکز آن وزارت داخله بود و ترتیب جلسات و جریان کار آن را وزارتخانه مزبور تعیین میکرد. شایان ذکر است که در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۱۲ نظام نامه شورای عالی احصائیه تنظیم و بر حسب ماده اول آن نظام‌نامه، نمایندگان همه وزارتخانه‌ها در شورای مزبور عضویت داشتند و مسئولیت هماهنگی در تولید آمار بر عهده شورای مزبور بود. شورای عالی احصائیه در سال ۱۳۱۴ به شورای عالی آمار تغییر نام داد. در خردادماه سال ۱۳۱۸، اولین قانون سرشماری تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. در اجرای این قانون، سرشماری جمعیت از دهم اسفند ماه همان سال در شهر تهران و در سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ در ۳۲ شهر کشور به تدریج به اجرا درآمد اما به علت وقایع شهریور ۱۳۲۰ معوق ماند. در اسفندماه سال ۱۳۳۱، «سازمان همکاری آمار عمومی» تشکیل شد، در این سال اداره آمار و سرشماری از اداره کل آمار و ثبت احوال منتزع و به سازمان همکاری آمار عمومی ملحق شد. به این ترتیب برای اولین بار سازمانی که به طور خاص وظیفه جمع‌آوری آمار را بر عهده داشت، به وجود آمد. این سازمان در اجرای قانون آمار و سرشماری مصوب سال ۱۳۳۴ به وزارت کشور وابسته گردید و نام آن به «اداره کل آمار عمومی» تغییر یافت، با تشکیل «اداره کل آمار عمومی» اولین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ توسط این اداره به مرحله اجرا درآمد. با تاسیس اداره کل آمار عمومی و اجرای سرشماری عمومی نفوس در سال ۱۳۳۵، فعالیت‌های آماری کشور وارد مرحله جدیدی شد و همه ساله طرح‌های گوناگون آماری در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی به مرحله اجرا درآمد. نیاز روزافزون دستگاه‌های برنامه‌ریزی کشور به آمار و اطلاعات و ضرورت همکاری بسیار نزدیک سازمان اصلی تولیدکننده آمار با دستگاه برنامه‌ریزی، موجب شد تا در سال ۱۳۴۴ بر اساس قانون، اداره کل آمار عمومی از وزارت کشور منتزع و با نام «مرکز آمار ایران» به سازمان برنامه و بودجه وقت وابسته شود. در قانون تاسیس مرکز آمار ایران به مواردی از قبیل نظارت مرکز آمار ایران بر تهیه، اجرا و استخراج داده‌های حاصل از آمارگیری‌های سایر دستگاه‌های اجرایی و ایجاد پایگاه اطلاعات ملی توجه شده بود. هر چند که رعایت موارد فوق در پاره‌ای از موارد با کمبودهایی روبرو بوده است، لیکن تاسیس مرکز آمار



بود. تعداد کل خانه‌های سرشماری شده در تهران آن روزگار ۲۱۴۵۰ باب بوده است که از بین محلات تهران بازار با ۱۸ درصد بیشترین جمعیت را دارا بوده است و پس از آن به ترتیب عودلاجان با ۱۷ درصد، سنگلج با ۱۶ درصد، دولت‌آباد ۱۲ درصد، محمدیه و قنات آباد هریک با ۱۱ درصد، قاجاریه با ۷ درصد، حسن آباد با ۵ درصد و ناحیه ده با ۲ درصد و ارگ با ۱ درصد دارای بیشترین جمعیت بوده‌اند. براساس این سرشماری کل جمعیت تهران ۲۱۰۰۰۰ نفر بوده است که با توجه به وسعت تهران در آن هنگام در هر ده هزار مترمربع شهر هشتاد نفر زندگی می‌کرده‌اند. در این سرشماری علاوه بر اطلاعات نفوس اطلاعات گسترده‌ای نیز در زمینه نیروی انسانی جمع‌آوری شد.

سرشماری نفوس ۱۳۱۸ کشور

در خرداد ماه سال ۱۳۱۸، اولین قانون سرشماری به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید در اجرای این قانون، سرشماری جمعیت از دهم اسفندماه همان سال در شهر تهران و در سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ در ۳۲ شهر کشور به تدریج اجرا گردید ولی ادامه آن به علت وقایع شهریور ۱۳۲۰ موقوف ماند. مصوبه سرشماری مزبور که در آن نحوه سرشماری مشخص شد.

بررسی و تحلیل تولید آمارهای نفوس در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵

سرشماری نفوس ۱۳۳۵ اولین سرشماری عمومی نفوس کشور محسوب می‌شود که در آن تمامی افراد کشور شمارش شدند. سال ۱۳۳۵ را بایستی سال شروع سرشماری‌های نفوس نظام‌مند و علمی در کشور دانست. اطلاعات حاصل از سرشماری‌های نفوس پنج دهه اخیر ابزار مناسبی را برای برنامه‌ریزی، مطالعات جمعیتی، بررسی تحولات جمعیتی، بررسی تحصیلات و نیروی انسانی، مسکن، محاسبه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و تهیه چارچوب‌های آماری در اختیار گذارده است.

سرشماری عمومی نفوس سال ۱۳۳۵

همانطور که قبلاً نیز گفته شد با تصویب قانون آمار و سرشماری در پانزدهم اسفند سال ۱۳۳۴ توسط مجلس شورای ملی وقت، مقرر گردید که در سال ۱۳۳۵ «اداره کل آمار عمومی» تاسیس و در همان سال، سرشماری عمومی نفوس اجرا شود. قانون مزبور مشتمل بر شانزده ماده و ۷ تبصره بود در مواد ۱ و ۸ خود به تشکیل «اداره کل آمار عمومی» و سرشماری نفوس سال ۱۳۳۵ تاکید داشت.

ویژگی‌های سرشماری عمومی نفوس ۱۳۳۵

در سرشماری نفوس سال ۱۳۳۵ جمعیت به دوزیر جامعه «شهرنشین و دهنشین» تفکیک شده بود. به طوری که جمعیت نقاطی که بیش از ۵۰۰۰ نفر نفوس داشتند، شهرنشین و نقاطی که کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشتند نیز دهنشین محسوب شدند، جامعه غیرساکن و کوچ‌چرو تحت عنوان عشایر با ذکر نام ایل، طایفه و چادرنشین در قسمت آدرس پرسشنامه خانوار جزو جمعیت دهنشین محسوب شدند. شایان ذکر است در این سرشماری از دو پرسشنامه به نام‌های پرسشنامه خانوار و پرسشنامه

ایران در سال ۱۳۴۴ و تصویب نظام آماری کشور در سال ۱۳۷۹ را باید دو نقطه عطف در تاریخ تولید آمار کشور محسوب نمود

بررسی تولید آمارهای جمعیتی در دوران قاجاریه

سرشماری‌های جمعیتی دوران قاجاریه عموماً در گستره تهران صورت گرفته است، به طوری که می‌توان با استفاده از آمار و اطلاعات سرشماری‌های فوق چگونگی رشد تهران را در دوره قاجاریه دریافت **اولین سرشماری نفوس در عهد قاجاریه (سال ۱۲۴۶ هجری قمری)**

اولین سرشماری شهر تهران در سال ۱۲۴۶ هجری شمسی یعنی بیست سال بعد از به سلطنت رسیدن ناصرالدین‌شاه صورت گرفت، در آن زمان مساحت تهران تقریباً ۵ کیلومتر مربع بود و این شهر به پنج محله ارگ، عودلاجان، چالمیدان، سنگلج و بازار تقسیم شده بود، همه محلات خارج از شهر نیز به عنوان یک محله در نظر گرفته شده بود. در سرشماری مزبور از تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی‌های مرسوم امروزه استفاده نشده بود بنابراین نمیتوان با اطلاعات به دست آمده از آن شاخص‌های جمعیتی مورد نظر را محاسبه و با اطلاعات حاصل از دیگر سرشماری‌ها مقایسه کرد. براساس سرشماری مزبور در سال ۱۲۴۶ جمعیت تهران ۱۵۵۷۳۶ نفر بوده است که از این تعداد ۸۴۸۰ نفر لشکری بودند. در جات و طبقات لشکری که در نتایج سرشماری فوق، ذکر شده است عبارت بودند از: سرباز، غلام، غلام حاضر در رکاب مبارک، توپچی، سواره نظام، زقانچی و بالاخره غلام مخصوص

دومین سرشماری جمعیت شهر تهران

دومین سرشماری جمعیت تهران در سال ۱۳۰۱ هجری قمری یا ۱۲۶۲ هجری شمسی با مسئولیت میرزا شفیق مدیر لشکر انجام گرفت. در این احصائیه نیز تهران به پنج محله ارگ، سنگلج، عودلاجان، چالمیدان و بازار تقسیم شده بود. در این سرشماری کل جمعیت تهران ۱۰۶۴۸۲ نفر برآورد گردید که حدود ۶۲ درصد سرشماری جمعیت سال ۱۲۴۶ می‌باشد، به دلیل دقت کمتر این سرشماری توجه کمتری به آن شده است، فحطی، وبا و... علت این نقصان ذکر شده است

سرشماری ابنیه تهران در سال ۱۲۷۷ شمسی

در سال ۱۳۱۷ هجری قمری مصادف با سال ۱۲۷۷ شمسی در چهارمین سال سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار آمارگیری از ابنیه تهران صورت گرفت

بررسی تولید آمارهای نفوس از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۸

انتخاب سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۸ بدین دلیل صورت گرفته است که در این سال‌ها دوران قاجاریه به سر آمده بود و در نظام آماری کشور نیز سازمان مشخصی که مسئولیت انجام سرشماری‌ها را عهده‌دار باشد تاسیس نگردیده بود هر چند در این سال‌ها دو سرشماری نفوس یکی در ۱۳۰۱، در شهر تهران و دیگری در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ در ۳۲ شهر کشور صورت گرفت، اما از آنجا که در سال ۱۳۳۵ با تاسیس «اداره کل آمار عمومی» و سپس در سال ۱۳۴۴، با تاسیس «مرکز آمار ایران» سرشماری‌های نفوس بطور منظم در فاصله زمانی هر ده سال یکبار انجام پذیرفته است، لذا سرشماری‌های نفوس سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۸ بطور جدا و مستقل مورد بررسی قرار گرفته است

سرشماری نفوس سال ۱۳۰۱ تهران

پس از کودتای ۱۲۹۹ و ایجاد تشکیلات نظمی جدید و بلدی در سال ۱۳۰۱ شمسی سرشماری دیگری در تهران صورت گرفت. به منظور سهولت در کار سرشماری، پرسشنامه‌هایی جهت پرکردن مشخصات به منازل افراد فرستاده شد و بخشنامه‌ای نیز برای اجرای آن از طرف وزارت داخله به حکومت تهران ارسال گردید. در این سال نیز به واسطه بی‌اطلاعی اهالی از طرز عمل سرشماری و همچنین بیسوادی اکثریت آنها کار سرشماری به سهولت پیش نرفت ولی در هر صورت انجام شد. براساس این سرشماری تهران به نواحی ارگ، دولت، حسن آباد، سنگلج، قنات آباد، محمدیه، قاجاریه، بازار، عودلاجان و ناحیه‌ی ده تقسیم شده

ده، استفاده به عمل می‌آمد. در پرسشنامه خانوار اطلاعاتی از قبیل نام و نام خانوادگی، جنسیت، سن، وضع زناشویی، محل تولد، ملیت، مذهب، تحصیلات و شغل برای کلیه اعضای خانوار و اطلاعات مربوط به واحد مسکونی، زراعت، تعداد چهارپایان و صنایع خانگی برای رئیس خانوار ثبت می‌گردید. از طریق پرسشنامه ده نیز اطلاعات مربوط به تسهیلات اجتماعی از قبیل مدارس، حمام‌های عمومی، مساجد، درمانگاه‌ها و سایر خصوصیات کشاورزی و مالکیت اراضی جمع‌آوری می‌گردید.

سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۴۵

همان‌طور که قبلاً نیز بیان گردید در سال ۱۳۴۴ «اداره کل آمار عمومی» از وزارت کشور منتشر و با نام «مرکز آمار ایران» به سازمان برنامه و بودجه وقت وابسته گردید. در قانون تاسیس مرکز آمار ایران علاوه بر مرکزیت بخشیدن به فعالیت‌های آماری به مواردی از قبیل نظارت مرکز آمار ایران بر تهیه و استخراج داده‌های حاصل از آمارگیری‌های سایر دستگاه‌های اجرایی و ایجاد پایگاه اطلاعات ملی توجه شده بود. اولین فعالیت آماری ملی مرکز آمار ایران انجام سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ می‌باشد. در این سرشماری از طبقه‌بندی‌ها و تعاریف و مفاهیم توصیه‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی استفاده بیشتری به عمل آمد؛ به نحوی که اطلاعات حاصل از سرشماری مزبور قابلیت مقایسه بیشتری با آمارهای سایر کشورها را یافت. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ با روش «دوژور» انجام پذیرفت

سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵

با تصویب اصلاحیه قانون تاسیس مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۲ که مشتمل بر ۱۶ ماده و یک تبصره بود و در ماده ۱۶ آن ضمن لغو قانون تاسیس مرکز آمار ایران مصوب تیرماه ۱۳۴۴ و آن قسمت از قوانین و مقررات که با این قانون مغایرت داشت در ماده ۴ آن به انجام سرشماری‌ها اشاره شده بود. به موجب این ماده، سرشماری‌های عمومی به موجب فرمان انجام خواهد شد و ترتیب اجرای آن با هیئت وزیران است، اجرای سرشماری عمومی نفوس هر ده سال یکبار اجباری است و اولین سرشماری پس از تصویب این قانون در سال ۱۳۵۵ خواهد بود. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۵۵ با کمک بالغ بر سی هزار نفر از مسئولان و ماموران سرشماری با روش دوژور انجام پذیرفت. نخستین مجموعه از نتایج این سرشماری تحت عنوان نتایج زودرس که با کاربرد روش نمونه‌گیری ۵۰ درصد استخراج شده بود، طی ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ در ۲۵ جلد که ۲۳ جلد آن استانی و ۲ جلد آن مربوط به شهر تهران بود منتشر گردید. اما استخراج نتایج اصلی سرشماری به دلیل همزمانی با اعتصابات سراسری برای پیروزی انقلاب اسلامی بیش از حد معمول به طول انجامید. ویژگی‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ جمعیت کشور به چهار زیر جامعه شهری، روستایی، متحرک و عشایری تقسیم شده بود. توجه به مفهوم مکان و انتساب یک یا چند خانوار و یا فعالیت اقتصادی به یک مکان از ویژگی‌های عمده سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ می‌باشد. زیرا که از این طریق امکان تهیه چارچوب فعالیت‌های کارگاهی نیز فراهم گردید. در این سرشماری برای اولین بار اطلاعات مربوط به معلولیت از کلیه اعضای خانوارهای کشور جمع‌آوری شد. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ اطلاعات نسبتاً جامعی نیز از طریق پرسشنامه آبادی از همه آبادی‌ها و روستاهای کشور جمع‌آوری گردید و با توجه به جمع‌آوری اطلاعات مسکن امکان محاسبه شاخص‌های مربوط به مسکن در این سرشماری فراهم گردید. با سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ اطلاعات جامعی را از نفوس و خانوارهای کشور بر حسب سن، جنس، محل تولد، مهاجرت، سواد، تحصیلات، وضع فعالیت، اشتغال، معلولیت، صنایع خانگی خانوار، نوع، نحوه تصرف و مصالح به کار رفته در واحد مسکونی، چگونگی دسترسی خانوارها به آب لوله‌کشی جمع‌آوری گردید به علاوه چارچوب کاملی از فعالیت‌های کارگاهی نیز تهیه شد، همچنین از طریق پرسش‌نامه آدرس، اطلاعاتی از

قبیل نوع آبادی، نوع راه آبادی، وضع طبیعی آبادی تسهیلات موجود در آبادی نیز جمع‌آوری شد.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵

در سال ۱۳۶۵ چهارمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در کشور و اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به مرحله اجرا درآمد. برای انجام این سرشماری مرکز آمار ایران از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ تهیه مقدمات سرشماری عمومی نفوس و مسکن را آغاز نمود. اولین قدم در این زمینه، شناخت نیازهای اساسی دستگاه‌های مسئول کشور بود که بر آن اساس طرح مقدماتی سرشماری تهیه گردید و به طور آزمایشی در مناطق شهری روستایی سه شهرستان آستانه اشرفیه از استان گیلان، سراوان از استان سیستان و بلوچستان و شادگان از استان خوزستان و نیز چند حوزه نمونه در هر یک از استانهای دیگر به مرحله اجرا درآمد. عملیات اجرایی سرشماری به طور همزمان در تمام نقاط کشور از تاریخ ۱۶ تا ۳۰ مهر ۱۳۶۵ انجام شد. بعد از انجام سه سرشماری نفوس طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ و کسب تجربیات در این زمینه، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ از نظر طرح فنی و جداول انتشاراتی از سرشماری‌های قبلی کاملتر بوده و تقریباً در همه بخش‌ها با طبقه‌بندی‌ها و تعاریف و مفاهیم بین‌المللی هماهنگی دارد. در این سرشماری خانوارهای معمولی به دو دسته ساکن و غیرساکن طبقه‌بندی شده‌اند و مانند سرشماری‌های قبلی با طبقه‌بندی خانوارهای عشایر مواجه نیستیم هر چند که خانوارهای عشایری خود مصدق از خانوارهای غیرساکن هستند. از آنجا که اجرای سرشماری همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود در قسمت مربوط به مهاجرت، اطلاعات مربوط به مهاجرت در اثر جنگ برای اولین بار در سرشماری‌های نفوس کشور جمع‌آوری گردید.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

پنجمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور و دومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن نظام جمهوری اسلامی ایران در آبان‌ماه سال ۱۳۷۵ به مرحله اجرا درآمد. این سرشماری اگرچه از نظر طرح فنی و نوع سوالات و پیروی از تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی‌های بین‌المللی مشابهت زیادی با سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ دارد اما از دو نقطه نظر با سرشماری مزبور متفاوت بود: استفاده از فرم‌های فهرست‌برداری شرکت پست جمهوری ایران که قبلاً به منظور تهیه مقدمات انتصاب کد پستی و کد ملی تکمیل شده بودند و پرسشنامه خانوار به گونه‌ای طراحی شده بود که استخراج اطلاعات آن توسط دستگاه optical mark reader امکان‌پذیر گردید.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

ششمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور و سومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن نظام جمهوری اسلامی ایران در آبان‌ماه سال ۱۳۸۵ اجرا شد و آزمایش آن در ۲۷ آبان ۱۳۸۴ به مرحله اجرا درآمد. این سرشماری نیز از نظر طرح فنی، نوع سوالات، پیروی از تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی‌های بین‌المللی مشابهت زیادی با سرشماری‌های گذشته بخصوص سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ دارد اما مواردی هم وجود دارد که این سرشماری را از گذشته مستثنی می‌کند که عبارتند از تعیین پیشنهادها و مطالعاتی و انجام مطالعات، سازماندهی سرشماری، تعیین محورهای آزمایش و همچنین آزمایش سرشماری و سابقه آن در ایران.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، هفتمین دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران بود که در ۲۱ تیرماه سال ۱۳۹۰ ریاست جمهوری وقت، دستور آن را برای اجرا در سراسر کشور اعلام کرد. این طرح، که در گذشته هر ۱۰ سال یکبار انجام می‌شد، طبق مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۸۶، مقرر شد هر ۵ سال یک بار انجام شود. در سال ۱۳۹۰ هم این طرح در طول ۲۰ روز در سراسر کشور اجرا شد.

نگاهی به ارقام سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران

نوکل آقایی هیر
استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

های سرشماری نه تنها ملاحظات عمومی نهادهای حکومتی و حاکمیتی باید مورد توجه قرار گیرد، از آنجایی که اطلاعات سرشماری با هدف استفاده از داده ها و نتایج آن برای بهبود شرایط و تسهیل امر برنامه ریزی جمع آوری می شوند، فلذا توجه به نیازهای نهادهای غیردولتی و بخش خصوصی و نیز نهادهای علمی و تحقیقاتی در کنار نیازهای نهادهای رسمی، نیازمند توجه است. به عبارتی دیگر، حتی المقدور در تصمیم گیری در زمینه محتوای سرشماری ها، اگر بتوان نیازهای نهادهای غیردولتی و بخش خصوصی و نهادهای علمی و تحقیقاتی را نیز مورد توجه قرار داد، سرشماری به شرایط آرزمانی خود از این حیث نزدیک تر خواهد شد.

۱۲۸) در ۹ سرفصل طبقه بندی شده است که عبارتند از:
۱- اقلام مربوط به سکونت و مهاجرت داخلی
در این سرفصل پیشنهاد شده که اقلامی مانند: محل معمول اقامت فرد، محلی که فرد در زمان سرشماری حضور داشته است، محل تولد، طول دوره اقامت، محل اقامت قبلی، محل اقامت در زمان مشخصی در گذشته (یک سال قبل، ۵ سال قبل و...)، منطقه محل سکونت و نوع سکونت شهری و روستایی به عنوان اقلام سرشماری در این سرفصل تعریف و در نظر گرفته شوند.

مقایسه اقلام حاضر با اقلام مورد استفاده در سرشماری های نفوس و مسکن اخیر در کشور تفاوت آنچنانی بین اقلام پیشنهادی و اقلام موجود در سرشماری ایران نشان نمی دهد. به عنوان تنها استثنا در این فهرست، محل اقامت قبلی فرد در تعداد مشخصی سال قبل است. شاید خود این سوال از اهمیت درجه اولی برای شمول در سرشماری ایران برخوردار نباشد، ولی نکته ای باید مورد توجه قرار گیرد، عدم توانایی اقلام و سوالات این سرفصل (حتی پیشنهادی توسط سازمان ملل) برای لحاظ نوعی تجربه مهاجرتی است که از آن تحت عنوان مهاجرت مکرر یاد می شود. به نظر می رسد گنجانده شدن یک سوال مبنی بر دفعاتی که فرد در بین دو سرشماری محل سکونت خود را تغییر داده (و در صورت داشتن چنین تجربه ای، سوال از محل اقامت های قبلی تغییر داده شده برای هر دفعه) بتواند اطلاعات لازم برای لحاظ تجربه مهاجرت تکراری را نیز فراهم سازد.

۲- اقلام مربوط به مهاجرت بین المللی
در این بخش و برای مهاجران بین المللی اقلامی مانند: کشور محل تولد، تابعیت، و طول دوره اقامت به عنوان اقلام پیشنهادی مورد توجه است. در سرشماری های ایران، عموماً محل اقامت قبلی به جای کشور محل تولد فرد مهاجر پرسیده شده است که شاید حضور کشور محل تولد هم در کنار اقلام فعلی خالی از فایده نباشد.

۳- اقلام مربوط به خانواده و خانوار
در این سرفصل دو قلم عمده به عنوان پیشنهاد سازمان ملل قابل توجه است که در سرشماری ایران نیز حضور دارند که عبارتند از بستگی تمام افراد واقع در خانوار مورد نظر با سرپرست خانوار و نیز ساختار خانوار که خود با استفاده از همان اطلاعات قلم قبلی قابل محاسبه و برآورد خواهد بود.

۴- اقلام مربوط به ویژگی های جمعیتی و اجتماعی
در این سرفصل اقلام؛ جنس، سن، وضعیت تاهل، دین، زبان، قومیت و بومی بودن به عنوان اقلام پیشنهادی ذکر شده اند. در عموم سرشماری های ایران تا به امروز، سه مورد از این اقلام مورد توجه قرار نگرفته است. زبان (مادری یا صحبت شده در منزل)، قومیت و بومی بودن. مورد سوم (بومی بودن یا نبودن) که به لحاظ تاریخی در کشورهایی که از زاده مهاجرتهای بین المللی و غالباً از نوع استعماری است، چندان موضوعیتی در مورد ایران پیدا نمی کند و طبیعتاً نیازی به لحاظ آن نیست. اما دو قلم دیگر، یعنی زبان و قومیت افراد بنابر ملاحظاتی که چندان هم شناخته شده نیستند، هیچ وقت در سرشماری های ایران مورد استفاده قرار نگرفته اند. دست کم برای مطالعات از نوع جمعیتی، به دلیل این که تفاوت های قومیتی گاه زیادی می تواند در رفتارهای جمعیتی (باروری، سلامت یا مرگ و میر و نیز به ویژه مهاجرت) می تواند وجود داشته باشد، دارای اهمیت شایانی است. جای خالی این دو قلم اطلاعات بیش از پیش در سرشماری های کشور احساس می شود. به نظر می رسد تفاوت های زبانی

هر زمانی که صحبت از سرشماری عمومی نفوس و مسکن می شود، یکی از دغدغه ها و سوالاتی که شاید ذهن بسیاری از متخصصان جمعیتی و اجتماعی را به همراه مردم عادی، به خود جلب می کند، مجموعه سوالات و اقلامی است که برای جمع آوری اطلاعات افراد، خانوارها و واحدهای مسکونی در پرسشنامه یا فرم های سرشماری گنجانده می شود. همیشه این سوال کلی وجود دارد که چه سوالاتی باید یا لازم است در سرشماری های عمومی نفوس و مسکن در مورد افراد، خانوارها و یا واحدهای مسکونی پرسیده شود. برای پاسخ این سوال عمومی، در این نوشته سعی شده تا با نگاهی به پیشنهادات محتوایی سرشماری توسط سازمان ملل متحد، به مقایسه این محتوای پیشنهادی با اقلام سرشماری مورد استفاده در کشور پرداخته و برخی پیشنهادات اصلاحی در این زمینه طرح و مورد بحث قرار گیرند.

قبل از همه، یادآوری چند نکته ضروری است. نکته اول این است که معمولاً سرشماری عمومی نفوس و مسکن با توجه به نیازهای داخلی هر کشوری به داده و اطلاعات در زمینه تجارب مختلف مربوط به افراد و خانوارها تهیه، تنظیم و اجرایی می شود و عملاً شاید نتوان هیچ کشوری را برای لحاظ یا عدم لحاظ اقلام و سوالات خاصی در سرشماری نقد کرد! طبیعی است که انتخاب اقلام و محتوای سرشماری بعد از بررسی های کارشناسی معمولاً مفصل و با توجه به شرایط موجود و صلاحیت های اغلب علمی، و گاهاً اجرایی و اجتماعی انتخاب و در فرم های سرشماری گنجانده می شوند.

معمولاً گفته می شود که در تعیین محتوا و اقلام سرشماری عوامل زیر دخیل هستند و در واقع برآیند ملاحظات چهارگانه زیر به طور تعاملی محتوای سرشماری را تعیین می کنند:

۱- اولویت بندی نیازهای ملی، که معمولاً با توجه به نیازهای اطلاعاتی و داده ای بسیاری از متقاضیان و استفاده کنندگان از این داده ها (مانند نهادها و سازمان های دولتی، بخش خصوصی و نیز نهادهای علمی و تحقیقاتی) می تواند چهار چوب بندی و تعیین گردد؛

۲- اهمیت قابلیت مقایسه نتایج با سرشماری های دیگر، که معمولاً از دوزاویه قابل طرح است، یکی تلاش برای ایجاد قابلیت مقایسه سرشماری های خود یک کشور در طول زمان و دوم تلاش برای ایجاد قابلیت مقایسه سرشماری با سرشماری های منطقه ای و بین المللی (در ارتباط با سرشماری های سایر کشورها) برای ایجاد توان مقایسه شرایط کشورهای مختلف نسبت به یکدیگر، که هر دوی این ها تحت تاثیر حفظ تجانس موضوعی (چه به لحاظ نوع و چه به لحاظ تعاریفی که از مفاهیم شامل در سرشماری ها دست و پا می شود) در بین سرشماری ها است، تا از این طریق بیشترین درجه امان مقایسه نتایج با سرشماری های قبلی و نیز سرشماری های دیگر کشورها فراهم شود. به معنای ساده، بهتر است در تنظیم و تعیین اقلام سرشماری، ارتباط موضوعی سرشماری با سرشماری های قبلی و نیز سرشماری های سایر کشورها مورد توجه باشد.

مسلم است که این گفته منافاتی با استفاده از اقلام جدیدی که با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی نیازمند گنجانده شدن در فرمهای سرشماری را دارند، ندارد. تعاریف دقیق تر هم در صورت نیاز از مفاهیم، بهتر است به نحوی انجام گیرند که هنوز ارتباط سرشماری ها به طور بالقوه همچنان برقرار باشد، به عبارت ساده تر، تعاریف دقیق تر طوری انجام شوند که در صورت نیاز بتوان با استفاده از طبقه بندی های جدید، طبقه بندی های موجود در سرشماری های قبلی را بازسازی کرد.

۳- تناسب اقلام و محتوا، باید به گونه ای باشد که پاسخگویان توانایی و تمایل به دادن اطلاعاتشان در زمینه سوالات سرشماری را داشته باشند. عدم تمایل یا توانایی پاسخگویان برای پاسخگویی به سوالات می تواند موجب اتلاف زمان و هزینه بسیاری در چنین مواردی گردد، به ویژه زمانی که توجه شود سرشماری های فی نفسه یکی از طرح های معمولاً ملی بسیار پرهزینه طبقه بندی می شوند.

۴- در دسترس بودن منابع کافی برای سرشماری، که امری کاملاً بدیهی و روشن است و نیازی به توضیحات اضافی در این زمینه وجود ندارد.

به طور خلاصه می توان گفت در تصمیم برای نهایی کردن اقلام و محتوای فرم

و قومیتی کاربردهای بسیار بااهمیتی در مطالعات جمعیتی، و نیز مطالعات اجتماعی و فرهنگی داشته باشند.

۵- اقلام مربوط به باروری و مرگ و میر

اقلام متعددی در این بخش به عنوان اقلام پیشنهادی توسط دفتر امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است که به طور خلاصه عبارتند از: تعداد کودکان زنده متولد شده، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، تاریخ تولد آخرین فرزند زنده متولد شده، تعداد فرزندان زنده متولد شده در ۱۲ ماه گذشته، تعداد کودکان فوت شده از موالید زنده ۱۲ ماه قبل، سن/تاریخ یا طول دوره ازدواج اول، سن زن در زمان اولین تولد زنده، تعداد افراد فوت شده خانوار در ۱۲ ماه گذشته، وضعیت فوت پدر یا مادر برای فرد.

مقایسه اقلام موجود در سرشماری های ایرانی با اقلام پیشنهادی سازمان ملل حاکی از تطابق کلی اقلام در دو مورد در زمینه تجارب باروری است و تقریباً همه اقلام پیشنهادی سازمان ملل در سرشماری های ایرانی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. اما جای خالی اقلام مربوط به طول دوره ازدواج و تجربه فوت اعضا خانوار بیش از پیش در اقلام سرشماری ایرانی احساس می شود. هر چند در سرشماری سال ۱۳۶۵ برخی اقلام در ارتباط با تجربه فوت اعضا خانوار در فرم سرشماری گنجانده شده، اما از آن به بعد در سرشماری اخیر نیز خبری از اقلام مربوط به تجربه فوت اعضا خانوار نیست. در کنار باروری، تجربه فوت نیز می تواند به عنوان دومین مولفه حرکت جمعیتی، دست کم به همان اندازه تجربه باروری برای انجام تحقیقات کاربردی جمعیتی و اجتماعی در این زمینه دارای اهمیت است. شاید لحاظ برخی اقلام دارای حساسیت های (گاها بی مورد) اجتماعی برای شمول در اقلام سرشماری بوده باشند، اما تجربه فوت خانوار چیزی نیست که از هر زاویه ای که به بحث نگاه شود، دارای حساسیت های آنچنانی باشد. و به نظر می رسد این اقلام توانایی این را دارند که با توجه به همه شرایط، در میان اقلام سرشماری ایرانی نیز دیده شوند. طول دوره ازدواج نیز با توجه به اهمیتی که در تحلیل های مربوط به تشکیل خانواده و ازدواج و نیز باروری پیدای کند، دارای اهمیت بسیار زیادی به نوبه خود است که متأسفانه این قلم نیز در مجموعه اقلام سرشماری های کشور غایب بوده است.

۶- اقلام مربوط به ویژگی های آموزشی و تحصیلی

در این سرفصل اقلامی مانند، وضعیت سواد، وضعیت تحصیلی، مدرک یا میزان تحصیلات، و رشته تحصیلی به عنوان اقلام پیشنهادی سازمان ملل مورد توجه هستند که در این زمینه در سرشماری های ایرانی (دست کم در سرشماری سال ۱۳۹۰) عموم اقلام مذکور در ارتباط با تجارب تحصیلی و آموزشی افراد مورد توجه قرار گرفته است که امید می رود همه این اقلام در سرشماری های بعدی نیز حفظ شوند. تک تک این اقلام برای بررسی وضعیت آموزشی و به ویژه با دسترسی به رشته تحصیلی، برای بررسی تجارب شغلی بر اساس رشته تحصیلی خود فرصت مغتنمی را برای مطالعات بازار کار و تجارب شغلی و حرفه ای فارغ التحصیلان دانشگاهی فراهم می آورد.

۷- اقلام مربوط به ویژگی های اقتصادی

در این سرفصل از اقلام پیشنهادی سازمان ملل متحد اقلام متعددی حضور دارند. این اقلام به طور خلاصه عبارتند از: وضع فعالیت، نوع شغل یا فعالیت اصلی در محل کار، بخش عمده فعالیت اقتصادی (خدمات، صنعت، کشاورزی)، موقعیت در شغل، تعداد ساعات کار، درآمد، بخش عمده فعالیت (تعاونی، عمومی، خصوصی)، اشتغال در بخش اقتصاد غیررسمی، شغل مربوط به بخش اقتصادی غیررسمی و محل کار. اقلام ذکر شده در این سرفصل با آنچه که در این ارتباط در سرشماری های ایران دیده می شود تفاوت های آشکاری دارد. بسیاری از اقلام این سرفصل در سرشماری های ایران مورد سوال قرار نمی گیرند. شاید دلیل عمده آن انجام سالیانه نمونه گیری از اطلاعات نیروی انسانی، اشتغال و بیکاری در کشور باشد که به طور جداگانه اطلاعات عموم این بخش، و مفصل تر از آنچه که در این سرفصل پیشنهاد شده، را از خانوارهای نمونه در مناطق شهری و روستایی تمام استان های کشور جمع آوری می نماید. به هر حال، به نظر ارزشمند است که دست کم در زمینه حضور برخی اقلام مهم این سرفصل در سرشماری ایران تامل دوباره ای صورت گیرد. به عنوان مثال درآمد یکی از اقلام و متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر بسیاری از تجارب افراد اعم از تجارب جمعیتی آنها است و عملاً حضور آن در میان اقلام سرشماری کشور می تواند زمینه بسیاری تحلیل های اقتصادی در زمینه تجارب جمعیتی را فراهم آورد. شاید قبلاً دغدغه تأثیر نامناسب ناشی از حضور این قلم اطلاعات در سرشماری بر پاسخ های افراد به عنوان دغدغه جدی در زمینه عدم شمول میزان درآمد در سرشماری های کشور مطرح بوده است، به نظر می رسد در این زمینه می توان ضمن تامل مجددی، این قلم اطلاعات را در میان اقلام سرشماری گنجانند. مگر نه این است که یکی از راه های حساسیت

زدایی از چنین مفاهیمی، طرح متوالی آنها است! شاید اگر این قلم اطلاعات در سرشماری های قبلی حضور می داشت، امروز در این زمینه هم می شد اطلاعات نسبتاً دقیقی از خانوارهای ایرانی دریافت کرد. در ضمن، اگر در همه موارد این دست از اطلاعات از طریق خوداظهاری افراد اعلام می شوند، چرا با همه حساسیت هایی که احتمالاً دارد، نباید در میان اقلام سرشماری بیاد، در حالی که امروزه برای بسیاری از برنامه ریزی ها و مداخلات اجتماعی و اقتصادی اطلاع از این قلم اطلاعات اهمیت شایانی دارد. دست کم این است که راه های غیر مستقیم برآورد این یک مورد اطلاعات اقتصادی نیازمند توجه و تامل بیشتر در سرشماری های ایرانی است، به جای این که با هر توجیهی که برای این کار وجود دارد، به راحتی از منافع مطالعاتی و اقتصادی و اجتماعی این متغیر مهم و تأثیرگذار چشم پوشی و به راحتی هر چه تمام مورد حذف از اقلام سرشماری قرار گیرد.

نکته دوم در ارتباط با اقلام پیشنهادی این سرفصل این است که به نظر می رسد حتی در نمونه گیری از تجارب مربوط به فعالیت، اشتغال و بیکاری در کشور نیز اطلاعاتی در مورد بخش اقتصاد غیررسمی مورد توجه قرار نمی گیرد. همین امر باعث شده است که بسیاری از فعالیت های اقتصادی بسیاری از افراد به عنوان فعالیت های غیر مشمول در بخش اقتصاد غیررسمی، در اطلاعات این بخش منعکس نشده و امکان هیچ نوع برنامه ریزی و مدیریت این بخش پنهان اقتصاد فراهم نشود. چه در سرشماری و یا در نمونه گیری اشتغال و بیکاری به نظر شمول این اقلام در میان اقلام سرشماری یا نمونه گیری های مربوطه، از ضروریات اصلی در این سرفصل می تواند قلمداد شود.

۸- اقلام مربوط به وضعیت معلولیت

باز به عنوان یکی از تجارب عمومی حوزه سلامت، وضعیت معلولیت افراد اهمیت شایانی دارد که به عنوان یکی از اقلام پیشنهادی سازمان ملل در مجموعه اقلام سرشماری پیشنهاد شده است. متأسفانه این قلم اطلاعات نیز در کنار اقلام دیگری که ذکر آنها رفت، در سرشماری های ایران مورد غفلت قرار گرفته است. همین امر داشتن اطلاعات جامع از افراد دارای تجارب معلولیت را به امری بسیار سخت تبدیل کرده است و اطلاعات ثبتی مراکز مربوطه نیز توانایی ارائه تصویر جامع از این تجربه در کشور را به دلایل متعددی هنوز دارا نیستند.

۹- اقلام مربوط به فعالیت های کشاورزی

برخی اقلام ویژه در این سرفصل به عنوان اقلام پیشنهادی سازمان ملل جلب توجه می کنند. البته باید یادآوری شود که این اقلام جزو اقلام پیشنهادی اصلی سرشماری قلمداد نمی شوند و در اصل به عنوان کمکی برای طراحی و اجرای سرشماری های اختصاصی کشاورزی، برای حضور در میان اقلام سرشماری پیشنهاد شده اند. فعالیت اعضا خانوار در بخش خود فرمایی کشاورزی و داشتن شغل کشاورزی برای مدت زمان طولانی (مثلاً سال گذشته) برای افراد خانوار دو قلم اطلاعات پیشنهادی این سرفصل هستند. تا جایی این دست اطلاعات بتواند برای تعیین محدوده فعالیت های اقتصادی کشاورزی خانوارها جهت انجام سرشماری های مفصل سرشماری از چنین خانوارهایی در ادامه به کار آید، شمول شان در میان اقلام سرشماری دارای اهمیت خواهند بود.

نکته پایانی: گرچه مقایسه اقلام سرشماری برخی کشورهای پیشرفته با اقلام سرشماری های ایران نیز خالی از فایده نبوده، ولی این کار به مقالی دیگر موکول شده است. به هر حال، مرور کلی اقلام موجود در سرشماری برخی از این کشورهای دنیا نشان می دهد برخی اقلام با توجه به اهمیتی که در شرایط زندگی امروزی پیدا کرده اند خود را به عنوان اقلام مهم به مجموعه اقلام سرشماری این کشورها تحمیل کرده اند. هر چند همیشه طول پرسشنامه یکی از دغدغه های جدی در تهیه فرم های سرشماری است، به هر حال حضور اقلامی مانند: شماره طبقه واحد مسکونی آپارتمانی (با توجه به غلبه شکل سکونت آپارتمان نشینی دست کم در شهرهای بزرگ) و انجام تفکیک زبانه در محل سکونت در سرشماری کشور نروژ، وسیله مسافرت بین محل کار و منزل در سرشماری کشور فرانسه، نوع مدرسه یا دانشگاه محل تحصیل در سرشماری کشور استرالیا، و قیمت تقریبی بنادر برخی سرشماری های دیگر کشورها به عنوان شاخصی اقتصادی و مسکونی در کنار اقلام دیگر قابل توجه و تامل هستند.

منبع:

-مرکز آمار ایران (سال های مختلف). مستندات مربوط به سرشماری های عمومی نفوی و مسکن و نمونه گیری از نیروی کار. قابل دسترسی از طریق تارنمای مرکز آمار ایران: <https://amar.org.ir/>

United Nations (2007). Principles and Recommendations for Population and Housing - Censuses, Revision 2. New York: Statistics Division of the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations. Statistical Papers Series, M. No. 67/Rev.2

گفت‌گویی اختصاصی کارایی با حیدر فتح‌زاده، معاون آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی

تحقق برنامه‌ها، مستلزم آگاهی از جمعیت جامعه است

انواع مواد مخدر را مصرف کنند اما آمار مربوط به این افراد به هیچ وجه و در هیچ جا ثبت و ضبط نشود. در نتیجه این آمارها، نه قابلیت تولید به روش نمونه‌ای را دارند، نه قابلیت تولید به روش سرشماری را. در نتیجه چون در این زمینه محدودیت‌هایی وجود دارد، به لحاظ روش‌شناسی نمی‌توانیم به صورت دقیق اعتماد کنیم که این داده‌ای که منتشر می‌کنیم، چقدر و با چه درصدی صحت دارد. به همین دلیل ورود این معاونت به این قضیه بسیار دشوار و مخاطره آمیز است. ممکن است بفرمایید به غیر از مراکز بازپروری، سازمان‌های ذی‌ربط دیگری نیز وجود دارد از جمله نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و یا دادگستری ولی مساله این است که در ارتباط با این مسائل و با توجه به ماهیت موضوع، در نهایت هیچ‌کس حرف اول و آخر نمی‌زند. ماهیت متغیر مورد بحث خود باعث این موضوع می‌شود و این ماهیت باعث پرسش سوالات حساسیت‌برانگیزی می‌شود.



کارایی: من این را قبول دارم ولی به هر حال این مسائل یک سری مشکلات اجتماعی ما هستند که باید به آن وارد شد. حتی در آمارگیری‌های نمونه هم به این موضوعات ورود پیدا نمی‌کنید؟

فتح‌زاده: البته روش‌هایی وجود دارد و می‌توان انجام داد اما این نگرش‌های اجتماعی است که تحقق این امر را دشوار می‌نماید. بعضی اوقات ما وقتی می‌خواهیم فلان طرح را انجام دهیم باید به نگرش‌های اجتماعی جامعه توجه کنیم که به عنوان مثال در ارتباط با این زمینه خاص، چقدر حساسیت وجود دارد. برخی سوالات ما، سوال‌های عمومی است. اما وقتی سوالات بیشتر خصوصی و شخصی می‌شود مقاوت خانوار دیده می‌شود.

کارایی: فکر می‌کنید این روند تا چه زمانی می‌تواند ادامه یابد؟ چون در هر صورت این‌ها یک سری مسائل بسیار مهم اجتماعی هستند که آمار آن‌ها اهمیت خاصی دارد و می‌تواند تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال آمار کودکان بازمانده از تحصیل.

فتح‌زاده: ما باید به این قضیه این گونه بپردازیم که آیا این موضوع قابلیت تولید آمار دارد یا نه؟ همین آمار کودکان بازمانده از تحصیل به راحتی هم از سرشماری و هم از لیست و اسامی افرادی که در طول دوران تحصیل وارد مدارس می‌شوند و از آن خارج می‌شوند، به دست می‌آید. در کل کشورهای دنیا ترکیه، آمریکا و ژاپن هم این مشکل را دارند. مثلاً وقتی می‌گویند که آمار مبتلایان به ایدز را در شهر تبریز در سال ۱۳۹۴، ۵۵ نفر اعلام می‌کنند ممکن است افرادی مبتلا به ایدز باشند اما تا به حال متوجه نشده باشند یا به عبارتی دیگر فرد، مصرف مواد دارد اما اعضای خانواده از آن بی‌خبرند. و اینجا به جواب سوال شما می‌رسیم. در تمام جوامع رفته‌رفته یک سری متغیرها عادی می‌شود و یک سری متغیرها متوسط و یک سری حالت فردی، شخصی و محرمانه پیدا می‌کند. تا حقوق شخصی، حقوق شهروندی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی به سمت عادی شدن نرود، این قضیه را داریم. سال‌های قبل در ایران طلاق پدیده‌ای بود که خیلی اعلام نمی‌شد ولی الان می‌بینیم که وقتی فردی طلاق می‌گیرد، به راحتی اعلام می‌کند. نهادینه شدن و عادی شدن برخی مسائل در جامعه است که به ما اجازه می‌دهد، رفته‌رفته روی این داده‌ها کار کنیم.

کارایی: لطفاً در رابطه با روند اجرایی این سرشماری به عنوان فردی که در مرکز این رویداد قرار دارید، توضیح بفرمایید. این که چه تعداد نیروی این فرایند کار می‌کنند و چه میزان بودجه برای این کار لازم است؟

کارایی: در شرح وظایفی که برای معاونت تحت نظارت شما آمده، «اجرای سرشماری‌های عمومی و تخصصی در چارچوب برنامه‌های ملی مرکز آمار ایران» جزو اولین وظایف برشمرده شده است. در این راستا و اهمیت اجرای درست سرشماری توضیحاتی ارائه بفرمایید.

فتح‌زاده: وظیفه اصلی این معاونت اجرای سرشماری است. این سرشماری می‌تواند در ارتباط با نفوس و مسکن، کارگاهی، کشاورزی، معدن و بخش‌های مختلف باشد. وظیفه مهم دیگر ما غیر از این، اجرای طرح‌های آمار در ارتباط با ویژگی‌های اشتغال و بیکاری، صنعت معدن استان، هزینه درآمد خانوار، سنجش و برآورد نرخ تورم در نقاط شهری و روستایی است. از طرف دیگر، مایک سری طرح‌ها داریم که به صورت موردی اجرا می‌شود. به عنوان مثال در زمینه فن‌آوری اطلاعات یا گذران وقت. به طور خلاصه تمامی طرح‌ها و برآوردها و سنجش‌های مورد نیاز در هر طرح آمار در این استان

توسط این معاونت قابل انجام است. همچنین انتشار سالنامه‌های آمار، نتایج سرشماری‌ها و برآورد جمعیت، جزو وظایف این دفتر و معاونت است.

کارایی: به غیر از سرشماری که هر ده سال یک بار انجام می‌شود (به غیر از استثناء سال ۹۰)، آمارگیری‌هایی که براساس نمونه‌گیری در سطح استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است، مشتمل بر کدام موارد می‌گردد؟

فتح‌زاده: ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار، طرح هزینه درآمد خانوار، قیمت شهری، قیمت روستایی، قیمت و شاخص بهای بخش‌های کشاورزی، دامداری، مرغداری و گاوداری جزو آمارگیری‌هایی است که براساس نمونه‌گیری انجام می‌گیرد. مهم‌تر از همه موارد مذکور، اجرای طرح نیروی کار است که هر سه ماه یک بار برای برآورد و سنجش نرخ بیکاری، نرخ اشتغال، نرخ مشارکت اقتصادی زنان، نرخ مشارکت اقتصادی مردان تقریباً به ۲۲۲۸ خانوار به صورت تصادفی مراجعه می‌گردد که جزو طرح‌های نمونه‌ای است و تمام شماری نیست. اما مبنای این طرح‌های سرشماری بیش‌تر برای چارچوب سازی، پیش‌بینی روند تغییرات و آگاهی از تحولات جمعیتی و برآوردهای جمعیتی برای سال‌های آتی است.

کارایی: انتقادات عمده‌ای در زمینه عدم وجود آمار و اطلاعات دقیق و شفاف وجود دارد، با توجه به اینکه این معاونت بزرگترین متولی دولتی در زمینه تهیه آمار و اطلاعات است، تا چه میزان انتقادات وارده را منصفانه ارزیابی می‌کنید؟ و تا چه اندازه آن را به جامی دانید؟

فتح‌زاده: این انتقاداتی که انجام می‌پذیرد، به جا و به حق است. رسالت معاونت آمار و اطلاعات در سازمان برنامه و بودجه، اجرای یک سری طرح‌های آمار است که مرکز آمار ایران آن‌ها را تدوین یا مشخص می‌کند، اما اینکه ما بیابیم و بخواهیم در بخش‌های مختلف جامعه به عنوان مثال خشونت خانگی را بررسی کنیم، زمانی تحقق پیدا می‌کند که آمارهای ثبت شده در سازمان‌ها و نهادها در بخش‌های دولتی و غیردولتی قابل استناد و موجود باشد. به عنوان مثال این مساله در مورد اعتیاد و یا یک سری از آسیب‌های دیگر اجتماعی، مشهودتر است. البته ما با توجه به جایگاه هر یک از دستگاه‌های متولی آمار تولید می‌کنیم، اما به طور مثال برای تولید آمار در زمینه اعتیاد پارامترهای متعددی دخیل است. یکی از پارامترها، این است که چه تعداد از کسانی که درگیر مساله اعتیاد هستند، به مراکز بازتوانی مراجعه می‌کنند. افرادی هستند که ممکن است تا پایان عمر،

فتح زاده: سرشماری سال ۱۳۹۵، هشتمین سرشماری است که به روش اینترنتی انجام می‌گیرد البته در کنار روش حضوری. این اولین بار است که در تاریخ سرشماری ایران از سال ۱۳۰۲ تاکنون دولت در روش ارائه کرده است. اول، روش ثبت نام اینترنتی. و همچنین ثبت نام به روش مراجعه حضوری آمارگیران. در واقع این یک روش ترکیبی است که در دو ماه متفاوت به اجرا در می‌آید. هدف از اجرای ثبت نام اینترنتی تسهیل آمارگیری و کاهش زمان پاسخگویی شهروندان بود. به عنوان مثال افرادی که در بخش خصوصی یا دولتی شاغل هستند و صبح ها در خانه حضور ندارند تا به سوالات آمارگیران پاسخ دهند، به راحتی می‌توانند از طریق سامانه اینترنتی ثبت نام کنند. برای برآورد میزان

استقبال از طرح ثبت نام اینترنتی در ایران، به آمارهایی توجه کردیم از جمله این که ضریب نفوذ اینترنت در ایران چیزی حدود ۴۳ درصد است و در استان آذربایجان شرقی، ۲۸ درصد خانوارها از طریق مودم به اینترنت دسترسی دارند که با احتساب گوشی های هوشمند این آمار به نزدیک ۶۵ درصد می‌رسد. انتظارمان این بود که با توجه به لحاظ نمودن رابطه ظریف استفاده از اینترنت و شاخص فرهنگی استان و نرخ باسوادی در سال ۱۳۹۰ یعنی ۸۲ درصد، استقبال خوبی از طرح ثبت نام اینترنتی گردد. توسعه ثبت نام و مشارکت از طریق اینترنت، هم کاهش هزینه را در پی دارد، هم آمار خانوارهای غائب را می‌کاهد و هم اطلاعات را با صحت بیشتر و در مدت زمان کمتری تولید می‌نماید. آمار ثبت نام اینترنتی در استان آذربایجان شرقی حدود ۴۹/۶ درصد بوده است. جمعیت استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۵ ۳۸۴۰۰۰۰ نفر است که نزدیک به ۱۹۰۰۰۰۰ نفر ثبت نام اینترنتی انجام داده اند. تمامی رده های مختلف جامعه، دهیاران، مدیران مدارس، دانش آموزان، بخشدارها، شهرداری ها و عوامل مختلف دست به دست هم دادند تا این کار انجام پذیرد. بعد از ثبت نام اینترنتی، هم سرشماری از طریق حضوری آغاز شده است که به مدت یک ماه هم ادامه خواهد داشت و در طی این مرحله به تمامی خانوارها مراجعه خواهد شد. من یک مثالی را عرض کنم؛ در سال ۹۰ نرخ سالمندی ما ۷/۱ درصد بود اما امروز پیش بینی ما این است که این رقم به ۸/۵ درصد افزایش یابد. این نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی در سال های آتی، سالمندی را تجربه خواهد کرد. بنابراین در این زمینه بایستی برنامه ریزی های لازم صورت پذیرد. از سال ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۵ نزدیک به ۱۸ درصد از جمعیت ما را سالمندان تشکیل خواهند داد. کشورهای مختلف مثلاً چین از هم اکنون برنامه ریزی می‌کنند که در آن سال ها به ایران عاصا صادر کنند یا کشور هلند در فکر فروش طب سالمندی به ایران خواهد بود. لذا تاکید دمان این بود که امسال دقیق ترین سرشماری در ارتباط بانفوس و مسکن انجام پذیرد.

در استان ما ۱۲۸۸ نفر در قالب آمارگیر، ۱۴۹ نفر در قالب کارشناس مسئول فنی و نزدیک به ۲۶ نفر معاون فنی، ۲۶ نفر معاون اجرایی، ۲۰ نفر به عنوان روابط عمومی، حراست و قسمت های مختلف در این طرح مشارکت دارند. در مجموع ۱۸۰۰ نفر در استان آذربایجان شرقی به طور مستقیم در این طرح درگیر هستند اما با احتساب فرمانداران و رده های مختلف مدیران نزدیک به ۳۰۰۰ نفر ستاد سرشماری استان را همراهی می‌کنند. ۳۰۸۱ آبادی در استان ما وجود دارد که ۳۷۱ تا از آن ها خالی از سکنه و ۷۱۶ تا هم زیر بیست خانوار جمعیت دارد. امید داریم با اجرای این طرح سرشماری، بتوانیم اطلاعات خوبی در ارتباط با مسکن، جمعیت به تفکیک آبادی، شهر و روستا خدمت مردم تقدیم نماییم.

کارایی: آیا استقبال از ثبت نام اینترنتی مبتنی بر پیش بینی ها بود؟

فتح زاده: قبل از اجرای سرشماری، برنامه ما این بود که ۶۰ درصد از افراد در ثبت نام اینترنتی که در سوم مهر ماه آغاز شد، مشارکت نمایند. این پیش بینی ها با مشارکت خود استاندار به عنوان رئیس ستاد سرشماری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی به عنوان مدیر اجرایی سرشماری تدوین شده بود. ما پیش بینی می‌کردیم که این رقم محقق شود چون قصد داشتیم ثبت نام در نقاط روستایی توسط بهورزی ها و دهیاری ها انجام شود و در شهر هم مدیران مدارس در این

رسالت معاونت آمار و اطلاعات در سازمان برنامه و بودجه، اجرای یک سری طرح های آماری است که مرکز آمار ایران آن ها را تدوین یا مشخص می‌کند، اما اینکه ما بیایمیم و بخواهیم در بخش های مختلف جامعه به عنوان مثال خشونت خانگی را بررسی کنیم، این ها زمانی تحقق پیدا می‌کند که آمارهای ثبت شده در سازمان ها و نهادها در بخش های دولتی و غیردولتی قابل استناد و موجود باشد. به عنوان مثال این مساله در مورد اعتیاد و یا یک سری از آسیب های دیگر اجتماعی، مشهودتر است.

کار سهیم باشند. اما متأسفانه همکاری دانشگاه علوم پزشکی در این طرح ضعیف بود، در نتیجه برنامه های ما کمی دستخوش تغییر شد. با گذشت زمان که انتظارات اولیه محقق نشد، درصد مطلوب را به ۳۵ درصد کاهش دادیم. در نهایت در روز چهاردهم تا بیست و چهارم مهرماه در شهرستان های استان برای دهیاران، بخشداران، شهرداران، مدیران مدارس، دانش آموزان و بخش های ذی نفوذ و ذی نفع جامعه دوره های مختلف توجیهی به اجرا درآوردیم. متأسفانه برخی از مردم این مبحث را با بحث یارانه ارتباط می‌دادند. وقتی این آگاه سازی و اطلاع رسانی انجام گرفت، و صدا و سیما هم در این امر ورود جدی پیدا کرد، در نهایت آمار مشارکت به حدود ۵۰ درصد رسید. اگر چه اگر

امکانات، آگاه سازی، برنامه ریزی و مشارکت بخش های مختلف مردم مطلوب تر می‌بود، عامه مردم به این سرشماری اعتماد بیشتری می‌کردند و آن را به بخش های دیگر به خصوص مبحث یارانه از تباطون می‌دادند. ان شالله بتوانیم در سال های بعد روش ثبت نام اینترنتی را با قوت و گستردگی بیشتری ادامه دهیم.

کارایی: آیا اطلاعات به دست آمده از سرشماری، راستی از مایی می‌شوند؟
فتح زاده: در سال ۱۳۹۰ بعد از اتمام سرشماری، بازشماری انجام گرفت. دلیل انجام بازشماری به این دلیل است که ما متوجه بشویم آیا توانسته ایم سرشماری را در شهر ها و روستاها درست انجام بدهیم یا نه. و در آن سال هم این موضوع انجام شد و موفق شده بودیم نزدیک به ۷۸ درصد از خانوارهای استان آذربایجان شرقی را شمارش کنیم و بقیه به عناوین مختلف یا غایب بودند و یا دسترسی به آن ها ممکن نبود. انشالله بعد از اتمام این سرشماری هم، بازشماری انجام می‌گیرد و پیش بینی من این است که این بار باید حداقل به رقم ۹۵ درصد برسیم.

کارایی: سوالاتی که در سرشماری آمده است بر چه مبنایی و توسط چه کسانی و با توجه به چه مفاهیمی تدوین می‌شود؟

فتح زاده: ما اگر بخواهیم به عنوان مثال تغییرات سنی جامعه را بدانیم باید سن را سوال کنیم. بینیم به لحاظ بیولوژیکی در برابر صد خانم چند آقا وجود دارد تا نسبت جنسی را مشخص کنیم، لذا مجبور به سوال در مورد جنسیت هستیم. از طرفی می‌خواهیم مهاجرت ها را پیگیری و رهگیری کنیم، پس باید کد ملی را سوال کنیم. یا می‌خواهیم وضع سواد و بی سواد و تحصیلات را بدانیم، لذا در این راستا سوال می‌کنیم. می‌خواهیم مقاوت ساختمانی را بدانیم که چند درصد از واحدهای مسکونی تبریز دارای چه نوع مقاومتی هستند. و به همین ترتیب سوال هایی که ویژگی های اجتماعی، فرهنگی جامعه را می‌سنجد برسد می‌شود و این سوالات از طرف مرکز آمار ایران با لحاظ نمودن هرم سنی جامعه و مشخصات و ویژگی هایی که برای این برنامه های این چنینی نیاز است طرح می‌شود.

کارایی: و به عنوان سوال آخر تاثیر سرشماری بر روی برنامه ریزی های آتی و کلان منطقه ای و محلی چگونه خواهد بود؟

فتح زاده: بر مبنای داده های جمعیتی، اولین تاثیری که خواهیم داشت این است که بر اساس نفر به نفر استان آذربایجان شرقی و کشور، سهمیه سرانه مصرفی آرد مشخص خواهد شد. این در سطح خرد است. همچنین تراکم و پراکندگی جمعیت مشخص می‌شود و از روی آن اورژانس، خانه های بهداشت در محلات و مدارس مشخص می‌شود و در سطح متوسط این است که اگر یک آبادی خواهد به شهر تبدیل شود، جمعیت نیاز است. اگر به طور مثال قسمتی از تقسیمات سیاسی بخواهد تبدیل به شهرستان شود، پایه این کار حتماً جمعیت است. در سطح کلان این که اعتبارات عمرانی بین استان های کشور چگونه تقسیم شود، و تمامی محاسبات و شاخص های کلانی که در ارتباط با فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست صورت می‌گیرد، با مبنای جمعیت محاسبه می‌گردد. بحث منطقه بندی کشور که به عنوان مثال یک وزارت خانه به چندین منطقه تقسیم می‌شود و در تمام محاسبات لازم برای تدوین برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت از شاخص جمعیت استفاده می‌شود. تحقق این برنامه ها هم مستلزم آگاهی از جمعیت جامعه است.

گفت‌وگویی اختصاصی کارایی با محمدباقر بهشتی، استاد اقتصاد دانشگاه تبریز

سرشماری یعنی تصویربرداری

یا برعکس، یک خانواده در اوایل ماه پنج نفر باشند و در اواخر ماه یک نفر از این خانواده فوت کرده باشد. پس طول زمان سرشماری در دقت سرشماری اهمیت به سزایی دارد. در کشورهای توسعه‌یافته این زمان را به کمتر از یک روز کاهش داده‌اند یعنی در یک روز این کار را انجام می‌دهند. هم اکنون که اینترنت، ضریب نفوذ بالایی در سراسر جهان دارد، متولیان عنوان می‌کنند که در فلان روز همه مراجعه کنند و فرم پر کنند. بنابراین در چند ساعت تمامی مردم فرم را پر می‌کنند. از این روی دقت سرشماری بسیار بالاست. در ایران سرشماری‌ها، تا



کارایی: موضوع پرونده حاضر، اهمیت آمار و برنامه‌ریزی است که به بهانه سرشماری اخیر تهیه و تدوین شده است. کمی در مورد تاریخچه سرشماری و این که آیا انجام سرشماری و کسب دقیق آمار و اطلاعات در کشورهای مختلف، به ارتقاء سطوح سیاست گذاری و بهبود برنامه ریزی های جامع انجامیده است یا نه، توضیحاتی ارائه بفرمائید.

بهشتی: ما دو روش برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات داریم؛ از نظر علمی، یکی تمام‌شماری و دیگری نمونه‌گیری است. تمام‌شماری را زمانی که مقوله مورد

شمارش، انسان باشد، سرشماری می‌نامند. البته در ایران به همه تمام‌شماری‌ها، سرشماری می‌گویند که اصطلاح غلطی است، مثلاً سرشماری کشاورزی. بنابراین یک تمام‌شماری وجود دارد و یک نمونه‌گیری. مهمترین تمام‌شماری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن است که در دنیا و در ممالک توسعه‌یافته بیش از دویست سال است که انجام می‌پذیرد. در ایران این سرشماری برای اولین بار در سال ۱۳۳۵ انجام شد که البته در آن زمان هنوز مرکز آمار شکل نگرفته بود و اداره آمارهای عمومی وزارت کشور این کار را انجام داد. این بدین معناست که قبل از سال ۱۳۴۲ تاسیس شد. بعد از آن هر ده سال یکبار سرشماری تکرار شده است البته استثنائاً در سال ۱۳۹۰ هم این سرشماری انجام پذیرفت. امسال هم که طبق روال در سال جاری ۱۳۹۵ سرشماری انجام می‌گیرد. سرشماری در واقع نقشی همانند عکس گرفتن دارد. یعنی آن در یک لحظه زمانی خاص نشان می‌دهد که چند نفر جمعیت وجود دارد. نقشی همانند دیافراگم دوربین. هر قدر دیافراگم دوربین زمان کمتری باز باشد، لحظه را خوب ثبت خواهد کرد. ولی در گذشته عکس‌هایی گرفته می‌شد که عکاس در آن به فرد می‌گفت به مدت دو دقیقه نفس نکش. برای اینکه دیافراگم باید مدت زمان طولانی باز می‌ماند تا عکس گرفته شود. متأسفانه اشکال ما در سرشماری این است که ما در طی مدت یک ماه، سرشماری را انجام می‌دهیم و به تعبیری عکس می‌گیریم. در این یک ماه اگر در روزهای اول ماه به یک خانوار مراجعه می‌شود، ممکن است یک خانواده پنج نفره باشند و اگر در اواخر ماه مراجعه می‌کردند ممکن بود به یک خانواده هفت نفره تبدیل شده باشند و دو فرزند جدید به خانواده اضافه شده باشد.

قبل از استفاده از کامپیوتر، در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ به صورت دستی انجام پذیرفت اما در سال ۱۳۵۵ کامپیوتری شد. البته نتیجه سرشماری سال ۱۳۵۵ در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. بنابراین سرشماری، کلیدی‌ترین آمار مملکت را به دست می‌دهد. در هر کشور برای انجام هر برنامه‌ریزی و اتخاذ هر تصمیمی، تعداد جمعیت مهمترین عامل است. اگر ما آمار جمعیتی را نداشته باشیم، نه تنها آمار کل مملکت بلکه آمار اینکه در کدام مناطق چه تعداد افراد ساکن هستند و در چه سنینی هستند را هم نخواهیم داشت. به طور مثال اگر ندانیم که برای سال جدید و چند نفر برای مقطع اول ابتدایی لازم‌التعلیم وجود دارد، نمی‌توانیم پیش‌بینی درستی برای تعداد کلاس و مدرسه داشته باشیم. این‌ها همه اطلاعات اساسی است که به واسطه انجام سرشماری‌ها به دست می‌آید. در سرشماری‌ها سوالات بسیاری می‌پرسند. واحد سرشماری و آمارگیری، خانوار است. به خانوارها مراجعه می‌کنند و سوال می‌کنند که در این خانوار چند نفر وجود دارد و سرپرستی آن با چه کسی است. همچنین تاریخ‌های تولد، سطح سواد، در صورت داشتن سن بالای ده سال، نوع فعالیت اقتصادی، شاغل بودن، جویای کار بودن، محصل بودن، خانه‌دار بودن و بازنشسته بودن، مهاجرت کردن یا نکردن و این که آیا خانوار در پنج سال اخیر تغییر مکانی داشته است یا نه، نیز مورد پرسش قرار می‌گیرد. این مورد اخیر بسیار با اهمیت است. زیرا نرخ و کیفیت مهاجرت‌ها نشان می‌دهد که جمعیت از کدام قسمت به کدام قسمت سرازیر می‌شود. همچنین اطلاعاتی در مورد دین و تابعیت افراد نیز به واسطه انجام سرشماری‌ها به دست می‌آید. از دیگر اطلاعات مورد توجه در بحث سرشماری‌ها، اطلاعات مربوط به مسکن است؛ این که زیربنای

واحد مسکونی چه اندازه است و کیفیت واحد مسکونی از نظر مقاومت چگونه است. همه این موارد مشتمل بر اطلاعات عمیقی است که در برنامه ریزی به درد می خورد بنابراین سرشماری خیلی مهم است. البته کیفیت سرشماری را دو متغیر عمده تعیین می کند. یکی مرکز آماری که متولی انجام این سرشماری است و یکی هم افرادی که به سوالات این سرشماری پاسخ می دهند. اگر هر دو طرف باهم همکاری کنند نتایج سرشماری دقیق می تواند باشد

کارایی: در صحبت های تان بر روی نفع بلاواسطه سرشماری و نفع آن مردم تاکید کرده اید. این که در نهایت این سرشماری ها منجر به ارتقاء سطح برنامه ریزی در کشور خواهد شد. در نهایت آیا می توان گفت که وجود آمار دقیق در کشور به شفافیت منجر می گردد؟ آیا سرشماری علاوه بر آماری که در اختیار برنامه ریزها قرار می دهد، به لحاظ نهادی هم تاثیری دارد؟

بهشتی: همان گونه که اشاره شد، سرشماری یعنی تصویربرداری و این تصویر را همه می توانند استفاده کنند. یک طرف آن دولت است که برنامه ریزی می کند و از طرف دیگر بخش خصوصی، و البته محققین و حتی در یک سطح تمام مردم.

کارایی: مثلاً آیا می تواند منجر به کاهش فساد در کشور شود؟ یا ربطی به این موضوع ندارد؟

بهشتی: فساد و سرشماری ارتباط مستقیمی با همدیگر ندارند اما می توانند ارتباط غیرمستقیم داشته باشند. می توان گفت که اگر آمار سرشماری به تفکیک خانوار و اعضای آن جمع آوری شود، دیگر نمی توان مرتکب برخی تخلفات شد. در گذشته ها و زمانی که با شناسنامه یارانه می دادند، برخی با شناسنامه های افراد فوت شده یارانه می گرفتند یعنی اگر شناسنامه متوفی را باطل نکنند، می توانند از آن سوءاستفاده کنند و ممکن است در انتخابات هم چنین تخلفاتی صورت بگیرد. در حالی که سرشماری متعلق به افراد زنده است. یعنی آمار مرکز آمار سرشماری مطمئن تر از آمار سازمان ثبت و احوال است. در گذشته در سازمان ثبت احوال به دو روش شناسنامه صادر می شد، یکی با گواهی بیمارستان و یکی هم با گواهی دو شاهد که به تولد فرزند شهادت می دادند. یک تعداد افراد در دوره اقتصاد کوپنی شناسنامه به اسم دختر می گرفتند، دختر به این دلیل که سربازی ندارد و از یک سری مزایای مربوطه استفاده می کردند. وجود آمار و اطلاعات و استناد به آمار و اطلاعات معتبر می تواند به طور مستقیم جلوی فساد را بگیرد.

کارایی: مهم ترین برنامه ریزی هایی که در مملکت از نتایج سرشماری ها متاثر می شود، در چه حوزه هایی است؟

بهشتی: همانطوری که اشاره کردم، سرشماری کلیدی ترین آمار است. تمام برنامه ریزی ها ارتباط مستقیمی با سرشماری و آمارهای منتجه دارد. به عنوان مثال حتی در سدسازی. با توجه به مصارف سد که یکی تامین آب مشروب برای جمعیت شهری و تامین آب

بنابراین سرشماری، کلیدی ترین آمار مملکت را به دست می دهد. در هر کشور برای انجام هر برنامه ریزی و اتخاذ هر تصمیمی، تعداد جمعیت مهمترین عامل است. اگر ما آمار جمعیتی را نداشته باشیم، نه تنها آمار کل مملکت بلکه آمار اینکه در کدام مناطق چه تعداد افراد ساکن هستند و در چه سنینی هستند را هم نخواهیم داشت. به طور مثال اگر ندانیم که برای سال جدید و چند نفر برای مقطع اول ابتدایی لازم التعلیم وجود دارد، نمی توانیم پیش بینی درستی برای تعداد کلاس و مدرسه داشته باشیم. این ها همه اطلاعات اساسی است که به واسطه انجام سرشماری ها به دست می آید.

زراعی برای کشاورزان است، بدون وجود اطلاعات دقیق از جمعیت شهر و روستا و یا از میزان بهره برداری آب کشاورزی، چگونه می توانیم سد بسازیم. نمونه هایی از پروژه های عمرانی در نظر بگیرید برخی کارهایی را که بدون استناد به آمار در کشور انجام پذیرفته، همانند پروژه مسکن مهر، که در برخی جاها آنقدر بدون حساب و کتاب احداث شد که هیچ متقاضی ندارد و این یکی از اتلاف های بزرگ منابع در کشور بود.

کارایی: البته شاید منتقدان بگویند تنها بخشی از این مساله مربوط به آمار است.

بهشتی: بله درست است. می خواهم بگویم آمار و اطلاعات خوراک اصلی برنامه ریزی است. یعنی مبنای کل جامعه و زندگی اجتماعی مردم هستند. اگر در رابطه با انسان، ارتباطات کافی و کامل نداشته باشیم نمی توانیم راهی از پیش ببریم. مثلاً در حوزه سلامت، و در ارتباط با طرح واکسینه کردن نوزادان، اگر آمار نداشته باشیم چه طور می توانیم طرح را پیش ببریم. البته نه فقط جمعیت فعلی بلکه پیش بینی جمعیت آتی هم در سرشماری ها ممکن است.

کارایی: چنین رویکردهای پوزیتیویستی در ارتباط با مبحث برنامه ریزی چقدر در دنیا همچنان کاربرد دارند؟

بهشتی: ببینید برنامه ریزی انواع مختلفی دارد، برنامه ریزی جامع، برنامه ریزی محدود، برنامه ریزی هسته های کلیدی و جنبه برنامه ریزی دستوری. از این نوع اخیر در کشورهای کمونیستی استفاده می گردد. همچنین یک نوع دیگر از برنامه ریزی وجود دارد به اسم برنامه ریزی ارشادی. امروز عمده ترین نوع برنامه ریزی در کشورها، برنامه ریزی ارشادی است که طی آن دولت به وسیله این نوع برنامه ریزی، مردم را تشویق می کند. اما به هر حال مبنای هر نوع برنامه ریزی آمار و اطلاعات است و بدون آمار نوشتن برنامه ممکن نیست. دقت و صحت آمار ربط مستقیمی به فرهنگ جامعه دارد. در جامعه توسعه یافته چون مردم می دانند اهمیت آمار چیست، تمام اطلاعات را درست ارائه می کنند. اما در جامعه توسعه نیافته به این بستگی دارد که کسی که سوال می پرسد، چه کسی است. اگر بدانند سهمی به او تعلق خواهد گرفت، جواب درست خواهد داد ولی اگر ببینند کسی که سوال می کند مامور دارایی است، اطلاعات غلط ارائه می کند. در ایران اشکالی در فرهنگ آماری داریم که به دلیل ضعف سرمایه اجتماعی، مردم صادق نیستند و حقایق را نمی گویند. مرکز آمار اول سعی می کند که اعتمادسازی کند و بعد شروع به کار می کند. البته متأسفانه در دولت نهم یک حرکت منفی صورت گرفت که حیثیت مرکز آمار را لکه دار کرد. آن حرکت این بود که گفتند که فرم پر کنید و از روی آن اطلاعات مندرج در آن فرم به شما یارانه تعلق خواهد گرفت. در سال ۱۸۲۷، ۴۰ میلیارد تومان برای آن پول خرج کردند ولی یک ریال هم کارایی نداشت و همه این پول به باد رفت و آبروی چهل ساله این مرکز به باد رفت. مرکز آمار طبق قانون، آماری که جمع آوری می کند را نمی تواند به هیچ جا بدهد چون محرمانه است. در حالی که همان آمار و اطلاعات را به مراجع دیگر دادند و در این امر، مرکز آمار خود غیرقانونی عمل کرد.

برای حل مشکلات، باید به مسایل فربخشی نگاه کنیم بدون آمار دقیق برنامه ریزی ممکن نیست

تمرکز ما بر این است که ببینیم دانشگاههای ما الزامات این گذار را به چه شکل تبیین میکنند.

مصادق بارز این گزار سرشماری عمومی نفوس و مسکن به شیوه اینترنتی بود. بالاترین میزان پاسخگویی اینترنتی برای اولین بار کشور ژاپن با ۳۷٪، کشور کانادا اولین بار ۱۸/۵٪ و بار دوم ۵۴٪ و بار سوم ۶۸٪، استرالیا برای اولین بار ۹٪ و بار دوم ۲۳٪ و بار سوم ۵۸٪ است. در ایران برای بار اول ۴۶/۴٪ است که ۳۷ میلیون ۳۷۱ هزار نفر از جمعیت ایران است.

دکتر پارسا اراده ملی و عزم همگانی را عامل اصلی این موفقیت مطرح کرد و گفت: وقتی این مسئله تبدیل به اراده ملی و عزم مشترک در بین دستگاههای اجرایی شد و به استانها سرایت پیدا کرد و صداوسیما توانست به مردم پیام سرشماری را برساند. آن وقت این اتفاق بزرگ خورد و معلوم شد که میشود و میتوانیم اگر به جای خودخواهی، بخشی نگری، فربخشی نگاه کنیم خیلی از کارها انجام میشود.

وی با اشاره به دغدغه های رهبری در خصوص کیفیت داده های آماری گفت: در آن جلسه که خدمت مقام معظم رهبری بودیم چقدر عمیق، دقیق و صریح و با دغدغه و بسیار دغدغه مندتر از هرکسی در این کشور اختلاف و تشتت آماری را بالای بزرگ دانستند که در نهایت اعتماد عمومی را صدمه می-زند. من عین جمله اش را بیان میکنم: اختلاف در آمارهای مراکز آماری را بالای بزرگ می-دانم که این مسئله

موجب بی اعتمادی در مردم می شود. آمار و اطلاعات دقیق متمرکز و علمی پایه اصلی تصمیم گیری ها (نفرمودند فقط برنامه ریزی) و همه تصمیم گیری های کارآمد در کشور است. تاکید داشتند به شرکت، اطلاعات صحیح و محرمانه بودن اطلاعات و بحث هایی از این دست که ما امیدواریم در قالب برنامه ششم ملی آمار این گذار را انشالله به نحو کارآمد و اثر بخش و بهینه انجام بدهیم و مطمئن هستیم که انجام داده خواهد شد.

من به برخی مشکلات بنیادین نظام آماری در محضر مقام معظم رهبری اشاره کردم که یکی از آن ها همین اختلاف بین مراکز آماری و اعدادی است که می دهند. سؤالات متعددی در سطح رسانه ای وجود دارد که آیا نمی شود آمار و اطلاعات بانک مرکزی خصوصا در زمینه رشد اقتصادی، تورم، بیکاری، درآمد و هزینه با مرکز آمار

به مناسبت روز ملی آمار و برنامه ریزی، همایش بزرگداشتی ساعت ۱۲ روز شنبه اول آبان ماه ۱۳۹۵ در محل آمفی تئاتر دانشکده علوم ریاضی و رایانه دانشگاه علامه طباطبایی و با همکاری مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار و گروه آمار دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

دکتر امید علی پارسا رییس مرکز آمار ایران در ابتدای همایش به وضعیت حساس نظام آماری و نقش آن در توسعه کشور اشاره کرد و گفت: نظام آماری کشور در مقطع خاص و حساسی قرار گرفته است و در این مقطع حساس باید تصمیمات و اقدامات استراتژیکی صورت بگیرد که با توجه به قانونمندی های توسعه و تجارب توسعه در کشورهای پیشرو و به ویژه در حوزه ی آمار میتواند منشا خیر و برکت برای همه تصمیمات کشور در همه ی سطوح باشد.

وی درباره گذار از آمارگیری سنتی گفت: مقطع، مقطع گذار از آمارگیری های سنتی به سمت آمارهای ثبتي مبنا است اگر به مستندات موجود در مرکز آمار در بیست سال پیش برگردیم میبینیم تا کنون هر چند زحمات زیادی کشیده شده است اما علی رغم همه این زحمات توفیق زیادی حاصل نشده است.

بنابراین نظام آماری ما ناگزیر از حرکت به سمت آمارهای ثبتي مبنا است ما در حال گذار از مرکزیت بانک مرکزی به مرکز آمار ایران هستیم واقعیتی که در همه کشورها طی شده است. قبل از تولد هر مرکز آماری بانک های مرکزی وجود دارند که کارهای عالمانه انجام میدهند و آمار و اطلاعات مورد نیاز کشور را تولید

میکند تا اینکه صاحب امر نهاد مورد نیاز متولد شود و رسالت خودش را بر عهده بگیرد. این رسالت در قانون برنامه پنجم، ماده پنجاه و چهار اتفاق افتاد و در احکام دائمی مورد نیاز برنامه های توسعه تکرار شد. وی اطلاعات آماری دقیق را مبنای اصلی تصمیمات و برنامه ریزی دانست و گفت: در نودمین سالگرد تولد بامول اقتصاددان بزرگ، اقتصاددانان جمع شده بودند و جمع بندی این بود که مشکل ما امروز تئوری و نظریه نیست مشکل ما تکنیک و روش های آماری هم نیست بلکه مشکل اصلی ما اطلاعات با کیفیت و قابل اعتماد است تازه این مسئله درباره اطلاعات آمریکا است مسلما در جامعه فعلی ما باید داده های با کیفیت اصل و اساس همه ی کارها و تصمیمات و برنامه ریزی باشد که گذار از نظام آمارهای سنتی به سمت مدرن یا همان ثبتي مبنا اساس کار است و الزامات خاص خودش را دارد.



یکی شود؟ اگر روش این‌ها علمی است پس چرا جواب‌هایشان با یکدیگر یکی نیست؟ این تشنگی ناشی از چیست؟ حضرات بعنوان علما و اندیشمندان این مقوله حتما بهتر از هرکس دیگری می‌دانید که امکان ندارد نتایج طرح‌های مبتنی بر نمونه‌گیری یکسان باشد. و معنی‌اش آن است که هر جفت این دو نهاد رسمی داده‌هایشان اگر چه یکی نیست و یکی هم نخواهد شد، قابل اعتماد است. فقط در یک صورت که سرشماری باشد و یک طرح یکبار اجرا شود، می‌تواند یکی باشند. والا اگر حتی سرشماری هم باشد و همزمان نباشد و مختلف بازهم قطعاً یکی نخواهد بود. بنابراین امکان ندارد این دو بدین ترتیب یکی شوند. طرح هزینه و درآمد را هم اگر اشاره کنم: مرکز آمار ایران ۴۲۹ شهر اما بانک مرکزی ۷۷۹ شهر. حال شما وارد جزئیات هم که شوید امکان دارد نتایج این دو یکی باشد؟! حالا این دو منتشر می‌شوند و در جامعه دو عدد می‌آید تشنگی و بلای بزرگ گریبان‌گیر می‌شود. پرواضح است که امکان ندارد نتیجه‌ها یکی باشند. پس باید مانند همه کشورهای دنیا مرجع و متولی آن مسئول اینکار باشد و نهادهای دیگر اگر احساس نیاز می‌کنند برای خود تولید کنند

و یا نگرانی از تحلیل‌های آماری ضعیف و عدم پاسخ‌عالمانه مرکز آمار گفت: هر چه به پایان سال نزدیک می‌شویم، هر چه به انتخابات سال آینده نزدیک می‌شویم سطح تحلیل‌ها و نکاتی که در سطح رسانه مطرح می‌شود واقعا نگران‌کننده است. من به عنوان یک طلبه اقتصاد وقتی این مجموعه تحلیل‌ها و نقد‌ها را می‌خوانم به حال مرکز آماری که با این همه دانشمند باسواد عالم شجاع، پاسخ‌عالمانه به این نقد‌ها نداده و نمی‌دهد غبطه می‌خورم.

در روزنامه‌ها تیتیر زده می‌شود که دولت ۸ سال، سال پایه را عقب کشیده است، که رشد اقتصادی ۴/۴ درصدی برای ۳ ماه بهار امسال نسبت به سه ماه بهار سال بعد اتفاق بیفتد. کسی که ۴ واحد اقتصاد کلان دوره لیسانس خوانده باشد می‌فهمد که این حرف بسیار حرف نسنجیده‌ای است ولی در رسانه مطرح می‌شود و ۱۰۰۰ نفر می‌بینند و عده‌ای هم باور می‌کنند که رشد اقتصادی بدون رشد اشتغال چگونه اتفاق افتاده است؟ رشد اقتصادی ۴/۴ درصد بهار امسال به بهار سال قبل منفی بوده است.

رشد بخش صنعت آنهم به صورت سرجمع که شامل صنعت ساخت، ساختمان، آب، برق و گاز، جمع رشد اشتغال این بخش آنهم به صورت سرجمع ۳/۴ درصد است و این‌ها آمارهای مرکز آمار است و کاملاً سازگار است و توقع نداشته باشیم که در اقتصادی که این همه ظرفیت خالی دارد رشد اقتصاد به اندازه رشد اشتغال داشته است.

در صنعت که وارد می‌شوید به قدم پایین‌تر از این سرخط اصلی بروید می‌بینید رشد بخش صنعت ۸/۸ درصد که اجزای آن نفت و گاز ۵۷ درصد صنعت ساخت ۴/۴ درصد، ساختمان منهای ۸/۸ درصد در مقابل رشد ۴/۴ درصدی بخش صنعت ساخت رشد اشتغال آن نیز ۲/۳ درصد است. پس بخش صنعت ساختمان هم رشد ۴/۴ درصدی دارد و هم رشد ۳/۴ درصدی داریم. می‌خواهم بگویم در تحلیل دیتا به هیچ وجه نباید تنها آن رقم‌نهایی و کلی را دید باید رفت سراغ سرگروه‌ها، گروه‌ها، اجزا، تا به تحلیل واقعی در اقتصاد برسیم. وی افزود: سه نوع تحلیل ما در حوزه آمار داریم یک تحلیل، تحلیل توصیفی است همین که مرکز آمار توضیح می‌داده است در حد آمار ی که جداول را ارائه می‌کند و هر استفاده‌ای هر که می‌خواهد بکند. دوم: تحلیل‌های تبیینی است با تفسیر دیتا، تفسیر نتایج آن برای جلوگیری از تفسیرهای غلط این وظیفه مرکز آمار ایران است، این اجزا سهمشان در این عدد چیست با چه فرآیندی به این عدد رسیدید

تفسیر صحیح آن چیست تفسیر غلط چیست؟ می‌گویید تورم آمده است پایین اما قیمت‌ها کاهش پیدا نکرده است در کجای علم اقتصاد کاهش کاهش تورم به معنای کاهش قیمت‌ها است با کاهش تورم کاهش قیمت‌ها کم شده است. ماشینی با سرعت ۱۴۰ کیلومتر داشته به سمتی می‌رفته حالا دارد با سرعت ۱۰۸ کیلومتر می‌رود. باید ببینیم که این تحلیل‌های در واقع مناسب برای عامه مخاطبین را چه کسی باید انجام دهد من فکر می‌کنم همان قدر که مرکز آمار وظیفه دارد و تمام قدر تمام ارکان مرکز آمار ایران باید به این موضوع حساس باشند دانشگاه و اساتید ما هم وظیفه دارند. خیلی فرق می‌کند که اساتید موجود یک تحلیل عالمانه داشته باشند یا یک کارمند مرکز آمار که خود تولیدکننده اطلاعات است. کسانی که مرجع هستند من فکر می‌کنم تکلیف دارند. این آمار مظلوم که به این شکل مورد همه جور تاخت و تاز، هر که هر جا کم می‌آورد آرخش می‌گوید احتمالاً آمار غلط تولید شده است من متادیتا‌های مرکز آمار را دیدم آقای دکتر مهران مدرس بر جسته ILO به دقت و بقیه اساتید چک کردند. حداقل تورم و بیکاری من به عنوان یک اقتصاد خواننده تحلیل کردم و اجزای آن را دیده‌ام. از هر حیث واقعا نمیشود عیب روی این‌ها گذاشت.

ما ان‌شالله در مرکز آمار این دوران گذار را با قدرت پیگیری می‌کنیم و امیدواریم به نحو احسن و شایسته این عمل را پشت سر بگذاریم و منتظر نظرات راهگشای عزیزان چه در این سمینار و چه بعد از آن هستیم همچنین تعامل فعال با محققین، دانشگاهیان و دانشجویان از طریق میکرو دیتای فراوانی که در مرکز آمار وجود دارد و اصلا دست اساتید نیامده داشته باشیم.

مرکز آمار انتظار دارد دانشگاهیان علاوه بر درس و پژوهش‌های علمی ناب که من هم در جریان آنها قرار دارم و می‌بینم، در این زمینه که غبار مظلومیت را از مرکز آمار برداریم. من واقعا از پرسنل مرکز آمار سالم‌تر، شجاع‌تر و عالم‌تر ندیدم. در مرکز آمار، آمار سفارشی نداریم. امکان ندارد رییس مرکز آماری جرات بکند از معاون خود آمار سفارشی بخواهد هر چند که مقام سیاسی دوست داشته باشد اما رییس مرکز آمار نمی‌تواند به معاون خود بگوید چون معاون نمی‌تواند به مدیر کل همچنین مدیر کل به کارشناس بگوید و آمار سفارشی بخواهد. پس در مرکز آمار امکان ندارد از بالا آمار ساخته شود چون تمام آمار مبتنی بر اطلاعاتی است که خیلی از آنها از پرسشنامه و سطوح پایین می‌آید و انجام می‌شود.

در پایان تقدیر و تشکر می‌کنم از کل عزیزان و همکاران خودم در مرکز آمار ایران و استانها، همچنین یادی بکنم از دکتر عادل آذر، کسی که این جرات و جسارت و ریسک‌پذیری ورود به سرشماری اینترنتی و همه طرح‌های مرکز آمار را با ایثار و از خودگذشتگی کارکنان و پرسنل مرکز آمار را ارائه دادند.

امیدوارم خروجی کل این سرشماری در مقایسه با کل سرشماری‌های قبلی داده‌های با کیفیت تری را ارائه بدهد و نظام آماری کشور به جایگاهی برسد که در همه‌ی کشورهای دنیا به عنوان یک قانونمندی توسعه اتفاق افتاده است. یکی از قانونمندی‌های توسعه ایجاد مراکز آماری بی‌طرف متخصص دارای اطلاعات فردی محرمانه است. اگر با فرآیند تولید در مرکز آمار ایران آشنا باشیم هشت فاز حدود چهار مرحله و فرآیند روی طرح انجام می‌شود تا به عددی برسد ولی ما فکر می‌کنیم این اعداد همینجوری ارائه می‌شود و به راحتی قابل تغییر است.

امیدوارم این تعامل با دانشگاه‌ها خیرات و برکات برای نظام آماری کشور و خود دانشگاه‌ها، مرکز آمار و عامه مردم و خشنودی مقام معظم رهبری به همراه داشته باشد.

برای توسعه به ترکیب زبده‌ای از بازار و برنامه نیاز داریم

حوزه‌های مختلف وارد رقابت شدند. از رقابت نرم افزاری هند گرفته تا رقابت کرده در حوزه‌های صنایع الکترونیک و یا صنایع اتومبیل‌سازی چین که بازارهای اروپا و آمریکا را تسخیر کرده است. همچنین معجزه اقتصادی برزیل که با یک دموکراسی قوی، مطمئن و پیشرو در عرصه‌های مختلف همراه است. وضعیت ما در واقع یک عقبگرد محسوب می‌شود. عقبگردی که ما را از کشورهای مشابه خود عقب تر رانده است. مثلاً اگر ایران در کشتی نام آور است و ما این نام آوری را از دست بدهیم؛ یک عقبگرد محسوب می‌شود هر چند که یکی دوتا مدال هم به دست بیاوریم. این موضوع هشدار است در این زمینه که نظام برنامه ریزی و سیاست گذاری ما بسیار ناکارآمد و از هم گسیخته است. در حالی که در کشور ما یک جنگ ایدئولوژیک مبتدل در مورد اینکه آیا بازار باید کاملاً حاکم باشد یا برنامه در جریان بوده و هست. به گونه‌ای که در دوره‌ای مانند اوایل انقلاب برنامه ریزی خلاف شرع شمرده می‌شد. چون توکل به خدا را مخدوش می‌کند و برنامه ریزی هم خلاف فطرت بشر است. در حالی که در کشورهایی که توسعه پیدا کردند، ترکیب زبده‌ای از بازار و برنامه به کار گرفته شده است.



کارایی: آیا شما برنامه ریزی را در معنای مقابله با هاشدگی در بازار و سرمایه‌داری عنان گسیخته به کار می‌برید؟
اطهاری: نه من در مقابل سرمایه‌داری به کار نمی‌برم. بلکه اعتقاد دارم بایستی ترکیب بازار و برنامه مد نظر باشد که یک ترکیب هم افزایش است.

کارایی: عدم اعتقاد به ترکیب برنامه و بازار می‌تواند منتج از یک طیف گسترده باشد؛ از مشکل ایدئولوژیک با بازار تا یک مشکل ایدئولوژیک با برنامه، یعنی می‌توانند دو سر یک طیف را در بر بگیرد؟

اطهاری: بله، برنامه و بازار را در تخالف با یکدیگر و دو طیف ایدئولوژیک مختلف فرض می‌کنند، مثل اینکه یا بایستی تسلیم بازار شد و یا تسلیم برنامه. آن‌هایی که می‌خواهند حرکت کنند و برکت را با حرکت می‌خواهند، این حرکت، سامان یافته و اصول آن پیدا شده است. این اصول انواع ترکیب‌های زبده از برنامه و بازار است. این ترکیب زبده می‌تواند هم ذیل حکومت کمونیست چین به دست آید و هم احزاب سوسیال دموکرات برزیل و هم حزب کنگره هند و یا حتی ذیل یک دیکتاتوری در کره جنوبی.

کارایی: یعنی همان چیزی که شما به آن می‌گویید بازار اجتماعی شده؟

اطهاری: در واقع یک نوع بازار اجتماعی شده است، واژه درستی را به کار می‌برید. البته بازار اجتماعی شده هم طیف‌هایی دارد. اوج بازار اجتماعی شده در کشورهای اسکاندیناوی دیده می‌شود و بازار است که به اصطلاح جبران شکست بازار را با برنامه ریزی انجام می‌دهد. در کشورهای توسعه یافته مثل کشورهای ما، برای اینکه تخصیص بهینه

کارایی: پرونده پیش رو در مورد اهمیت آمار و برنامه ریزی و به بهانه انجام سرشماری سراسری در کشور است. شما تأکید فراوانی بر برنامه ریزی برای دست یافتن به اهداف کلان در کشور دارید. من می‌خواهم اهمیت این موضوع روی یک بار دیگر از زبان خود شما و از مدخل سرشماری بشنوم.

اطهاری: ببینید ما در واقع در موقعیت کنونی خودمان داریم به کشورهای جهان چهارم نزدیک می‌شویم، این مساله به رغم منابع بسیار غنی و نیروی انسانی بسیار زبده و اراده بسیار قوی‌ای است که در ملت، وجود دارد، اما متأسفانه به نظر نمی‌رسد دولت چنین اراده‌ای برای توسعه داشته باشد. ما در دهه ۱۳۶۰ شمسی، مقارن با ۱۹۸۰ میلادی جزو کشورهای جهان سوم محسوب می‌شدیم اما انقلاب شکوهمند سال ۱۳۵۷، این نوید را می‌داد که با سرعت و استحکام بیشتر مسیر توسعه را بپیماییم اما در عمل روندی معکوس مشاهده شد، یعنی الان می‌بینیم که کشورهایی مانند کره جنوبی، چین، برزیل، هند و همه کشورهای مختلف در اقصی نقاط عالم پا به آستانه توسعه گذاشتند و جزو کشورهای تازه صنعتی محسوب می‌شوند، کشورهایی که بسیاری از آن‌ها در آغاز راه از ما عقب‌تر بودند. اما آنچه برای ما اتفاق افتاد آن بود که از واردکننده کشورهای به اصطلاح امپریالیستی، به واردکننده از کشورهای مذکور تبدیل شدیم. این کشورها در عرصه جهانی و در

منابع صورت بگیرد، حتماً بایستی از بازار استفاده شود. یعنی موضوع صرفاً موضوع عدالت اجتماعی نیست که البته خود از واجبات است البته بدون اینکه جامعه مرفه داشته باشید، اعتماد به دولت، نوآوری در جامعه ممکن نیست و توسعه درون‌زا هم محقق نمی‌شود چون بازار داخلی همانقدر اهمیت دارد که بازار خارجی. و اگر مردم فقیر باشند بازار داخلی آنقدر توان ندارد که توسعه را پشتیبانی کند، پس توسعه درون‌زا رخ نمی‌دهد. حتی اگر موضوع اجتماعی را هم به مثابه کرامت انسان کنار بگذاریم، برای اینکه تخصیص بهینه منابع صورت پذیرد، بایستی در مواردی که بازار کار نمی‌کند و بخش خصوصی چه داخلی و چه خارجی در آن حوزه‌ها عمل نمی‌کنند، برنامه‌ریزی شود و منابع تخصیص یابد تا آن فعالیت‌ها و امور زیربنایی و نوآوری‌ها تقویت شود و پیشرفت کند. چون بدون این فرایند، توسعه درون‌زا ممکن نمی‌شود. بدون اینکه بورژوازی زبده و نوآور وجود داشته باشد. بازاری که تشکیل شود، مثل بازار ایران شکل می‌گیرد و رانت خواری در آن رایج می‌گردد.

کارایی: یک جایی اشاره کردید که بورژوازی را از پنجره بیرون انداختیم و رانت‌های مبتنی بر فساد را از در وارد کرده‌ایم؟

اطهاری: وقتی که کارخانه ارج تعطیل می‌شود، به چه معنی است؟ کارخانه ارج در سال ۱۳۳۸ تاسیس شد وقتی که در جهان هنوز سامسونگ وجود نداشت در صورتی که تولید ارج، همان موقع با تولید کشورهای اروپایی برابری می‌کرد و حتی می‌توانست جایگزین آن‌ها شود. به خصوص در دهه ۵۰ در واقع می‌بینید که وقتی که ترکیب زبده‌ای از بازار وجود ندارد و به صورت سرگشته و با ایدئولوژی مبتدلی صرفاً در مورد مزایای بازار و بدون توجه به توسعه علم اقتصاد حرف می‌شود، حاصل، بابک زنجانی و یک سری افراد دیگر می‌شود که هنوز کشف نشده‌اند و اکثرشان پشت شعارهای انقلابی پنهان شده‌اند.

کارایی: شما چندبار در خلال فرمایش‌هایتان از واژه «ترکیب زبده بازار و برنامه» نام بردید. من اگر بخواهم که حضرت‌تعالی پنج شاخص عمده مورد نظر خود را برای این زدگی اطلاق بفرمائید، به چه مواردی اشاره خواهید کرد؟ مثلاً شاید یکی از این شاخص‌ها میزان و درجه دخالت در بازار یا سطح و گستردگی برنامه‌ریزی باشد که براساس یک اجماع عمومی بین نخبگان حکومتی تنظیم می‌گردد. منظورم چنین شاخص‌هایی است. شما دارید از کلمه زبده استفاده می‌کنید می‌تواند ناظر بر پختگی یا ناکارآمدی برنامه باشد و یا ناظر بر میزان بهره‌گیری از تجارب جهانی ممکن است در این زمینه بیشتر توضیح ارائه فرمایید.

اطهاری: ببینید هم برنامه و هم بازار باید مبتنی بر سازوکارهای دموکراتیک و شفاف باشند. وقتی می‌گوییم بازار، منظورمان یک نهاد رقابتی است. منظورمان جایی نیست که در آن مردم سر هم کلاه می‌گذارند. بازار نهاد رقابتی است که در آن اطلاعات شفاف می‌باشد. اطلاعات بسیار اهمیت دارد؛ حتی برای بازار، کسی که می‌خواهد در بازار شرکت کند و سرمایه‌گذاری کند، اگر اطلاعات کافی نداشته باشد، نمی‌داند چگونه باید سرمایه‌گذاری کند و دچار مشکل خواهد شد. مثلاً اینکه در خواست شفاف بودن اطلاعات بانکی باعث برآشفته شدن عده‌ای در داخل می‌شود چه معنایی دارد؟ امر یک مرتبه به یک آشوب سیاسی تبدیل می‌شود، در صورتی که این یک مساله واجب است. البته چنین فرایندی خلق الساعه محقق نمی‌شود بلکه باید نهاد‌های مربوطه ایجاد شود؛ همان‌طور که شفافیت در داخل لازم است، در عرصه رقابت بین‌المللی هم شفافیت مورد نیاز است. اگر نگاه برون‌نگر به اقتصاد داشته باشیم مجبور هستیم تا قواعد بین‌المللی را به اجرا درآوریم. شما نمی‌توانید در مسابقات جهانی فوتبال شرکت کنید ولی فیفا را قبول نداشته باشید. چنین چیزی ممکن نیست، نمی‌توانید شرکت کنید و شرکتتان نمی‌دهند. وقتی بازار شفاف نباشد، نهاد بازار نمی‌تواند

تخصیص بهینه منابع بدهد. موقعی این تخصیص صورت می‌گیرد، که شفافیت حاکم باشد. برنامه‌ریزی هم یعنی اینکه شما به جای این که صرفاً از قانونی که در بازار حاکم است و مبتنی بر سود و منفعت شخصی پیروی منفعت شخصی است تبعیت نمایند که حتی تحلیل‌های موخر، اقتصاددانان نئوکلاسیک، نیز موید این است که شکست بازار در مقولات مشخصی اجتناب‌ناپذیر است. به تخصیص بهینه منابع متوسل گردید. این امر در کجاها باید صورت بگیرد؟ آن جایی که نیاز مردم وجود دارد اما بازار نمی‌تواند آن نیاز را برآورده کند.

عرصه‌هایی مانند بهداشت و تامین اجتماعی. حتی در خود آمریکا هم بهداشت عمومی از طریق دولت محقق می‌گردد و یا مسکن که موضوع بسیار مهمی است و یا شبکه‌های زیربنایی به طور خلاصه در تمام زمینه‌هایی که در آن‌ها انحصار طبیعی وجود دارد، برنامه‌ریزی بایستی پررنگ‌تر شود در کشور کم‌آبی مثل ایران چند شرکت می‌تواند آب شرب را تامین کنند یا در مورد راه آهن که انحصار طبیعی دارد و نمی‌توان چند خط راه آهن داشت.

کارایی: تا جایی که من متوجه شدم، حرف شما این است که راه سعادت‌هندی و رستگاری داشتن ترکیب بهینه‌ای است از دست بردن و دست نبردن در بازار بسته به مقوله‌ای که با آن مواجه هستیم

اطهاری: البته همیشه هدایت بازار وجود دارد، در کشورهای غربی هم وجود دارد. هرسال یک جایزه نوبل به یک اقتصاددان تعلق می‌گیرد، چرا؟ برای اینکه این دست‌نمائی بازار یک افسانه است باید سیاست‌گذاری صورت پذیرد. اگر دست‌نمائی بازار، خودش عمل می‌کرد، چه نیازی بود به اقتصاددانان و یا چه نیازی بود که انقلاب کینزی صورت بگیرد. یک نوبل می‌دادند به وراثت آدم اسمیت و کار تمام می‌شد. بازار همیشه نیاز به سیاست‌گذاری دارد تعریف ایدئولوژی مبتدل از بازار یک افسانه است که یا از یک نوع شیفتگی انتزاعی ناشی می‌شود یا از منفعت‌جویی رانتی به گونه‌ای که هر زمان که ضرورت برنامه‌ریزی مطرح می‌شود به افراد اتهام طرفداری از کمونیسم زده می‌شود اگر به ریتم جایزه نوبل توجه شود می‌بینیم که گاهی به دو قطب مختلف جایزه داده می‌شود یکی که طرفدار اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی است و یکی هم انتخاب آزاد را توجیه می‌کند.

کارایی: آقای دکتر اگر من به عنوان یک شنونده و مخاطب قبول کنم که این ایده ترکیبی شما در عمل کارآمد خواهد بود، چه کسی تصمیم می‌گیرد که چه وزنی از آن به بازار تعلق بگیرد و چه وزنی به برنامه‌ریزی؟ آیا این امر احتمالاً تابعی است از شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی هر کشور؟ اگر چنین است، در این صورت قبول نمی‌کنید که این ایده ترکیب برنامه و بازار بسیار کلی‌گویانه و پیچیده است و تحقق آن در عمل دشوار است؟

اطهاری: نه به هیچ وجه، ما امور بسیار پیچیده‌ای را به ثمر رسانده‌ایم. این امر خیلی پیچیده‌تر و دورتر از پیشرفت‌هایی که در برنامه هسته‌ای داشتیم، نیست. چون کسانی که نگاه ایدئولوژیک دارند، در عین حال، نگاه سرکوبگرانه‌ای هم به مقولات علوم انسانی دارند و ما با مشکل مواجه می‌شویم در علوم پزشکی و تجربی که نمی‌شود بگویند که باید گزینشی عمل شود و یا صرفاً تحت نظارت عده‌ای قرار بگیرد. جراح خوب را ولو از چین آمده باشد بایستی قبول داشت ولی اگر مدل یک اقتصاد از برزیل بیاید همه شروع به ساز مخالف زدن می‌کنند. یک نماینده مجلس می‌گفت که این ایده مسکن اجتماعی متعلق به کشورهای اسکاندیناوی است و به درد ما نمی‌خورد. ببینید این امر چقدر حرف مبتدلی است. این ترکیب زبده جزو ذات همواره این کشور بوده است. همیشه در فلسفه، در عرفان، ایران این قابلیت را داشته است. فلسفه یونان را ما دوباره به اروپا شناساندیم، این که به اجماع رسیدن در خصوص این

به وسیله کمک‌های دولتی به وجود آمده است. بخش‌های پیشرو بدون وجود کمک دولتی ممکن نیست به وجود بیایند، ولی این امکانات که در کشور جهان سوم وجود ندارد، در نتیجه چنین پژوهش‌هایی حتماً باید با کمک دولت و حتی در شرکت‌های دولتی صورت بپذیرد.

این ترکیب و زبده‌گی دور از دسترس ما نیست و در خیلی از زمینه‌ها ایرانی‌ها و چه‌هایی که در المپیادها برنده می‌شوند و در عرصه اقتصاد هم در صورت حذف سرکوب می‌توانند کارهای ماندگار و عمیقی انجام دهند. نایستی نوآوری در عرصه علوم انسانی هزینه‌های بالایی اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

این مجموعه عواملی است که از همه لحاظ ما را در عرصه اقتصاد توسعه عقب‌مانده کرده است به گونه‌ای که حرفی برای جهان نداریم.

کارایی: یک مبحث قدیمی وجود دارد که آیا دموکراسی زیرساختی برای توسعه است؟ ظاهراً شما می‌گویید که رویه‌های دموکراتیک برای رها شدن از رانت و فساد که امنیت اقتصادی توده مردم و اقتصاد کشور را تهدید می‌کند، لازم و ضروری است؟

اطهار: کاملاً درست است. ببینید

انتخاب آگاهانه در همه عرصه‌ها امکان توسعه بشری را به وجود می‌آورد و معکوس آن تنزل به وجود می‌آورد

کارایی: آقای دکتر؛ اگر بخواهم تا به صورت صریح به من پاسخ بفرمایید که پیش‌بینی شما در خصوص دست یافتن به ترکیب زبده، در بازه زمانی میان مدت چیست؟ چه جوابی خواهید داد؟

اطهار: آن را صد درصد قابل حصول می‌دانم. نمونه‌هایی در دنیا وجود دارد. از زمان انقلاب فرهنگی در چین تا دوره آغاز اصلاحات، زمان چندانی سپری نشده است. یا مثلاً ۲۵ سال طول کشید صادرات ژاپن که از ۱ میلیارد به ۱۰۰ میلیارد برسد. این در کره جنوبی چیزی حدود ۱۶ سال طول کشید. پس دستیابی به آن ترکیب زبده کاملاً قابل حصول است.

کارایی: پس در نهایت شما امیدوارید؟

اطهار: بله، یک سری زمینه‌ها فراهم است و الان منابعی وجود دارد که قبلاً وجود نداشته است. پیش از انقلاب وقتی می‌خواستید یک کارخانه ذوب آهن راه اندازی کنید، شاه مجبور بود به شوروی مراجعه کند. الان شما هر قدر کارخانه ذوب آهن بخواهید، می‌توانید به راحتی راه اندازی کنید. نه تنها ذوب آهن بلکه هر کارخانه دیگری. مثلاً اتومبیل سازی. این است که زمینه فراهم است و جهانی شدن سرمایه هم در عین حال که یک فرصت است، یک تهدید نیز محسوب می‌شود. یعنی می‌توانید با زندگی از آن استفاده کنید. هم زمینه عینی و هم زمینه ذهنی ورود به توسعه فراهم است؛ اما اگر اراده نداشته باشید به سمت کشورهایی می‌روید که گرفتار جنگ داخلی شده‌اند. ما الان هم یکی دو دهه را از دست داده‌ایم و به نظرم بایستی خیلی جدی از، از دست رفتن زمان جلوگیری کرد.



بازار اجتماعی شده هم طیف‌هایی دارد. اوج بازار اجتماعی شده در کشورهای اسکانندیناوی دیده می‌شود و بازار بست که به اصطلاح جبران شکست بازار را با برنامه ریزی انجام می‌دهد. در کشورهای توسعه یافته مثل کشورهای ما، برای اینکه تخصیص بهینه منابع صورت بگیرد، حتماً بایستی از بازار استفاده شود. یعنی موضوع صرفاً موضوع عدالت اجتماعی نیست که البته خود از واجبات است البته بدون اینکه جامعه مرفه داشته باشید، اعتماد به دولت، نوآوری در جامعه ممکن نیست و توسعه درون‌زا هم محقق نمی‌شود چون بازار داخلی همانقدر اهمیت دارد که بازار خارجی.

ترکیب دشوار است و فقط از عهده مالزی و کره جنوبی برمی‌آید و از عهده ایرانی‌ها بر نمی‌آید، از حرف‌هایی است که برخی روشنفکران و شبه روشنفکرانی می‌زنند که به رانت عادت کرده‌اند و حتی دارند برای اثبات عدم توانایی ایرانیان کتاب هم می‌نویسند. دو دسته روی عبارت «ما ایرانیان» صحبت می‌کنند؛ یکی آن افرادی هستند که در خارج زندگی می‌کنند و فکر می‌کنند اگر چنین حرف‌هایی بزنند ایرانی‌ها را جذب خود می‌کنند و یک عده هم برای این که حاکمیت رانتی خود را حفظ بکنند، اظهارنظرهایی از این دست طرح می‌کنند که ما ایرانی‌ها آدم‌های باهوشی نیستیم و تنبلیم.

به نظر من این امر کاملاً قابل تحقق است. اما تا زمانی که انجمن‌های مدنی آزاد نیستند، دانشگاه‌ها از لحاظ پژوهشی در حوزه علوم انسانی آزاد نیستند و زیر فشار هستند و تا زمانی که عنوان می‌شود که علوم انسانی فرآورده‌ای غربی است و نوآوران این عرصه تحت فشار و بی‌توجهی قرار دارند، تحقیق این مساله دشوار است. جالب است که صرفاً حقوق معنوی اختراعات به رسمیت شناخته می‌شود و ایده‌های خلاقانه در زمینه علوم انسانی، از یک طرف سرکوب می‌شوند و از یک طرف جزو حقوق معنوی محسوب نمی‌شوند.

کارایی: آقای دکتر اما برنامه‌ای که شما از آن سخن می‌گویید دو سر دارد. حتی بحث‌هایی در گرفته است که بسیاری از گرفتاری‌هایی که دامان ما را گرفته است، به واسطه برخی برنامه‌ریزی‌های پیشین بوده است. آیا نایستی متغییرهای دیگری را نیز وارد این عرصه کرد، مثل شاخص‌های حکمرانی خوب؟

اطهار: بله می‌توان گفت که چنگیزخان هم برنامه‌ای داشته است. ولی خب به آن برنامه‌ریزی نمی‌گویند

کارایی: منظورم یک عامل پیشا برنامه و پیشا بازار است؛ مثلاً یک اراده خیر خواهانه.

اطهار: بله، در واقع آن چیزی که شما می‌گویید، این است که ما نیازمند پایه‌های توسعه و نظریه‌های مربوط به آن هستیم. دانشگاه‌های ما با خارج ارتباط ندارد. مجامع مختلف ایدئولوژیک در ایران برپا می‌شود. اما چرا جلوی گفتمان اقتصاددانان توسعه بیایند و برقراری ارتباط با آن‌ها گرفته می‌شود؟ اخیراً دیدم دیوید هاروی را دعوت کرده‌اند. خیلی خوب است ولی او اقتصاددان توسعه نیست. او یک نقاد تاریخی سرمایه داری است. به نظرم می‌خواهند با استناد به نظریات وی رانت خواری خود را توجیه کنند او را به برج میلاد می‌برند تا ملت نسبت به رانت خواری خو پیدا کند. کتاب معروف دیوید هاروی که «شهری شدن سرمایه» است، اما در ایران فضا به گونه‌ای سامان پیدا کرده که رانت با تولید در بازار یکی بشود. در صورتی که او در کتابش فضایی را که در آن سرمایه تولید و بازتولید می‌شود، را نقد می‌کند. وی در کتاب خود، موسسات پژوهشی و ساماندهی وقت فراغت را جز اصول تولید و بازتولید بر می‌شمرد. که همه می‌توانند نوآوری ایجاد کنند. بخش‌های مرتبط با نوآوری و تقویت بخش‌های پیشرو اقتصاد در تمام جهان، ابتدا

برنامه ریزی، عصر حیاتی نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد



محمد علی ساجدی
کارشناس ارشد برنامه ریزی و بودجه

بودجه به مفهوم یک پیش بینی از دخل و خرج خانوارها، بنگاه ها، سازمانها و حکومت ها سابقه چند هزار ساله دارد.

بودجه بندی در ایران نیز سابقه دیرینه داشته اما به طور طبیعی، نحوه نگرش و ساختار و شیوه ی تهیه آن علاوه بر ترکیب و محتوی آن، با مرور زمان دگرگونی هایی به خود گرفته است، که به طور خلاصه به برخی از نقاط عطف آن در تاریخ بودجه ایران (در قالب سه دوره از ایران باستان تا سلجوقیان، از زمان سلجوقیان تا انقلاب مشروطه، از زمان مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، و نیز سایر کشورهای پیشرو در این زمینه اشاره می گردد:

دوره اول: از ایران باستان تا سلجوقیان

*- زمان هخامنشیان

در ایران باستان در زمان کمبوجیه از (۵۲۹-۵۲۲ ق.م) و در دوره هخامنشیان تا زمان کوروش (۵۵۹-۵۲۹ ق.م) مالیات معمول نبوده است اما به قول هرودت در زمان این پادشاهان دیوانی برای تنظیم مالیات ها و هزینه ها تشکیل و مخارج عمومی بیشتر به هزینه های شخصی شاه و دربار و نگهداری سپاه مربوط میشد. «کوروش عقیده داشت شبانگه باید به این فکر بود که صبحگاهان چکار کنیم و چون روز فرسید باید به این اندیشه باشیم که شب را چگونه صبح کنیم».

در زمان داریوش کبیر که در مملکت داری و امور نظامی نبوغ خارق العاده ای داشت برای وصول مالیات، مملکت را به ۲۰ قسمت تقسیم کرده بود که به هر یک از آنها ساتراپ گفته میشد، در راس هر یک از آنها یک نفر آریائی نژاد که در واقع حاکم آن قسمت محسوب میشد گمارده میشد و برای وصول مالیات تحقیق میکرد تا به کسی ظلم نشود در آن زمان مالیات، به صورت توزیعی معمول بود.

*- زمان اسکندر مقدونی

در این زمان عایدات خزانه را تنها درآمد سالیانه اراضی تشکیل نمی داد بلکه انواع عوارض و مالیات های دیگر تحت عنوان کلنی (شامی) از مردم اخذ میشد که مالیات تاج، مالیات نمک و سرانه از آن جمله بود. علاوه بر آن عوارض گمرکی و مالیات معاملات و مالیات از بردگان اخذ می گردید.

*- در زمان اشکانیان

در زمان اشکانیان دو نوع مالیات به نام «اوبازی» و «پاتی باژ» وجود داشته است. پاتی باژ: خراجی بود به سود شاه که به شکل جنسی جمع آوری میشد. اوبازی: در واقع ممیز کل املاک دولتی در زمین های شاهی بوده و مالیات جمع آوری شده را ثبت می کرد.

*- دوره ساسانیان

در دوره ساسانیان چند نوع مالیات از جمله مالیات اراضی (بستگی به حاصل خیزی اراضی) در یافت میشد. همزمان با قرون وسطی یزدگرد اول حکومت میکرد و همه نوع مالیات اخذ میشد از اواخر دوره ساسانیان فشار مالیاتی بر مردم زیاد شد شاپور فرزند اردشیر به فرزند خود وصیت کرد که استواری کار تو به سرشار بودن مالیات و سرشار بودن مالیات، بستگی به آبادانی و مملکت دارد و مالیات سرانه (گزیت) یک منبع درآمد دیگر ساسانیان بود (هدایای نوروژی و مهرگانی) که در اعیاد و جشن ها حکام ولایات آن را جمع کرده و به مرکز می فرستادند.

دوره دوم: سلجوقیان تا انقلاب مشروطه

*- دوره سلجوقیان

در دوره سلجوقیان، عبدالملک کندی وزیر طغرل دستور داد تا بودجه یکساله برای کشور تنظیم شود اما اصلاحات بزرگ مالی و اقتصادی سلجوقیان در زمان وزارت خواجه نظام الملک به عمل آمد در زمان سلطان سنجر چند دفتر به دفاتر ایرانی افزوده شد و دفتر خرج از دفتر مداخل جدا شد و دو دیوان جدا با دو دفتر و

بودجه بندی جدا برای هزینه و درآمدها بوجود آمد.

*- زمان اسلام

از اواخر دوره ساسانیان اسلام در ایران استیلا یافت در زمان اسلام علاوه بر عوارض راهداری و گمرک، عوارض بر تجارت داخلی و خارجی وجود داشته است همچنین خمس، زکات و جزیه و خراج هم معمول بود.

جرج جردان نویسنده مسیحی لبنانی معتقد است در دوره اسلام، علی (ع) اولین کسی بود که امور بیت المال را بصورت قانونی در آورد.

پس از دوره استیلای مغول به تدریج مردم با تمدن ایرانی آشنا شدند و اولین اثر ارزنده راجع به مالیات و عواید و مصرف، تالیف بی نظیر نصیر الدین طوسی در زمان هلاکو است در این اثر، اصول اساسی علم مالیه که در قرن ۱۸ توسط علمای اقتصاد تقریر شد، در قرن ۷، (۱۳۷۸ میلادی) به طرز ساده در کتاب مذکور وجود داشت.

*- در زمان صفویه

در دوره صفویه، وصول درآمدها و اجازه خرج آن به عهده وزیر اعظم یا اعتمادالدوله بود در این دوران نظام های منظم ایجاد شد مالیات عبارت بودند از اوراچه یعنی مالیات بر اراضی چوپانگی، سرانه هنود و جهود و ارامنه (از هر یک از افراد هندی، یهودی، ارمنی سالی یک مثقال طلا به عنوان مالیات سرانه وصول میشد) همچنین درآمدهای راهداری و مالیات بر تجارت تنباکو، حقوق گمرکی در بنادر خلیج فارس بر حسب ۱۰ درصد ارزش بهای اجناس.

در زمان شاه عباس درآمدهای دولت ۷۸۶۷۱۸ تومان و مخارج ۵۰۷۴۰۰ تومان بود. شاه عباس نخستین پادشاهی بود که عمران را وظیفه ای برای حکومت قرار داد و دفاتر مرکزی مالیه را مرتب کرد و در هر ولایتی نیز دفتری مشابه ایجاد کرد، بودجه متمرکز را وضع و از خودمختاری مختلف در امور مالی جلو گیری کرد. از جمله آثار باقیمانده از ایجاد زیر ساخت های بازرگانی و تجاری احداث ۹۹۹ کاروانسرای شاه عباس در جای جای کشور میباشد

*- در زمان قاجاریه:

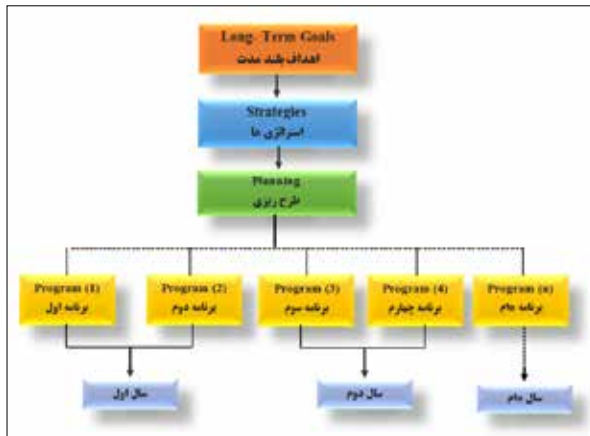
در زمان قاجاریه قبل از مشروطیت، مالیه ایران بصورت غیر متمرکز اداره میشد به این ترتیب که برای هر یک از ایالات و ولایات، کتاب یا دستور العمل (بودجه جمع و خرج)، توسط مستوفی مربوطه (وزیر دارایی فعلی) در مرکز تهیه و پس از تصویب مقامات دولتی و امضا شاه به صورت مقطوع به حاکم محل ابلاغ میگردد.

نخستین تلاش جهت سامان دادن به مالیه ایران در دوره صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر صورت گرفت که نظام مالیاتی مبتنی بر ضابطه را برقرار و برای جمع آوری درآمدهای دولت، نگهداری خزانه و محدود کردن هزینه های زاید دربار، گام های بلند و مهمی را برداشت. بودجه متوازن امیرکبیر از محل مالیات گمرکی، قانون استیفا (مالیات اراضی در آن دوره) و قانون کسب (۱۰ درصد درآمد اصناف) قانون مستغلات (مالیات اجاره داری) بوده است (۱۲۹۹ شمسی). او سازمان جدیدی را برای امور کشور تحت عنوان تمرکز حساب ها و وصول مالیات به وجود آورد ۶ حوزه مالیاتی در سراسر کشور ایجاد کرد که زیر نظر یک مستوفی اداره میشد و مستوفی الممالک با اختیارات وزیر دارایی (خزانه داری کل) به تنظیم امور مالی همت گماشت. مستوفان در نزد هر یک از حکام ایالات، مأموریت تام الاختیار داشتند که به خرج و درآمدهای آنها رسیدگی میکردند و سرانجام دفتر توزیع بودجه را به مرکز میفرستادند. امیر کبیر تیول دارایی (بخشش خالصه جات) را محدود ساخت، مستمریها را قطع کرد و گمرک را از اجاره اشخاص خارج کرد. وزیر نظر مستقیم دولت قرار داد و شبلیات بحر خزر را از اجاره روس ها خارج و به ایرانیان سپرده و رقم بزرگی از این طریق به درآمد بودجه کشور افزود.

دوره سوم: دوره مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی

شکل گیری بودجه به معنای امروزی در ایران با استقرار مشروطه و با تفکیک

در PPBS، ابتدا اهداف بلند مدت تعیین، سپس استراتژی های مناسب در جهت دستیابی به اهداف طراحی و در نهایت طرح ریزی برنامه هایی که باید انجام شوند مشخص می گردند، به این ترتیب سالانه و یا برای دوره ای بیشتر از یک سال، در خصوص برنامه هایی که باید اجرایی شوند بودجه در نظر گرفته می شود، بنابراین در هر دوره یا سال قابل بررسی خواهد بود که کدام برنامه در چارچوب کدام طرح جهت اجرای کدام استراتژی و به منظور دستیابی به کدام هدف بلند مدت در دست اجرا است. فرایند بودجه ریزی به روش PPBS به صورت نمایه زیر خواهد بود.



بودجه ریزی به روش PPBS

نظام PPBS نسبت به بودجه ریزی افزایشی که در آن ارقام بودجه هر سال با درصدی افزایشی برای سال بعد مورد استفاده قرار می گیرد، یک سیستم پیشرفته محسوب می شود زیرا تعیین بودجه در هر سطح، دقیقاً بر مبنای نیاز تعریف شده از طرح ریزی از سطوح بالاتر انجام می شود.

به رغم نقاط قوت روش PPBS، این شیوه از بودجه ریزی به دلایلی، همچون وقت گیری و ضرورت بازنگری سالانه، وجود فناوری برای تحلیل داده های پیچیده و بسیار بزرگ، مورد استقبال قرار نگرفت ولی به دلیل ضرورت افزایش و ارتقای کارایی در تخصیص منابع، روش دیگری از بودجه ریزی با عنوان بودجه ریزی بر مبنای صفر (ZBB) از اوایل دهه ۱۹۷۰ مطرح شد.

در این روش که در جهت رفع نقاط ضعف بودجه ریزی افزایشی طراحی شده است، تعیین بودجه برای هر برنامه بدون توجه به رقم تصویبی سال قبل انجام می شود، به طوری که در هر سال، ابتدا بودجه برنامه ها صفر تلقی می شود، تا پس از بررسی لازم، اثبات شود که در سال مورد نظر، سهم اجرای هر یک از برنامه ها، نیازمند انجام فعالیت های جدید و بودجه مناسب خواهد بود؟

این شیوه بودجه ریزی نیز عملاً به دلیل اینکه هر سال باید بودجه درخواستی همه سازمانهای مربوطه مجدداً بررسی و بر اساس فعالیت های ضروری و تأکید شده از نو محاسبه شوند، روش دشوار و نیازمند زمان و همچنین فعالیت های متعدد و تکراری بود، از این رو با وجود دقت و شفافیت کافی، جهت استمرار با استقبال مواجه نشد.

روش دیگر بودجه ریزی که از اواسط دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت بودجه ریزی غلطان یا منعطف (RB) بود. این روش که پس از نخستین شوک نفتی ناشی از جنگ مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ و نابسامانی فعالیت اقتصادی کشورهای صنعتی استفاده شد، این امکان را فراهم می کرد که در شرایط عدم اطمینان از درآمدها، تخصیص منابع بر حسب اولویت هزینه ها انجام شود. در این شیوه ابتدا هزینه های مورد نیاز به یکی از برنامه ها بر اساس میزان ضرورت در اولویت فعالیت ها طبقه بندی شده تا با توجه به حصول در آمد، به ترتیب اولویت به یکی از هزینه ها، تخصیص یابد.

مجدداً بودجه ریزی عملیاتی (PB) که در اواسط قرن بیستم پیشنهاد شده بود ولی به دلیل صعوبت در اجرا به ویژه در اندازه گیری نتایج، از استقبال گسترده ای برخوردار نشده بود، با اصلاحات و نوآوری هایی، تحت عنوان بودجه ریزی بر مبنای عملکرد (PBB) از سال ۱۹۹۷ در دستور کار گرفته و به عنوان بودجه

قوای سه ساله و جدا شدن دولت و دربار بوده است. در این دوره علاوه بر تنظیم بودجه، به اصل نظارت بر بودجه نیز توجه شده اما مانند گذشته، نقش بودجه در نظام اقتصادی تا حدود زیادی نادیده گرفته می شد.

اسناد قانونی موجود در کشور، نشان می دهد که نخستین بودجه در ایران پس از انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس به تصویب رسیده است. اولین بودجه به مفهوم امروزی را مرحوم صنایع الدوله هدایت، وزیر مالیه وقت در سال ۱۲۸۹ تهیه نموده است در این بودجه که با رعایت کامل اصل شمولیت تهیه شده بود جمع کل بودجه مملکت به تفکیک ۸ وزارتخانه بالغ بر ۱۴۵۱۸۵۲۴۰ قران بود.

بودجه ریزی در ایران تا سال ۱۳۱۰ بر حسب قران و دینار بوده ولی از سال ۱۳۱۱ واحد پول در بودجه به ریال تبدیل شده است از سال ۱۳۲۷ برای نخستین بار، درآمدها در قانون بودجه به دو گروه درآمدهای عمومی و درآمدهای اختصاصی تفکیک شده است.

هر چند تحولات بودجه ریزی طی ۱۰۰ سال گذشته در ایران ادامه داشته و به سمت اصلاح ساختار پیش رفته است لیکن، همواره روش سنتی و روند افزایشی در آن مورد عمل بوده است.

به رغم الزام های قانونی در تبصره ۴۸ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ و تأکیدهای انجام شده در ماده ۱۳۸ قانون برنامه چهارم توسعه و بندهای ۳۲ و ۳۳ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه و ماده ۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه، مبنی بر استفاده از بودجه ریزی عملیاتی و تلاش های دیگر انجام شده، به دلیل فرآیند پیچیده آن، همچنان روش بودجه ریزی در ایران و سازمان ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی، با بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، فاصله زیادی دارد.

نگرشی بر نظام بودجه ریزی در سایر کشورهای پیشرو در این زمینه نیز نشان می دهد این موضوع هم زمان با شکل گیری نظام های پارلمانی و ضرورت نظارت بر عملکرد مالی دولت ها، از دهه ۱۷۳۰ در انگلستان رواج یافته است.

بودجه ریزی تا اوایل قرن بیستم نوعاً با روش سنتی (TB) و به صورت سندی از اجزای درآمدها و هزینه ها بود که از سوی دولت، برای یکسال مالی تهیه و در پارلمان به تصویب میرسد. از شاخص های مهم این شیوه از بودجه ریزی رعایت اصل وحدت، سالیانه بودن، تعادل، جامعیت و کنترل بود.

نخستین تحول در بودجه ریزی از سال ۱۹۰۷ با استفاده از روش «بودجه ریزی برنامه ای» شکل گرفت، در این سال اداره تحقیقات شهر نیویورک، از روش جدیدی در بودجه ریزی استفاده کرد که در آن، هزینه ها بر حسب نوع در قالب برنامه، دسته بندی می شدند.

از اوایل دهه ۱۹۲۰ بودجه ریزی برنامه ای نه تنها در بخش دولتی، بلکه در بخش خصوصی نیز مورد توجه قرار گرفت به طوری که ابتدا شرکت دوپونت و سپس شرکت جنرال موتور در سال ۱۹۲۴ از روش بودجه ریزی برنامه ای استفاده کردند. این روش بودجه ریزی در سال ۱۹۳۰ در وزارت کشاورزی آمریکا و سپس در دهه ۱۹۴۰ در زمینه های نظامی نیز متداول شد و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه داشت.

در سال ۱۹۴۹ به پیشنهاد کمیسیون هور، روش بودجه ریزی عملیاتی به عنوان روش جدیدی از بودجه ریزی با هدف ارتقاء کارایی به همه بخش ها توصیه گردید. امتیاز روش بودجه ریزی عملیاتی نسبت به روش بودجه ریزی برنامه ای این بود که ابتدا بر اساس اهداف سالیانه سازمان، وظایف واحدهای مختلف آن مشخص و سپس پروژه هایی که هر واحدهای سازمانی باید در راستای ایفای وظیفه خود انجام دهد تعریف می شد و برای پروژه نیز بودجه فعالیت های لازم به تفکیک تعیین می گردید.

بودجه ریزی در این روش، به مراتب از روش «بودجه ریزی برنامه ای» که در آن صرفاً هزینه های مشابه در قالب برنامه طبقه بندی میشوند دقیق تر بود. از این رو، روش بودجه ریزی عملیاتی به نوعی تکامل یافته بودجه ریزی برنامه ای محسوب میشد به همین دلیل روش بودجه ریزی عملیاتی مجدداً در سال ۱۹۵۵ از سوی کمیسیون دوم هور مورد تأکید قرار گرفت. با وجود امتیازات این شیوه بودجه ریزی به دلیل صعوبت در اجرا، بودجه ریزی برنامه ای همچنان کاربرد داشت.

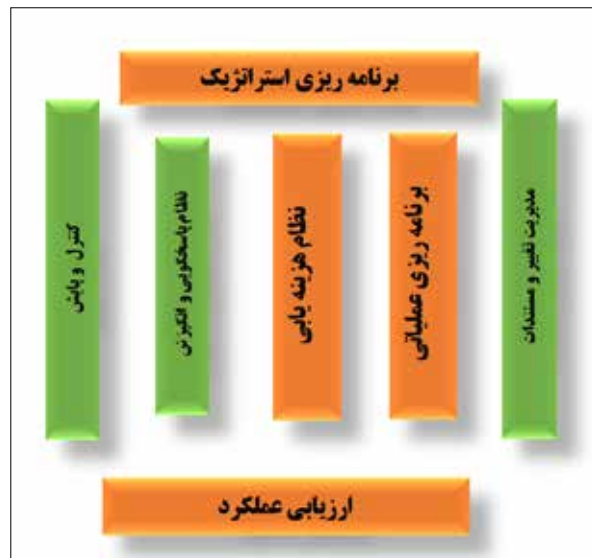
در اواسط دهه ۱۹۶۰، روش کامل تری نسبت به بودجه ریزی برنامه ای مورد توجه قرار گرفت این روش با عنوان نظام طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه ریزی PPBS مطرح شد.

ریزی مطلوب در اغلب کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تعمیم یافت.

عمده ترین عامل ناکامی نظام های یاد شده و سیر تکاملی شیوه های مذکور، توجه به این موضوع اساسی است که فرایند تغییر نظام بودجه ریزی در کنار سایر عوامل جانبی دیگر، یک فرایند تدریجی و گام به گام است نه یک فرایند دفعی و گسترده، و توفیق در پیوند منابع و عملکرد مورد انتظار، نیازمند عنایت به این عنصر حیاتی در حوزه مدیریت تغییر خواهد بود.

بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، سیستمی از بودجه ریزی است که ارائه دهنده منابع مورد نیاز، برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت می باشد. در این سیستم، هزینه برنامه ها و فعالیت های مرتبط پیشنهاد شده برای دستیابی به اهداف، ستانده ها و خدماتی است که، در لوای هر برنامه باید تولید یا ارائه گردد. به عبارت دیگر، بودجه ریزی بر مبنای عملکرد یک نظام بودجه ریزی است که به طور مطلوب، برنامه ها را به نتایج پیوند می دهد. یعنی برنامه عملکرد سالانه به همراه بودجه سالانه است، که رابطه میان میزان وجوه تخصیص یافته با هر برنامه (منتج از اهداف راهبردی) با نتایج به دست آمده از اجرای آن برنامه را نشان می دهد. لذا ویژگی های کلیدی نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، تلفیق اهداف نظام مدیریت بودجه با پاسخگویی است این بدان معناست که میزان مشخصی از مخارج انجام شده در چار چوب هر برنامه باید مجموعه معینی از اهداف را تأمین کند.

شاکله اصلی نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، بر اساس نظرایه شده توسط دکتر عادل و دکتر کریم بیات از اساتید محترم دانشگاه تربیت مدرس، از سه جزء اصلی مشتمل بر «نظام هزینه یابی»، «نظام هزینه یابی» و «ارزیابی عملکرد» تشکیل شده است که جزء برنامه ریزی آن به دو بخش، برنامه ریزی استراتژیک و برنامه ریزی عملیاتی تفکیک می گردد. دیگر اجزای آن شامل «مدیریت تغییر و مستندات»، «نظام پاسخگویی و انگیزش» و «کنترل و پایش» است، که به شرح زیر و به اختصار، بیان می گردد:



مدل بودجه ریزی بر مبنای عملکرد

برنامه ریزی:

برنامه ریزی مهمترین عامل نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد می باشد، برنامه مجموعه ای از فعالیت ها یا پروژه ها (طرح ها)، تحت نظارت دستگاه یا واحد اجرایی خاص است که با استفاده از منابع موجود به دستیابی اهداف کمک می کند.

برنامه ریزی شامل انتخاب «ماموریت»، «اهداف» و برنامه ها، یا اقدامات رسیدن به آنها است. به عبارت دیگر، برنامه ریزی فاصله جایی که ما قرار داریم تا آنجایی که قصد داریم به آن برسیم را مشخص می کند. هر چند به ندرت می توان آنچه در آینده رخ می دهد را کنترل کرد، اما می توان با برنامه ریزی، آینده را پیش بینی

کرد. لذا می توان گفت که، برنامه ریزی عبارت است از پیش بینی فردا یا آینده در امروز، که سبب مدیریت و وحدت هدف در سازمان ها و خرده سیستم های می شود.

وقتی برنامه ریزی انجام می شود که مدیران:

- چشم انداز و ماموریت سازمان را تعریف نمایند.

- فرصت ها را شناسایی و تجزیه و تحلیل کنند.

- اهداف و خواسته های رسیدن به آن را تعیین نمایند.

- برای رسیدن به اهداف، عملیات اجرایی آن را شناسایی، تجزیه و تحلیل و انتخاب کنند.

- منابع مورد نیاز را جهت رسیدن به هدف مشخص نمایند.

در واقع حاصل و نتیجه برنامه ریزی در سازمان، تدوین «برنامه اجرایی» است، برنامه را می توان از منظرهای مختلف از جمله عنوان، زمان، وسعت و نحوه استفاده، تقسیم بندی کرد یعنی برنامه، برای مقاصد متنوعی تنظیم می شوند و فراخور هر وضعیت به گونه متناسب با آن شکل میگیرند.

فرایند برنامه ریزی در این مدل به برنامه ریزی استراتژیک و برنامه های عملیاتی تقسیم شده است. برنامه ریزی استراتژیک شامل اهداف کلان، استراتژی های دستیابی به آنها می گردد. به عبارت دیگر، برنامه ریزی استراتژیک یک تصویر بزرگ از برنامه کلی سازمان، و صحنه ای از چگونگی رسیدن به اهداف کلان و اهداف قابل سنجش را ترسیم می کند. برنامه ریزی عملیاتی در برگیرنده اهداف اختصاصی (قابل سنجش)، برنامه های اجرایی (دوره ای) است. برنامه های سالانه شامل مجموعه ای از فعالیت ها یا پروژه هایی است که به منظور دستیابی به اهداف، با استفاده از منابع موجود، محصولات و خدمات را ارائه می کنند. اهداف عملیاتی هر برنامه باید قابل برآورد باشد. بر این اساس بودجه ریزی و حسابداری باید به نحوی انجام گیرد که هزینه ها و درآمدهای هر برنامه برای تصمیم گیرندگان مشخص باشد.

برخی برنامه های یکبار مورد استفاده قرار میگیرند در حالی که برخی دیگر به طور مستمر در هر سال تکرار می شوند. برنامه های موقت یا تک کاربردی برای برآورده کردن نیاز در یک وضعیت منحصر به فرد و ویژه می باشد و به آنها «برنامه های توسعه ای» گفته می شود. در مقابل برنامه های مستمر و یا ثابت همیشه در جریان هستند، این گونه برنامه ها سیاست عملیات تکراری را در سازمان فراهم می کند به اینگونه برنامه ها، برنامه های جاری گفته می شود.

هزینه یابی:

دومین جزء نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، هزینه یابی است. روش های متنوعی برای هزینه یابی یا محاسبه قیمت تمام شده محصولات یا خدمات وجود دارد عمده ترین روش های محاسبه بهای تمام شده عبارتند از «حسابداری صنعتی»، «کار سنجی»، «زمان سنجی»، «هزینه یابی بر مبنای فعالیت» است. روش حسابداری صنعتی، شاخه ای از حسابداری است که وظیفه آن شناخت، جمع آوری، پردازش و گزارش گیری اطلاعات مربوط به عوامل بهای تمام شده و محاسبه محصولات و خدمات و همچنین ارائه روش های تقلیل بهای تمام شده تولید از طریق تجزیه و تحلیل گزارش های می باشد.

«روش کار سنجی، زمان سنجی»، برای برآورد هزینه های اداری و پرسنلی بسیاری از سازمان ها و موسسات توصیه شده است. این روش فقط با یکی از عناصر هزینه، یعنی تعداد زمان مصروفه برای تکمیل یک واحد کار، ارتباط دارد و سایر عناصر هزینه از قبیل مواد، وسایل و هزینه استهلاک در نظر گرفته نمی شوند.

هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، یکی از سیستم های جدید هزینه یابی است که می تواند به صورت جداگانه و یا همراه با سایر سیستم های هزینه یابی به کار گرفته شود. از ویژگی های مهم این روش، که آن را از سایر سیستم ها متمایز می سازد، توجه به پدیده های مهم و اثرات تکنولوژی حاکم بر فعالیت های سازمانهای امروزی است و تا حد ممکن با بکارگیری روش های مناسب، این اثرات را به صورت کمی ارائه می دهد. این سیستم در مقایسه با سیستم های سنتی هزینه یابی به دلیل استفاده از مبنای سیستم هزینه متناسب با هر فعالیت، به راحتی قادر به محاسبه و سنجش تاثیر روش های نوین در محاسبه بهای تمام خدمات می باشد. علاوه بر این، سیستم هزینه یابی مبتنی بر فعالیت فلسفه نوین مدیران، که ارائه خدمات بهتر توأم با هزینه پایین تر می باشد را مد نظر قرار می دهد. این سیستم ها بر مبنای مدلسازی هزینه ای است، که مخارج غیر مستقیم و مستقیم سازمان را تا

کشف دانش مفید سازمانی تعریف کرد.

از سوی دیگر، شرایط رقابتی سبب شده است که سازمان ها به دنبال تدوین استراتژی های رقابتی اثربخش و مناسب و نیز تصمیمات عملیاتی باشند. از کلیدهای رقابتی و سودآور بودن، داشتن یک سیستم کنترلی و پایش بر پایه اطلاعاتی که نمای دقیقی از بهای فعالیت ها، محصولات و خدمات ارائه دهد. با توجه به مطالب یاد شده، کنترل و پایش به عنوان یکی از عناصر مکمل در مدل بودجه ریزی بر مبنای عملکرد در سازمانها و موسسات خدماتی تعریف می گردد در این مدل گزارش های مدیریتی، از جمله بهای تمام شده هر یک از فعالیت ها، محصولات و خدمات، برنامه ها و اهداف را به مدیران سازمان ارائه می دهد و به مدیران این اجازه را می دهد تا بتوانند تحلیل های مختلف را روی مشتریان، محصولات، کانال های توزیع، مناطق جغرافیایی ارائه نمایند. با کمک این اطلاعات، مدیران سازمان می توانند بر مبنای هزینه های سازمان، ظرفیت های خالی واحدهای سازمانی را شناسایی نمایند و با اختصاص این موارد به خروجی ها، میزان کارائی در تولید هر یک از محصولات خود را بیفزایند.

مدیریت تغییر و مستندات:

یکی دیگر از اجزای مدل بودجه ریزی بر مبنای عملکرد در سازمان ها و موسسات خدماتی، مدیریت تغییر و مستندات است. برای استقرار نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد در سازمان، نیاز به تدوین و بکارگیری مستندات مختلفی است از جمله مهمترین آنها می توان به نظام نامه ی بودجه ریزی بر مبنای عملکردی «راهنمای عمل استاندارد سازی و مدیریت مستندات»، «راهنمای عمل محاسبه قیمت تمام شده» و «راهنمای عمل ارزیابی و بودجه ریزی بر مبنای عملکرد» اشاره کرد.

انگیزش و پاسخگویی:

یکی دیگر از اجزاء نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، انگیزش و پاسخگویی است. در این نظام، عملکرد کارکنان به واسطه نتایج و خروجی ها مورد ارزیابی قرار میگیرد و بخش قابل توجهی از پرداختی ها بر اساس میزان خروجی ها و نتایج حاصل از کارکرد آنها انجام می شود. این شیوه باعث مشارکت دادن کارکنان در خروجی های سازمان و افزایش انگیزش و پاسخگویی آنها می شود. از سوی دیگر، مدیران بخش ها و واحدهای مختلف سازمان می توانند، بر اساس برنامه ها و اهداف تعیین شده، تفاهم نامه ای با رئیس سازمان تنظیم نمایند. تفاهم نامه ها به مدیران سازمان استقلال عمل بیشتری می دهند و باعث ایجاد انگیزه به مدیران می گردند.

با توجه به موارد مذکور، متدولوژی هزینه یابی بر مبنای فعالیت از ۵ مرحله به شرح زیر تشکیل می یابد. مشخص کردن فعالیت ها و هدف کمی آنها، جمع آوری و تعیین هزینه ها، ردیابی و برقراری ارتباط بین هزینه های مستقیم و فعالیت ها، ردیابی و برقراری ارتباط بین هزینه های غیر مستقیم و فعالیت ها، جمع هزینه های مستقیم و غیر مستقیم

سطح محصولات، خدمات، کانال ها و مشتریانی که منجر به وقوع مخارج مذکور گشته اند، ردیابی می کنند، لذا هزینه یابی مبتنی بر فعالیت محاسبه می گردد. هر چند هزینه یابی بر محصول یا نتایج تاکید دارد اما نیاز به تعیین و تشخیص داده ها و منابع، که از اصول روش های سنتی بودجه ریزی است، را منتفی نمی سازد، برای اینکه برنامه ای قابل اجرا شود، باید سازو کار کافی برای هزینه یابی آن وجود داشته باشد، به گونه ای که برای ارزیابی عملکرد برنامه محصولات، برنامه ها را بتوان به بودجه و در نهایت به محصولات حاصل از آنها ارتباط داد. هزینه ها را به روش های مختلف می توان به موضوع های هزینه اختصاص داد. به طور کلی فرایند نظام هزینه یابی بر مبنای فعالیت به شرح زیر می باشد.

- تعیین منابع مورد استفاده و هزینه های ذریبط آنها بر حسب فعالیت ها در برنامه

- طبقه بندی و اندازه گیری هزینه های مستقیم و هزینه های غیر مستقیم یا بالاسری

- مرتبط ساختن یا تخصیص هزینه های مستقیم و غیر مستقیم با فعالیت

- مرتبط ساختن یا تخصیص فعالیت ها به محصولات و خدمات

با توجه به موارد ذکر شده و برای نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، باید مجموعه فعالیت ها یا پروژه ها (طرح ها)، واحد فعالیت های برنامه ها، منابع صرف شده برای آنها و محصولات و خدمات سازمان را شناسایی کرد.

ارزیابی عملکرد:

دو دیدگاه اساسی سنتی و نو در این باره وجود دارد، دیدگاه سنتی، قضاوت و یادآوری عملکرد و کنترل ارزیابی شده را هدف قرار داده و سبک دستوری دارد. این دیدگاه صرفاً معطوف به عملکرد دوره زمانی گذشته است و با مقتضیات گذشته نیز شکل گرفته است.

دیدگاه نو، آموزش، رشد و توسعه ظرفیت های ارزیابی شونده، بهبود و بهسازی افراد و سازمان و عملکرد آن، ارائه خدمات مشاوره ای، و مشارکت ذینفعان، ایجاد انگیزش و مسئولیت پذیری برای بهبود کیفیت و بهینه سازی فعالیت ها و عملیات را هدف قرار داده است. مبنای دیدگاه نو را شناسایی نقاط ضعف و قوت و تعالی سازمانی تشکیل می دهد. خواستگاه این دیدگاه، مقتضیات معاصر بوده و به ارزیابی سیستمی عملکرد با استفاده از تکنیک ها و روشهای مدرن، توسعه پیدا می کند. حوزه تحت پوشش اندازه گیری عملکرد، می تواند سطح کلان یک سازمان، یک واحد، یک فرایند و کارکنان باشد.

کنترل و پایش:

یکی دیگر از زیر سیستم های مدل بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، کنترل و پایش است. پایش و کنترل عبارت است از فرایندی سیستماتیک که از طریق آن، نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای عملکرد مشخص شده و با استانداردها مقایسه می گردد. انحراف از استاندارد و علل بروز آن مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله نهایی، اصلاحات لازم برای دستیابی به اهداف سازمان صورت میگیرد. به طور کلی فرایند پایش و کنترل را می توان طی چهار مرحله تعریف کرد.

- تعیین معیار و استاندارد برای نظارت

- سنجش عملکرد در برابر معیارها (مقایسه عملکرد با استانداردها)

- تشخیص انحرافات و تحلیل علل آن

- اقدامات و برنامه های اصلاحی

فرایند پایش و کنترل را می توان در قالب فرایند کنترل پیشنگر و پسنگر دسته بندی نمود. کنترل پیش نگر با دید آینده گرا، به پیش بینی مسائل آینده با توجه به داده های فعلی پرداخته و از طریق شناسایی علت ها سعی در اصلاح فرایند دارد. پایش پسنگر بر اساس نتایج حاصل از یک دوره به بررسی نقاط ضعف و قوت برآمده و سعی در اصلاح فرایند در دوره بعدی دارد.

پایش و کنترل در نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، نقش حائز اهمیتی در موفقیت آمیز بودن فعالیت های نظام مذکور در هر سازمان دارد. به عبارتی دیگر، پس از اجرای یک دوره نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، برای اطمینان از اینکه کلیه فعالیت ها در سراسر سازمان در راستای اهداف نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد انجام می شود و افراد وظایف خود را در حوزه مسئولیت تعیین شده به خوبی به انجام می رسانند، ضرورت داشتن یک نظام و سیستم نظارتی و کنترلی از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از کارکردهای دیگر پایش و کنترل را می توان به صورت ایجاد زمینه های مناسب برای پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات و

منابع و ماخذ:

- ۱- عادل آذر، بیات کریم. مدل اجرای نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد در سازمانهای خدماتی (بانکداری و بیمه)، تهران: راه ثریا ۱۳۹۴.
- ۲- آذر عادل و همکاران. «ارائه معماری نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد با رویکردهای سیستم پشتیبان هوشمند»، پژوهش های مدیریت، دوره ۱، شماره ۳.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. دستورالعمل های تهیه برنامه سالانه و هزینه یابی فعالیت، تهران: ۱۳۹۳.
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. پیوست شماره ۴ بخشنامه بودجه کل کشور، دستورالعمل بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد، تهران: ۱۳۹۳.
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. برنامه ۵ ساله چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی، تهران: ۱۳۹۲.
- ۶- حسن آبادی- محمد، نجار صراف- علیرضا. نیم قرن تجربه آمریکا در نظام های بودجه ریزی عملیاتی، تهران: بهزاد ۱۳۸۴.
- ۷- فرزب، علیرضا. بودجه ریزی دولتی در ایران، موسسه عالی آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران: ۱۳۸۱.
- ۸- کردبچه- محمد، سازمان برنامه و بودجه. معاونت امور اقتصادی و هماهنگی. دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان، پیشنهاد روشی برای بودجه ریزی عملیاتی، تهران: ۱۳۸۴.
- ۹- نوبخت، محمدباقر. مدل مفهومی اصلاح ساختار نظام بودجه ریزی کشور، تهران: ۱۳۹۱.



دوگانگی کلینتون و ترامپ

رقابت یا تقابل

آصف حاجی زاده

نظرات بسیار نامساعد احزاب نسبت به یکدیگر

نام احزاب	سال ۲۰۱۶	سال ۲۰۰۰	سال ۱۹۹۴
جمهوری خواه	۵۸٪	۲۶٪	۲۶٪
دموکرات	۵۵٪	۲۱٪	۲۳٪

علاوه بر این، نظر سنجی دیگری در خصوص اظهار نظر در مورد ویژگی های اخلاقی همدیگر منتشر شده است؛

اظهار نظر های در مورد خصوصیات اخلاقی همدیگر

احزاب	رقیب بی اخلاق است	اشتراکات خیلی کم است	رقیب کوه بین و کم هوش است	رقیب دروغگو است	خود می باشد	روشن فکر ترند
جمهوری خواه	۴۷٪	۶۵٪	۵۲٪	۴۵٪	۶۰٪	
دموکرات	۳۵٪	۶۳٪	۷۰٪	۴۲٪	۶۷٪	

با وجود این تعاریف نه چندان خوشایند، تنها ۳۱ درصد دموکرات ها و ۲۷ درصد جمهوری خواهان معتقدند همکاری روابط آنها را با حزب مقابل تحت تاثیر قرار می دهد. در بین افرادی که حامی هیچ کدام از این احزاب نیستند، تاثیر مخرب سیاست های حزب مقابل در گرایش آنها به حزب مخالف، معیار نظر آنها بوده است.

طبق گزارش های منتشر شده رسانه ها از جمله صدای آمریکا، بیشتر به مسایل داخلی آمریکا اختصاص دارد و تقریباً در چارچوب موارد فوق الذکر قابل تعمیم است.

مناظره ها غالباً در قالب طعنه و کنایه ی کاندیداها به هم دیگر است. به عنوان مثال طبق گزارش صدای آمریکا، وقتی کلینتون از ترامپ انتقاد کرد که «چرا مالیاتش را منتشر نکرد، ترامپ گفت من وقتی منتشر می کنم که تو ایمیل هات را منتشر کنی».

به نظر می رسد رسانه ها مدام از وجود دوگانگی صحبت می کنند که در واقعیت نمی توان برای آن ساختار یا کارکردی نشان داد گویا مهندسی ذهنی

چندین روز به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده ی آمریکا نمانده است. جهانیان و مردم آمریکا بعنوان ناظر مشاهده گر وضعیت دوگانه ای به نام «هیلاری کلینتون»- نامزد دموکرات - و «دونالد ترامپ»- نامزد حزب جمهوری خواه- هستند. رسانه های داخلی آمریکا و جهان هر روز بیشتر و بیشتر بر هیجان این دوگانگی می افزایند بطوریکه ظاهراً جهان در آستانه ی تولدی مبارک است که گویا آمریکایی ها و جهانیان در انتظار آن بوده اند. فضای دوگانه چنان بالا گرفته است که انگار نتیجه ی انتخابات در آمریکا، به تغییرات بنیادین در این کشور و جهان خواهد انجامید و همین انگیزه ی ظهور پرسش هایی است که انسان کنجکاو را و می دارد تا بداند که آیا این دوگانگی، نمایندگی واقعی خاستگاه شکاف های متضاد درونی نظام اجتماعی آمریکا و یا نظام بین المللی است یا دوگانگی های مجازی رسانه ای برای داغ کردن تنور انتخابات در آمریکا و نمایش ظاهری دموکراسی در جهان از جانب مهمترین صادر کننده ی مردم سالاری به دیگر کشورهاست. ذهن کنجکاو در پی آن می شود که چرا و چگونه پدیده ای به نام «ترامپ» ظهور یافته است و این پدیده چقدر توانایی به چالش کشیدن دیوانسالاری متمرکز در آمریکا را دارد هرکسی از خود سوال می کند که تأثیرات نتایج پیروزی هر یک از این کاندیداها در مناسبات جهانی به چه شکل می تواند باشد و آثار آن بر روی مسائل آمریکا با ایران به چه نحوی خواهد بود و آیا نتیجه ی انتخاب هر یک از گزینه ها می تواند تهدیدات جدی ای بر علیه منافع و امنیت مردم ایران، تلقی گردد. چقدر ساختار داخلی آمریکا و نظام بین المللی می تواند بر روی انتخابات و نتایج آن اثرگذار باشد و نگرش ایرانی ها به این موضوع به چه نحوی است. مطالب پیش رو در واقع تلاش هایی برای تدوین پاسخ های به این پرسش ها می باشد؛

هدف رسانه ها از ایجاد دوگانگی مجازی در انتخابات آمریکا

اکنون طی ۲۵ سال گذشته، فضای دوگانه ی مجازی در صحنه ی سیاسی آمریکا، در شدیدترین میزان قرار گرفته است در حالی که ۶۵ درصد جمهوری خواهان و ۶۳ درصد دموکرات ها معتقدند اشتراکات بسیار اندکی با اعضای حزب مقابل دارند بر اساس مطالعات موسسه پو «اکثریت اعضای هر دو حزب نظراتی بسیار نامساعد نسبت به حزب مقابل و اعضای آن دارند»؛

سیاسی جامعه‌امریکایی ندارد.

می‌توان گفت این سخنان کلینتون در مورد ترامپ، شفاف‌ترین موضعی است که نشان می‌دهد رقابت اصلی و اساسی این دونفر بر سر تصاحب کرسی ریاست جمهوری است که در چشم انداز آتی آن هیچ تغییر متکی بر مواضع حزبی، گروهی و فردی وجود ندارد؛ بطوریکه کلینتون در مورد مناظره خود با ترامپ در گفتگو با شبکه خبری ABC اظهار می‌دارد: «قویا منتظر روبرویی و مناظره با ترامپ هستم. خیلی دلم می‌خواهد در آن مناظرات «به مردم آمریکا نشان دهم که چرا تا این حد مطمئنم که او لیاقت ریاست جمهوری را ندارد» و ترامپ نیز در مورد این مناظره‌ها در گفتگو با شبکه خبری CNBC ابراز می‌کند: «من به بیشتر از سه جلسه مناظره با هیلاری نیاز دارم. چون صحبت‌های زیادی باید گفته شود». موضوعات مناظره‌ها که بیست و هفت متکی به هتاک‌ها، لجن‌پراکنی‌ها و تهمت‌های به یکدیگر است در جهت تقویت فضای مجازی دوگانه‌ای است که انتخاب گران را بشدت احساساتی کرده مجبور به طرفداری از یکطرف می‌نماید.

جراحی پدیداری «دونالد ترامپ»

«تیموتی مک نالتی»، روزنامه‌نگار ارشد آمریکایی است و در ۴۰ سال گذشته بسیاری از جنگ‌های دنیا را گزارش کرده است. او در سال‌های ریاست جمهوری «رونالد ریگان» و «جرج بوش» پدر، خبرنگار حوزه ریاست جمهوری بوده و سال‌ها در چین، پاکستان و آفریقا به عنوان خبرنگار ارشد روزنامه «شیکاگو تریبیون» فعالیت کرده است.

مک نالتی با ظرافت کامل اظهار می‌کند که در انتخابات آمریکا از کاندیداهای حزب دموکرات حمایت می‌کند و تلاش دارد وانمود کند که «ترامپ» یک اتفاق ناگوار و ترس‌آور در حال ظهور است و در صورت پیروزی در انتخابات جهان به سوی سیاه چاله‌های پلیدی غوطه خواهد خورد و از این طریق در تلاش است مخاطبین را در فضای کاملاً دوگانه‌ای وارد کند. همچنین او در پاسخ به سوالات مطرح شده چهره‌های مجازی ترامپ را برای جذب مخاطبان و مردم تحت فشار تا حدودی آشکار می‌کند؛

ظهور دونالد ترامپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا می‌توان ظهور پدیده ترامپ را ناشی از یک بحران در محافظه‌کاری آمریکایی و حزب جمهوری خواه دانست؟ با در نظر گرفتن سرخوردگی مردم از سیاست‌های وا‌شنگتن و اثرات منفی دوران

مخاطبان، برای امری لازم در دستور کار قرار گرفته است. نیویورک تایمز می‌نویسد: با وجود شکاف عمیق در جامعه آمریکا، مناظره ترامپ و کلینتون توجه بیشتر جمعیت این کشور را به خود جلب خواهد کرد. دوشنبه شب، جامعه دوقطبی آمریکا برای ۹۰ دقیقه شاهد نخستین روبرویی مستقیم دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون خواهد بود.

به گفته تحلیلگران سیاسی و مقامات شبکه‌های تلویزیونی، تعداد بینندگان مناظره انتخاباتی ترامپ و کلینتون توانسته به بیش از ۱۰۰ میلیون برسد. این تعداد بیننده، بیش از بینندگان مناظره رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰- آماري که رکورد شکن بود- می‌باشد. بسیاری از آمریکایی‌هایی که خارج از کشورشان به سر می‌برند نیز اعلام کرده‌اند این مناظره انتخاباتی را دنبال می‌کنند.

در جهان کنونی که افراد، رسانه‌های مربوط به حزب دلخواهشان را رصد می‌کنند، رویدادهایی که توجه این تعداد از افراد را به خود جلب کنند بسیار اندک هستند. با این حال، رقابت نزدیک کلینتون و ترامپ در نظرسنجی‌ها و نیز اظهارات جنجالی و بحث‌برانگیز ترامپ، بینندگان بسیاری را برای تماشای مناظره میان این دو نامزد انتخاباتی می‌کشاند. در یک نظرسنجی که به وسیله سی‌بی‌اس نیوز و نیویورک تایمز انجام شد، ۸۳ درصد رای دهندگان اعلام کردند مناظره را دنبال خواهند کرد.

این در حالی است که حامیان تبلیغاتی این مناظره - از جمله شرکت آئودی - در این میان سود می‌برند. آن‌ها پیام‌های بازرگانی با حال و هوای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تهیه کرده‌اند و همانند تبلیغات در مسابقات بسیار بزرگ و پرطرفدار تیم‌های فوتبال آمریکایی، به بازاریابی می‌پردازند. با این که در طی برگزاری این مناظره هیچ پیام بازرگانی پخش نخواهد شد، شبکه‌های تلویزیونی میلیون‌ها دلار در ازای تبلیغات پیش و پس از این مناظره به جیب زده‌اند.

اما حتی در صورتی که بخش عمده‌ای از جامعه آمریکا این مناظره را مشاهده کند، آنچه آمریکایی‌ها خواهند دید با پرده‌ای از عقایدشان پوشانده خواهد شد، نه سخنانی که در حقیقت میان این دو نامزد انتخاباتی رد و بدل می‌شود.

«چارلز پونس» - نویسنده کتاب تاریخ اخبار تلویزیونی - می‌گوید: «تفاوتی ندارد این مناظره را از چه منبعی دنبال کنید. همه ما آنچه اتفاق خواهد افتاد را پیش چشم خود خواهیم دید. اما هنگامی که وارد تجزیه و تحلیل آن خواهیم شد، تمامی این مناظره را فراموش خواهیم کرد.» در واقع دوگانگی بین مناظره‌ها هیچ سنخیتی با شکاف‌های عمیق اجتماعی، طبقاتی و قشربندی‌های



پس از رکود اقتصادی، حزب جمهوری خواه در یک بحران قرار گرفت بحرانی که در نتیجه تلاش برای ساکت کردن ایجاد شد. در نتیجه یک جنبش کوچک اما پرسر و صدا با دامنه فوق محافظه کاری شکل می گیرد.

ترامپ یک فرد سرگرم کننده است که با گفتن چیزهای تحریک کننده همه را شوکه می کند. او چهره جدید نیست اما تنها فردی است که با انجام دادن کارهایی در میان جمهوری خواهان مردم را شگفت زده کرده است.

چرا بسیاری از کارگران سفیدپوست جذب ترامپ شده اند؛ در حالی که در کشورهای اروپایی کارگران معمولاً به سمت چپ و سیاست مداران به چپ افراطی گرایش دارند؟

اغلب اوقات این یک راز است که چرا مردم معمولاً علیه بهترین منافع و خواسته هایشان رای می دهند. آنها فکر می کنند اگر سیاست مداران حرف هایی می زنند که با عقایدشان هم خوانی دارد، پس می توانند تمامی خواسته هایشان را برآورده کنند در حالی که چنین نیست.

فکر می کنید دوگانگی میان کلینتون و ترامپ در نهایت به نفع کلینتون خواهد شد و به او کمک خواهد کرد؟

بله، رای دهندگان در انتخابات عمومی به مراتب متفاوت تر از افراد محافظه کار و ایدئولوژیک در انتخابات مقدماتی هستند.

مک نالتی بر این باور است که در انتخابات عمومی این رسانه ها هستند که مسیر مردم را تعیین می کنند و همه ی مردم آمریکا حزبی یعنی ایدئولوژیستی عمل نمی کنند به زعم او در صورت پیروزی کلینتون رابطه ی سنا و کنگره با کاخ سفید بستگی به این دارد که چند کرسی از سوی جمهوری خواهان در سنا حفظ شود. اگر آنها همچنان در اکثریت باشند تقریباً با همه چیز مخالفت خواهند کرد و از آنجایی که کاخ سفید مطمئن است که اکثریت در دست جمهوری خواهان است، از این رو روابط همانند دوره اوباما خواهد بود. اگر جمهوری خواهان سناراز دست بدهند یا با دموکرات ها به توافق برسند، تأثیر عمده ای خواهد داشت و این شانس را برای کاخ سفید برای انجام تغییرات ایجاد می کند.

جوزف استیگلتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱، نیز این پرسش را پیش می کشد که چرا حزب جمهوری خواه ایالات متحده، نامزدی را معرفی کرده که حتی رهبرانش آن را قبول ندارند؟ بدیهی است که عوامل بسیاری به ترامپ برای غلبه بر ۱۶ رقیب خود در مرحله مقدماتی حزب جمهوری خواه کمک کرده است تا او به این مرحله از انتخابات برسد. شخصیت او بسیار مهم بود و مردم بسیاری جلب شخصیت و واقعاً گرم تلویزیونی ترامپ شدند. اما چند عامل اساسی دیگر هم وجود دارد که به نزدیک شدن رقابت انتخاباتی کمک کرد. برای شروع باید گفت که وضع اقتصادی آمریکایی ها از یک ربع قرن پیش بدتر شده است.

بنابراین بسیاری از آمریکایی ها احساس می کنند از نیروهایی که خارج از کنترل آنها است ضربه خورده اند و نتایج تلاش هایشان ناعادلانه است. حالا بدیهیات همیشگی زیر سوال رفته است. آمریکا سرزمین فرصت ها بود و هر نسلی از نسل گذشته خود بهتر می شد. بحران مالی جهانی، نقطه عطفی برای بسیاری از رای دهندگان شده است. دولت های آنها بانکداران ثروتمند را نجات دادند کسانی که آمریکا را تا آستانه نابودی برده بودند، در حالی که آنها تقریباً هیچ کاری برای میلیون ها آمریکایی عادی که شغل ها و خانه هایشان را از دست دادند، انجام ندادند. سیستم نه تنها نتایج عادلانه ای به وجود نیآورد بلکه به نظر قلبی هم درکار است.

پشتیبانی از ترامپ، حداقل تا حدی در خشم گسترده، به دلیل از دست دادن اعتماد به دولت، نهفته است. مردم نیازمند این هستند که یک بار دیگر قوانین اقتصادی بازنویسی شود، این بار این اطمینان را حاصل کنند که شهروندان عادی نیز از مزایا بهره مند می شوند. اما سیاستمداران در آمریکا و جاهای دیگر که این درس ها را نادیده گرفته اند و در مقابل آن پاسخگو نیستند، تغییر را مستلزم پذیرش خطر می دانند. اما پدیده ترامپ در واقع وانمود به تغییر است و نه خود تغییر، و بیشتر نشان دهنده عدم توجه به این پیام ارسالی است؛ که تقسیم جامعه به تضعیف دموکراسی و تخریب اقتصاد منجر می شود.

نشریه اتلانتیک نیز ابراز می کند که پدیده ترامپ در واقع تلاش های سازمان یافته برای بهره برداری از انباشت احساسات هایی است که ناشی از شکاف ها و فشارهای بروی شهروندان عادی هست.

علیرضا میریوسفی، مدیر گروه خاورمیانه ی دفتر مطالعات سیاسی و بین

الملل وزارت خارجه بر این تحلیل است که: اگر بخواهیم به کوتاه ترین و ساده ترین شکل ریشه ظهور پدیده پیچیده ای مثل ترامپ را توضیح دهیم می توان آن را در تغییر نگاه مردم آمریکا نسبت به عملکرد دولتمردان شان از یک سو، و توانایی منحصر به فرد ترامپ در استفاده از این وضعیت، با انکار بر ثروت شخصی و تبلیغات بسیار هوشمندانه انتخاباتی رسانه ها از دیگر سونگریست.

بر اساس نظر سنجی های معتبری که هر دو سال یک بار توسط دانشگاه میشیگان در سراسر آمریکا به عمل می آید، میزان اعتماد به عملکرد دولت آمریکا از حدود ۷۵ درصد در سال ۱۹۶۴ به حدود ۱۷ درصد بعد از سال ۲۰۱۴ سقوط کرده است. به عبارت دیگر مردم آمریکا که در دهه های شصت و هفتاد میلادی، نگاهی کثرت گرایانه نسبت عملکرد دولت متبوعشان داشتند و آن را حافظ منافع عمومی و اکثریت احاد جامعه تلقی می کردند، امروزه دولت را مدافع منافع بزرگ بخش بسیار کوچکی از نخبگان مافیائی جامعه تلقی می کنند. مطابق آمار دانشگاه میشیگان، نشانه های این تغییر از سال ۱۹۹۴ و بحران های اقتصادی آن زمان شروع شد، با این حال هیئت حاکمه آمریکا در این سال ها توانستند با انکار بر دو عامل پول و سواستفاده از سازوکارهای انتخاباتی و رسانه ای مانند آنچه بر سر «برنی سندرز» و قبل از آن «ران پال» آمد، از ظهور نامزدهای انتخاباتی «ضد ساختار مافیائی و بانندی» جلوگیری کنند.

با این حال ترامپ دو تفاوت عمده با سایر نامزدهای ضد ساختار قبل از خود داشت: به خاطر تمکن مالی صرفاً بر کمک های هوادارانش متکی نیست و به علاوه یکی از جسورترین و حرفه ای ترین تیم تبلیغات ریاست جمهوری را استخدام کرده است. این تیم تبلیغاتی جسور به او اجازه داده است تا با این که خود عضوی از ساختار اداره کننده آمریکا در دهه های گذشته بوده، نقشی متفاوت و مخالف سابقه خانوادگی و اجتماعی خود ایفا کند. نشانه های این نوع رسانه ای از همان اوایل رقابت های مقدماتی ظهور و بروز داشت. بسیاری از رسانه های معتبر آمریکایی در همان زمان به دنبال کشف این معما بودند که چگونه ترامپ غیر مذهبی می تواند در حضور نامزدهایی مانند «بن کارسون کشیش» یا «تد کرو» به شدت مذهبی و محافظه کار، رای قاطع محافظه کاران مذهبی آمریکا و از آن عجیب تر «اونجلیکن ها» را به خود جلب کند. این تبلیغات انتخاباتی هوشمند و حساب شده، با وجود پول کمتری که ستاد ترامپ جذب کرده است، کامکان ادامه دارد.

ترکیب حساب شده افراد چیدمان شده در دو مناظره اخیر ریاست جمهوری، شامل یک روحانی مسلمان، یک کشیش و سایر نمادهای مذهبی در پشت سر ترامپ، صرف نظر از سوابق و گرایش های این افراد، نمونه دیگری از اقتدار و هوشمندی رسانه ای است. به همین خاطر است که بر اساس برخی گزارش ها، ترامپ با وجود مواضع و گرایش های ضد اسلامی اش و در کمال تعجب، حمایت اکثریت آمریکایی های عرب تبار را به خود جلب کرده است.

تحلیل میر یوسفی در مورد دوگانگی مجازی ایجاد شده ی بی سابقه در انتخابات جاری ریاست جمهوری آمریکا را بر اساس رقابت حکومت دیوان (رهبران کارزیماتیک) در برابر دیوان حکومتی تحلیل می کند. یکی از نامزدها نماد و نقش دیوانسالاری موجود و تداوم ساختار گذشته برعهده گرفته و دیگری نیز وانمود می کند که نماد خروج از تسلسل دیوانی در جامعه آمریکاست. یکی خود را نماینده تداوم سیاست های فعلی بانثیب و فزاینده و در جه ای از تغییر می داند، دیگری ادعای تغییرات گسترده را دارد.

چرایی و چگونگی تأثیر انتخابات آمریکا بر نظام بین الملل و بالعکس

بایستی توجه داشت که منابع بین المللی، اجتماعی، حکومتی، نقش و فردی که به طور دسته جمعی بر تصمیمات و اهداف سیاست خارجی این کشور تأثیر می گذارند.

تئوری واقع گرایی معتقد است «توزیع قدرت سیاسی دولت ها» عامل اصلی تعیین کننده سیاست خارجی کشور هاست. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم قدرت فائقه سیاسی، نظامی و اقتصادی شد و نسبت به قطب دیگر قدرت، اتحاد جماهیر شوروی در موقعیت برتری قرار داشت. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ایالات متحده به قدرتی بلامنازع تبدیل شد. بنابراین توزیع بین المللی قدرت در سیاست خارجی کشور ها بسیار اساسی و مهم است.

علاوه بر توزیع قدرت سیاسی دولت ها، عامل اثرگذار در سیاست خارجی آمریکا، «منبع اجتماعی» است که ارزش ها، باورها، فرهنگ سیاسی، افکار



عمومی و... را شامل می شود. ماهیت جامعه و سیاست آمریکا مستعد نفوذ امور داخلی بر رفتار سیاست خارجی است و شاید بتوان گفت ایالات متحده یک «نظام جامعه مسلط» است. تاکید فرهنگ سیاسی بر فردگرایی و تکثرگرایی باعث اهمیت افکار عمومی در نزد تصمیم گیرندگان می شود و این جاست که عبارت: سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است، جایگاه و اهمیت خود را پیدا می کند. گروه های ذی نفع، رسانه های جمعی و مجموعه های نظامی و صنعتی در زیر گروه منابع اجتماعی سیاست خارجی آمریکا قرار می گیرند. در آمریکا سیاست گذاری کاملاً بر اساس مدل نخبه گرایان، دیدگاه از بالا به پایین دیکته نمی شود و به طور مشابه توده مردم نیز سیاست خارجی آمریکا بر اساس مدل کثرت گرایان، دیدگاه از پایین به بالا تعیین نمی کنند. در عوض میان سیاست گذاران و عموم، نخبگان و توده ها کنش های متقابلی به طور دائمی وجود دارد که بیشتر از طریق «رسانه ها و نظام انتخاباتی» که در کل در دست نخبگان محدودی است انجام می گیرد.

رئیس جمهوری و مشاوران وی، سازمان اجرایی (وزارت امور خارجه و وزارت دفاع)، کابینه، شورای امنیت ملی، جامعه اطلاعاتی، ارتش، کنگره و نهادها و سازمان های مرتبط، گروه های ذی نفع، افکار عمومی و رسانه های جمعی در کار سیاست گذاری خارجی و اجرای آن دخالت دارند. نتیجه ای که از این قسمت می توان گرفت آن است که ریاست جمهوری و حلقه مشاوران وی با وجودی که نقش موثری دارند اما به تنهایی تصمیم گیرنده در سیاست خارجی نیست. هر کدام از موارد فوق توصیف و تحلیل خود را دارد.

چپت درک ماهیت سیاست خارجی آمریکا باید رفتار مرتبط با نقش های سیاست گذاری خارجی را علاوه بر رفتار خود افراد، مورد بررسی قرار دهیم. این موضوع ما را قادر خواهد ساخت یکی از منابع بالقوه نیرومند تغییر سیاست خارجی را درک کنیم زیرا نقش ها هدف ها را تعیین می کنند.

بوروکراسی های بزرگ به سبب نقش هایی که خلق می کنند تصمیم گیری عقلانی را تقویت می کنند. بوروکراسی ها حداقل در اصول برای این وجود دارند که به رئیس جمهوری در انجام سیاست هایش کمک کنند. و این روند تا جایی پیش رفته که بسیاری معتقدند بوروکراسی حکومت می کند در حالی که رئیس جمهور صرفاً مامداری می کند. برخی معتقدند روسای جمهور آمریکا در اسارت بوروکراتیک قرار دارند. و آزادی عمل روسای جمهور توسط حکومتی محدود می شود که انتخاب شده تا آن را اداره کند. برای درک رفتار بوروکراتیک و تاثیر آن بر سیاست خارجی باید ویژگی های تصمیم گیری اداری مورد بررسی قرار گیرد. رئیس جمهوری به تنهایی سیاست خارجی را تعیین نمی کند. سیاست علاوه بر اعلام باید اجرا شود و بدان منظور رئیس جمهور متکی به بوروکراسی های شاخه اجرایی است.

بنابراین سیاست خارجی آمریکا آن چیزی است که انجام می شود و نه صرفاً چیزی که گفته می شود. بوروکراسی ها ماهیتی انحصاری، ناحیه گرا و علاقمند به حفظ اختیار و اقتدار خود هستند بنابراین مقاومت و نافرمانی در مقابل

سیاست های ریاست جمهوری از طرف این بوروکراسی ها دور از ذهن و باعث شگفتی نیست. اغلب اوقات بی عملی بوروکراتیک و عدم پاسخگویی به صورت رکود و حرکت کند دستگاه حکومت خود را نشان می دهد.

گفته می شود تاثیر رفتار بوروکراتیک ناشی از نقش، در سیاست گذاری خارجی با مدل عقلایی در تضاد است و بایستی این موضوع را در نظر داشت که رئیس جمهوری و مشاوران وی در استخراج بهترین ها یا بدترین های بوروکراسی امور خارجی فقط می توانند دخالت داشته باشند. سؤال این است که آنها چه تاثیری دارند؟ ماکس وبر استدلال می کند که در یک دولت مدرن فرمانروای حقیقی به طور اجتناب ناپذیری بوروکراسی است. برای بررسی این استدلال و سؤال، آخرین منبع اجتماعی سیاست خارجی آمریکارامی بایست مورد امعان نظر قرار داد:

شخصیت رهبران بر عملکرد سیاست خارجی به طرق گوناگونی تاثیر می گذارد. سؤال این است: صفات و خصوصیات شخصی روسای جمهور ایالات متحده در تداوم و تغییر در سیاست خارجی آمریکا چه تاثیری دارد؟ البته از این حقیقت نباید غافل شد که افراد تنها یکی از چندین منبع سیاست خارجی آمریکا هستند. هر یک از این منابع می توانند تاثیر رهبران بر جهت سیاست خارجی را شدیداً محدود کند. سوال؛ عوامل فردی چه زمانی موثر می باشند؟ به طور کلی نفوذ خصوصیات شخصی در امر سیاست گذاری به نسبت مستقیم با عوامل زیر افزایش می یابد:

- سطح مقام فرد در ساختار تصمیم گیری
- ابهام و پیچیدگی موقعیت تصمیم گیری
- سطح اعتماد به نفس و خودبینی در فرد
- سطح دخالت شخصی فرد
- کمبود اطلاعات

- ابتدای تصدی قدرت یا تصمیم گیری تحت شرایط هیجانی و شرایط بحرانی با وجودی که ویژگی های فردی و شخصی در تصمیمات روسای جمهوری ایالات متحده مهم است اما همان طور که قبلاً بیان شد منابع دیگر سیاست خارجی آمریکا کاملاً بر منبع فردی اشراف و تسلط دارند. نیروی محرکه کلی سیاست خارجی آمریکا تا اندازه زیادی بر طبق الگوی تعیین شده در گذشته باقی می ماند. هالستی می گوید: نام ها و چهره ها ممکن است تغییر کنند، منافع و سیاست ها تغییر نمی کنند. کیسینجر در سال ۱۹۷۴ اظهار کرد، زمانی که ملت آماده شد تا رئیس جمهوری جدیدی را انتخاب کند این بیان تداوم و ثبات دارد؛ برآیند اساسی سیاست ایالات متحده همان که هست باقی خواهد ماند فرقی نمی کند که چه کسی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده رامی برد (امیر هوشنگ میرکوشش، ۱۳۹۵).

با توجه به تحلیل های فوق می توان گفت که کلینتون بیشتر از ترامپ خود را متعهد به سیستم بروکراتیک تصمیم ساز سیاست های خارجی نشان می دهد اما این بدان معنا نیست که ترامپ در صورت پیروزی می تواند تأثیری فردی

خویش را بر سیستم بروکراتیک متمرکز افزایش دهد لذا آنچه مبرهن است اینکه انتخابات آمریکا کمترین تأثیر را از نظام بین الملل می پذیرد و در مقابل اثرات دولت ها بر روی نظام بین الملل قابل درک و پیش بینی است برای اینکه چشم انداز نظام بروکراتیک آمریکا افق های راهبردی معین و تقریباً ثابتی را برای خود تعریف نموده است.

رئیس جمهور آتی می بایست به موضوعات مهمتر که به امنیت حیاتی آمریکا ارتباط مستقیم دارند، مثل انتشار تسلیحات هسته ای در جهان یا ظهور قدرت های جدید اهمیت دهد و در درجه دوم به مسایلی مانند تروریسم که ممکن است خاک آمریکا را مورد هدف قرار دهد پرداخته شود و در تفسیر هر کدام از این منافع مهم و منافع حیاتی باید معیارهای وجود داشته باشد که مسئولیت های آمریکا فقط تا اندازه لازم و ضروری تعریف کند. به عبارت دیگر، آمریکا باید بسیار صرفه جوتی در اداره مسایل جهان باشد و این سازگاری آسانی برای دولت آمریکان نخواهد بود.

با اینکه که دونالد ترامپ دست کم در شعارهای انتخاباتی نشان داده که منافع متحدان آمریکا برای او محلی از اعراب ندارد اما این بدان معنا نیست که ایجاد شکاف بین آمریکا و متحدانش، ضرورتاً در مسیری پیش خواهد رفت که منافع کشورهای مثل ایران را تأمین کند. حتی با وجود به قدرت رسیدن ترامپ بعید است که سیاست خارجی ایالات متحده یک شبه دگرگون شود. ایالات متحده حکم دایناسوری را دارد که به سختی می تواند تکان بخورد. برای قدرت های بزرگ که مجموعه متنوعی از منافع و تعهدات، مسئولیت ها را برعهده دارند، تغییر ناگهانی در سیاست خارجی دشوار است. بعلاوه رئیس جمهوری، لزوماً قدرتمندترین فرد در آمریکان نیست.

کنگره در بسیاری از موارد قوی تر از کاخ سفید است. این بدان معناست که رئیس جمهوری تا حدی می تواند در امور سهیم باشد. رئیس جمهوری برای تعیین بودجه های دولتی به کنگره وابسته است. در کسب بعضی از مجوزهای اجرایی و در جنگ و صلح نیز همینطور است. تمامی این موارد باعث می شود که رئیس جمهوری دست و بالش بسته تر شود؛ در حالیکه کنگره هم در اختیار رئیس جمهوری نیست؛ حتی وقتی که هم حزبی های او در کنگره هستند، تلاش می کنند که هویت نهادی خود را نشان دهند. بنابراین نمی توان گفت که تغییر رئیس جمهوری موجب یک تغییر اساسی و چرخشی بنیادی در سیاست خارجی آمریکا باشد. اگر رئیس جمهوری مثل ترامپ سرکار بیاید اگر ۱۰ درصد از سیاست و رفتارهای او تأثیرگذار باشد، همین کفایت می کند که دنیا متلاطم شود.

بعضی ها در آمریکا به این نتیجه رسیده اند که هر چند آمریکا هنوز قوی ترین کشور دنیاست اما اگر در انتخاب گزینه ها اشتباه کند باید از طریق فرورفتن بیشتر در بحران های اقتصادی و سیاسی تاوان آن را بپردازد؛ همانطور که در جنگ عراق پرداخت کرد. تصور غالب بر این است که آمریکای امروز به مراتب خویشتن دارتر و محتاطتر از آمریکایی است که در شروع قرن بود.

نمی توان از ذهن دور داشت که در نگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک چندین ساله گذشته و چند دهه ای آمریکایی هایک چرخش اساسی به سمت اروپا (آسیا/روسیه) و شرق آسیا (چین) صورت گرفته است مفهوم چرخش به آسیا، برای آمریکا یک مفهوم بسیار عقلانی و ژئواستراتژیک است، اما تجمع و هدایت امکانات آمریکا برای مواجهه با چین و تعریف نوع مواجهه با چین در آمریکا مورد اختلاف است و به خاطر همین اوپاما نتوانست این ایده خوب و اصیل را به یک دیپلماسی عملی تبدیل بکند؛ هر چند اینطور نبود که هیچ اقدامی نکرده باشند.

در سال ۲۰۱۱، باراک اوپاما در راستای تحقق این استراتژی، طی توافقی با جولیا گیلارد، نخست وزیر استرالیا، به پایگاه داروین دسترسی پیدا کرد و ۱۱۵۰ سرباز را در این پایگاه مستقر کرد. آنها توافق کردند که تا سال ۲۰۱۸، این نفرات را به ۲۵۰۰ نفر افزایش دهند. همینطور آمریکا در یک توافقی با دولت سنگاپور، حق استفاده از پایگاه دریایی "چانگی" را بدست آورد و قرار است تا سال ۲۰۱۸، چهار کشتی جنگی آمریکا در آنجا مستقر شود. این چشم انداز تا جایی پیشرفت کرد که لئون پانه تا وزیر دفاع سابق آمریکا گفت که تا سال ۲۰۲۰، توزیع نیروهای آمریکایی بین پاسیفیک و اتلانتیک از نسبت ۵۰-۵۰ به نسبت ۴۰ به ۶۰ و با تمرکز بیشتر بر پاسیفیک تغییر آرایش خواهد داد.

بنابراین گرایش آمریکا به شرق آسیا، برخاسته از یک محاسبه بلندمدت و پایدار است و البته با این وجود، عاری از مشکل هم نیست؛ چون هنوز عده زیادی در

آمریکا معتقدند که چرخش به آسیا باعث تبدیل شدن چین به دشمن واقعی آمریکا می شود و روابط دو کشور را به دلایل غیر ضروری تنش آلود می کند.

هیلازی کلینتون در مقام وزیر امور خارجه، در اکتبر ۲۰۱۱ در مقاله ای که مجله امور خارجی با عنوان "قرن پاسیفیکی آمریکا" منتشر کرد با دفاع از ایده چرخش به آسیا، نشان داد که بخوبی نسبت به فلسفه این استراتژی واقف و مصمم است تا در راستای تصمیمات دیوانسالاری متمرکز آمریکایی گام های جدی عملی بردارد. آمریکا دیر یا زود به پاسیفیک کشانده خواهد شد. برای آمریکا بسیار عاقلانه تر است که از پرداخت هزینه های زاید در مناطق غیر حیاتی از جمله در خلیج فارس و غرب آسیا خودداری کند اما راهی آمریکا از این منطقه بخاطر عادت های استراتژیک، سنت های دست و پاگیر در سیاست خارجی و لابی های قدرتمند که سیاست آمریکا را تحت فشار می گذارند، بسیار دردناک و طولانی خواهد بود.

این شاید به معنای سردرگمی آمریکایی ها تلقی گردد، ولی عملاً می تواند به این معنی باشد که آمریکا نیاز دارد که امکانات استراتژیک را به سمت شرق آسیا متمرکز کند، منتها عاداتهای استراتژیک یعنی چالش های آمریکایی ها با متحدانش الزام می کند که در خاورمیانه بماند. بحران اصلی که آمریکایی ها در کل جهان دارند، اطمینان دادن به لحاظ روانی به متحدانش درباره حمایت آمریکا از آنهاست در مقابل تهدیداتی که ممکن است در آینده آنها را به مبارزه بطلبد. با این وصف کلینتون و ترامپ نیز مجبور به تبعیت از این رویکرد اساسی در سیاست خارجی هستند.

«جمهوری اسلامی ایران» در میان دیالوگ های دوگانگی انتخابات آمریکایی ها

«پل پیلار» بر این باور است که با وجود شخصی مانند دونالد ترامپ که در مناظره دوم کاملاً مشخص کرد که رویکرد او برای چهار هفته باقی مانده تا انتخابات، حفظ یک مجموعه از اتهامات و اظهارات تکراری و تاکیدی بیشتر بر روی آنهاست، نباید هم به بهتر شدن این سوءتفاهم امید داشت. اظهارات ترامپ در واقع یافشاری روی مسائل و صحبت هایی است که به بیشتر شدن دریافت های غلط می انجامد و زمان و فضا برای اصلاح را کمتر و کمتر می کند. در مناظره ها، در میان حجم گسترده اطلاعات نادرست، هیلازی کلینتون این مسائل را به چک کردن و بسایت شخصی اش برای یافتن حقیقت تخفیف می دهد. حتی با وجود این که او سهم بیشتری را به بحث های جدی سیاست های عمومی، داخلی و خارجی تخصیص داد، اما این دست رویکردها مشغله اصلی اش نبوده است.

توافق هسته ای با ایران به عنوان یک موضوع مهم سیاست خارجی نمونه ای قدرتمند است برای درک این که اطلاعات نادرست و سوءتفاهم می تواند چه مشکلاتی به بار آورد. حتی پیش از آغاز کمپین انتخاباتی ترامپ، گفته های بسیاری از چند سال قبل وجود داشت که چنین توافقی باید از بین برود. برای حزب جمهوری خواه به عنوان یک اصل، توافق هسته ای که در سیاست خارجی جای دارد، کارکردی متناظر و مقرون به صرفه در سیاست داخلی دارد؛ به این معنی که این توافق، دستاوردی برای دولت باراک اوپاما است، در نتیجه برای جمهوری خواهان مشخص است که باید در داخل آن را نابود کنند.

حتی کسانی که به دنبال حقیقت آزمایی سخنان کاندیداها هستند نمی توانند درباره این مساله کاری کنند، چرا که نامزدها هیچ کدام درباره این موضوع که چگونه توافق هسته ای را اداره می کنند صحبتی نکرده اند. تنها برگی که در دست حقیقت آزماها وجود دارد این است که در بحث معاونان نامزدهای ریاست جمهوری، «برنامه هسته ای» با «برنامه سلاح هسته ای» تلفیق شد. شاید بهترین فرصت برای حقیقت آزمايان آخرین مناظره کاندیداهای ریاست جمهوری بود. جایی که ای بی سی نیوز، به خوبی حرف های ترامپ، دادن اطلاعات غلط و تحریف هایش را درباره توافق و برنامه هسته ای ایران جدا کرد. این صحبت ها از کارکتر ترامپ بر می آید، فردی که بارها این توافق را «غلط» و «یک طرفه» خوانده است؛ «با توجه به تغییراتی که ایران در برنامه هسته ای خود داده است، از جمله ایجاد شرایط برای کاهش ذخیره مواد هسته ای غنی شده، تنها به طور موثر زمان ساخت بمب توسط ایران از چند ماه تا یک سال افزایش پیدا کرده است».

اطلاعات نادرست دیگری نیز در این مناظره وجود داشت که می شود به آن نگاهی انداخت. ترامپ به ۱٫۷ میلیارد دلار پول نقدی اشاره می کند که به



ترامپ گرچه توان مصادره‌ی اقدامات عملی سیاست خارجی آمریکا را ندارد ولی کوشش می‌کند خود را هماهنگ با اصول دیوانسالاری متمرکز آمریکایی نشان دهد و ادعای پاره کردن توافق نامه هسته‌ای ایران در صورت پیروزی در انتخابات را رد کرده است و آمریکا را ملزم به اجرای توافقنامه می‌داند. تاجر میلیاردر آمریکایی خود را در بستن توافقنامه‌های تجاری فردی متبحر می‌داند در این خصوص تصریح کرد، در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بر اجرای مفاد توافقنامه هسته‌ای ایران، به سختی نظارت خواهد داشت.

وی اذعان می‌دارد، من هم قرارداد‌های بدی داشته‌ام ولی در پیدا کردن نکات ریز در قراردادها تبحر دارم، نکاتی را پیدا خواهیم کرد و توافقنامه هرچقدر هم بد باشد آن را با جدیت اجرا خواهیم کرد.

وی اساس مذاکره را زیر سوال نمی‌برد اما همواره مذاکره کنندگان آمریکایی را به ساده لوح بودن و نیرنگ خوردن از مذاکره کنندگان ایرانی متهم می‌کند، و بخاطر ادامه مذاکرات در حالی که شهروندان آمریکایی در ایران زندانی بودند کاخ سفید را مورد انتقاد قرار داده است.

ترامپ در جمع هواداران خود در شهر راجستر نیز مدعی شد که آمریکا بر اساس توافق هسته‌ای به ایران ۱۵۰ میلیارد دلار داده است و ایران به جای بونینگ از ایرباس هواپیما می‌خرد.

وی اظهار می‌دارد: ایرانی‌ها از روسیه موشک می‌خرند، از همه خرید می‌کنند به جز ما. چرا؟ چون ما خرید (نظامی) ایران را ممنوع کرده ایم.

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که بیشتر اظهارات نامزدها، جنبه انتخاباتی و تبلیغاتی دارد و زمانی که فرد پیروز وارد کاخ سفید شود، بیشتر رجز خوانی‌ها و اظهارات تند خود را کنار خواهد گذاشت و بر اساس واقعیت‌های موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی تصمیم‌گیری خواهد کرد.

در حال حاضر سیاست آمریکا «مهار به علاوه تعامل گزینشی» است. سیاست کلی آمریکا، مهار ایران است و این مهار، شاخص‌های متفاوتی هم دارد؛ در عرصه اقتصادی محدود کردن توانمندی‌های اقتصادی و در عرصه نظامی محدود کردن توانمندی‌های نظامی و در عرصه دیپلماتیک منزوی کردن دیپلماتیک و در عرصه سیاسی بی‌اعتمادسازی دنیا نسبت به ایران، جزء سیاست «مهار» آمریکا بوده است. اما با همین سیاست و در جاهایی که نیاز دارند و ایرانی‌ها هم می‌پذیرند، تعامل گزینشی با ایران داشته‌اند مثل مسئله افغانستان و عراق و برجام. بدیهی است که رئیس‌جمهور آتی آمریکا هم از این سیاست پیروی خواهد کرد.

عنوان بخشی از توافق هسته‌ای باید پرداخت می‌شد. پولی که در واقع بخشی از حل و فصل مشکلاتی است که قدمت آن به زمان حضور شاه در ایران باز می‌گردد. ترامپ در ادامه دادن اطلاعات غلط، آن را بخشی از پولی نام می‌گذارد که مالیات پردازان آمریکایی پرداخت کرده‌اند. در حالی که این پول از ابتدا متعلق به ایران بوده است. ترامپ نتیجه عجیب و غریب دیگری را از میان مفاد توافق هسته‌ای می‌گیرد و می‌گوید: «ایران و روسیه حالا بر ضد ما هستند.» در حالی که توافق هسته‌ای در تمامی سال‌های گذشته نزدیک‌ترین همکاری بین ایران - آمریکا و روسیه - آمریکا را موجب شد.

برای بیشتر رای دهندگان آمریکایی نیازی به واکاوی تمامی جزئیات توافق هسته‌ای و روابط پیچیده دهه‌های گذشته نیست، اما اندکی بیشتر از جمله‌ای که کلینتون به گفتن آن اکتفا کرد لازم است: «برنامه هسته‌ای ایران بسته شد بدون این که یک گلوله شلیک شود.»

بحث‌های جدی فقط در حد همین جملات کلینتون هست، که به احتمال زیاد در چهار هفته باقی مانده تا انتخابات شنیده نخواهد شد. به خصوص وقتی که یکی از کاندیداها تمام تاکتیک‌اش تا چهار هفته باقی مانده را صرف لجن‌پراکنی به سمت طرف مقابل تا جایی که در توان دارد، کرده است. اینجا موضوع روشن‌گری سیاست خارجی آمریکا در مورد ایران نیست بلکه تلاش‌ها در راستای ایجاد دشمن مجازی خطرناک از ایران توسط رسانه‌ها برای تحریک احساسات مردم آمریکا و قرار دادن آنها در مسیر انتخاب‌های دوگانه است.

کلینتون سعی می‌کند خروجی‌های دیوانسالاری آمریکایی را به نفع خود مصادره کند و به همین خاطر ژست قدرتمندانه‌ای گرفته با حمایت از توافقنامه هسته‌ای ایران، شکل‌گیری مذاکرات ایران را مدیون تلاش‌های خود به عنوان وزیر خارجه آمریکا در اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه متحدان آمریکا علیه ایران و به تصویب رساندن قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران عنوان می‌کند. نامزد دمکرات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، سیاست خود در قبال توافقنامه هسته‌ای ایران را «بررسی همراه با بی‌اعتمادی» عنوان داشته است.

کلینتون درباره بحران سوریه نیز هماهنگ با راهبردهای ژئواستراتژیک آمریکا، اظهار نظر می‌کند: «واشنگتن نباید اجازه دهد نیروهای ایرانی با پیروزی در سوریه در مرزهای فلسطین اشغالی مستقر شوند.»

وی در جمع هواداران خود در شهر میلوآکی در ایالت ویسکانسین اظهار داشت: نباید اجازه دهیم نیروهای ایرانی با پیروزی در سوریه در مرزهای اسرائیل مستقر شوند.



احتمال اینکه هر فردی، چه جمهوری خواه و چه دموکرات، رئیس جمهور شود و مواضع تندتری در مورد ایران نسبت به اوباما بگیرد زیاد است. به ویژه آنکه هیلاری کلینتون در دوره‌ای هم که وزیر خارجه بود مواضع تندتری نسبت به جان کری در مورد ایران داشت. گرچه ساختار قدرت در آمریکا محدودیت‌هایی برای همه ایجاد می‌کند.

نگرش و ارزیابی متخصصین و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران در خصوص «دوگانگی کلینتون و ترامپ»

نگرش‌ها و ارزیابی‌های برخی از کارشناسان، دیپلمات‌ها، اساتید دانشگاه و نمایندگان مجلس در خصوص فضای انتخاباتی در ایالات متحده و نسبت گزینه‌های انتخاباتی این کشور با ایران و موضوع برجام:

سید حسین موسویان عضو سابق تیم مذاکره کننده، در خصوص نظرات هیلاری کلینتون و ترامپ در مورد ایران اظهار می‌کند: ترامپ یا کلینتون هر کدام انتخاب شوند، برجام را اجرا خواهند کرد ضمن اینکه سیاست‌های آنها سه نقطه مشترک و سه تفاوت در مورد ایران خواهد داشت. اولاً هر دو سیاست‌های سخت گیرانه‌ای در مورد نحوه اجرای برجام خواهند داشت

ثانیاً راجع به سایر اختلافات ایران و آمریکا همچون بحران‌های منطقه، تروریسم و حقوق بشر فشار را به ایران افزایش خواهند داد

ثالثاً هر دو سعی خواهند کرد خلاء‌ای که در دوره ریاست جمهوری اوباما بخاطر ایران در روابط آمریکا با اسرائیل، عربستان و متحدین منطقه‌ای آمریکا بوجود آمده را جبران کنند.

مصطفی کواکبیان نماینده مجلس، در پاسخ به اینکه آیا با روی کار آمدن هر کدام از نامزدهای فعلی ریاست جمهوری آمریکا سیاست‌های آنها در قبال ایران تغییری می‌کند یا خیر، اظهار می‌کند: در کل تصور نمی‌کنم که سیاست‌هایشان نسبت به ایران تغییر کند.

الیاس حضرتی نماینده مجلس، در خصوص تاثیر انتخابات آتی آمریکا بر برجام، می‌گوید: این کشور یک سیستم و ساختاری دارد و در چارچوب همین سیستم و ساختار رئیس جمهورش یک اختیاراتی دارد.

محمدصادق کوشکی استاد دانشگاه تهران، در خصوص ارزیابی وی از فضای انتخاباتی آمریکا با بیان اینکه سیاست گذاری در آمریکا به گونه‌ای نیست که با آمدن یک رئیس جمهور و رفتن رئیس جمهور دیگر این سیاست گذاری‌ها دچار تغییرات اساسی و مبنایی نشود می‌گوید: برخی تصور می‌کنند که با آمدن ترامپ یا هیلاری کلینتون سیاست‌های آمریکا تغییرات مبنایی خواهد کرد که این در نتیجه شناختن ساختار این کشور است.

کوشکی با بیان اینکه ساختار آمریکا به شکلی است که دستگاه‌ها و حوزه‌های متفاوتی این سیاست‌گذاری‌ها را هدایت و اجرا می‌کنند اظهار می‌کند: در ایالات متحده نقش رئیس جمهور و تیم همراهش خیلی عمیق نیست و حد تاثیر وی هیچوقت بیشتر از مثلاً ۴۰ یا ۵۰ درصد نشده است بلکه جهت گیری کلی سیاست خارجی و منطقه‌ای آمریکا توسط مراکز تصمیم سازی تهیه می‌شود. مراکز علمی متعدد، پژوهشکده‌ها، اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر وزارت دفاع و وزارت خارجه نهاد‌های ثابت در ایالات متحده هستند که به همراه شورای روابط خارجی و امثالهم برآیند تصمیم‌نخبگان و خبرگان آمریکایی را می‌سازند و به همین دلیل خیلی با آمدن این فرد یا آن یکی تغییرات اساسی و مبنایی در این کشور ایجاد نمی‌شود.

حمیدرضا حاجی بابایی نماینده مجلس اظهار می‌کند: خیلی نباید تفاوتی بین انتخاب کلینتون با ترامپ ببینیم چرا که سیاست‌های آمریکا سیاست‌های تعریف شده‌ای است. نباید توقع داشته باشیم که هر کسی که رئیس جمهور شد سیاست‌ها تفاوت پیدا کند. در واقع این جمهوری اسلامی ایران است که با مواضع سیاسی خود می‌تواند بر هر کدام از آنها که رئیس جمهور شدند اثراتی داشته باشد و می‌تواند از منافع ملی‌اش دفاع کند.

فواد ایزدی کارشناس مسائل آمریکا خاطر نشان می‌کند: اینکه گفته می‌شود خانم کلینتون ادامه دهنده سیاست‌های اوباما است شاید بیشتر در حوزه مباحث داخلی صحیح باشد اما در حوزه مباحث بین‌الملل وی تندتر از آقای اوباما است و جنایت، کشتار، اشغال و کارهایی که آمریکایی‌ها و آقای اوباما هم انجام داده است را بیشتر انجام می‌دهد البته خانم کلینتون اینها را افزایش

خواهد داد و شاید یکی از دلایلی هم که وی در دوره دوم ریاست جمهوری آقای اوباما وزیر امور خارجه نماند این بود در حوزه سوریه، لیبی و ایران با اوباما اختلاف نظر داشت و در این حوزه‌ها تندتر از اوباما بود.

همانطوری که خانم کلینتون ادبیات تندی نسبت به ایران استفاده کرده آقای ترامپ هم همینطور است و هر دوی آنها دشمن ایران هستند اما چون خانم کلینتون دشمن هوشمندتری می‌باشد و چون هوشمندتر است در ایجاد اجماع بر علیه ما هم می‌تواند موفق‌تر باشد.

برجام دیگر حالت رقابتی قبلی را ندارد. از این به بعد بیشتر جنبه پلیس خوب و پلیس بد می‌شود که با وجود اینکه هر دو کلینتون و ترامپ دشمن هستند نقش‌هایشان را بعد از انتخابات مشخص می‌کنند و قاعدتاً کنگره پلیس بد می‌شود و پلیس خوب را هم باید چه درون آمریکا و چه خارج از آن پیدا کنند تا بتوانند بازیشان با ایران ادامه بدهند.

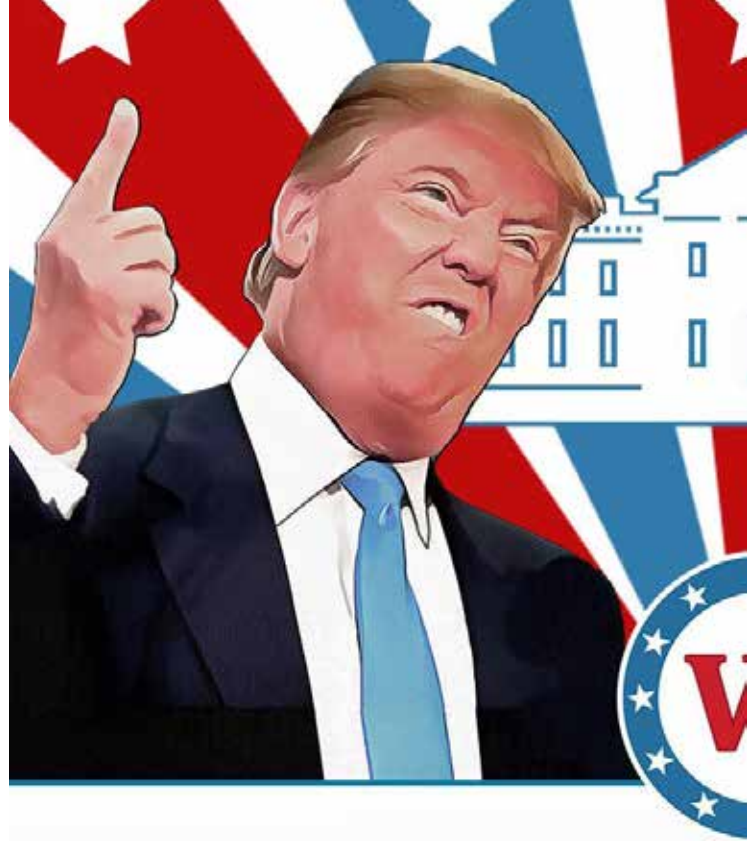
ابوذر گوهری مقدم استاد دانشگاه، در خصوص نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با بیان اینکه اساساً استراتژی کلان سیاست خارجی ایالات متحده چندان با تغییر دولت‌ها تغییر نمی‌کند خاطر نشان می‌کند: البته در عمل تاکتیک‌های وصول به اهداف استراتژی مذکور با حضور دولت‌های مختلف دموکرات یا جمهوریخواه قابل تغییر است و سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

نمی‌توان انتظار داشت تغییر ماهوی و رویکردی با تغییر دولت در آمریکا نسبت به ایران ایجاد شود دولت آمریکا ایران رقیب و دشمن خود تعریف کرده که باید در بسیاری حوزه‌ها مهار شود و در مواردی نیز با دیپلماسی و سایر اقدامات به شکل محدود در جهت تحقق اهداف آمریکا تعامل شود.

جمع‌بندی:

۱. پیش از این‌ها سیستم دوقطبی در عرصه بین‌الملل حاکم بود و آمریکا دیپلماسی مشخصی را در روابط بین‌الملل تعقیب می‌کرد. آن‌ها سیاست‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را با توجه به وجود این دیگری (شوروی)، تنظیم می‌کردند. اما پس از فروپاشی شوروی بود که خلأیی را در دوران جورج بوش اول و پس از آن کلینتون را تجربه کرد. با روی کار آمدن جورج بوش دوم آمریکا سعی کرد به سیاست خارجی خود، مسائل امنیتی و اقدامات نظامی و کمک‌های خارجی‌اش معنا ببخشد.

۲. اقدامات نظامی و فعالیت‌های دیگر آمریکا هم که مصادف با حادثه یازده سپتامبر بود در همین زمره است. حادثه یازده سپتامبر مجدداً آمریکا را با یک بحران جدی‌تر مواجه می‌کند و پس از آن موضوع بحران هویت و به طور کلی بحث ضعف آمریکا مطرح می‌شود؛ چرا که در حادثه ۱۱ سپتامبر خاک این کشور به راحتی مورد تجاوز قرار گرفت. پس از آن هم مسائلی مانند دخالت در افغانستان و عراق باعث شد تا آمریکا با بحران اقتصادی بسیار جدی مواجه شود



و این در حالی بود که بحران روانی همچنان در این کشور وجود داشت.

۳. جدا از بحران اقتصادی که برای آمریکا به واسطه حضور نظامی در سایر کشورها ایجاد شد و رشکستگی بانکها، همچنین افزایش بی کاری در این کشور مزید بر علت شد تا انتظارات بالای مردم از اوامام و حزب دموکرات تأمین نشود. تحت این شرایط و با توجه به انتظاراتی که تأمین نشد نوعی سرخوردگی در جامعه آمریکا به وجود آمد و جامعه به سمت جناح چپ و راست کشیده شد و گروهی جذب جناح «سندرز» و گروه دیگر جذب جناح «ترامپ» شدند. هر دو گروه چه آنهایی که به سمت چپ حزب دموکرات یعنی سندرز رفتند و چه کسانی که به سمت راست یعنی ترامپ گرایش پیدا کردند منتظر یک تغییر اساسی بودند، به همین دلیل برای اولین بار فردی مثل سندرز توانست محبوبیت پیدا کند و آرای قابل توجهی را به خود اختصاص دهد. طبق نظرسنجی‌های اخیر ۶۰ درصد از مردم آمریکا نه ترامپ را قبول دارند و نه کلینتون را چرا که آنهایی که طرفدار سندرز هستند شدیداً مأیوس شدند و امکان دارد اصلاً رأی ندهند. بنابراین برای اطلاع از چگونگی نتایج آراء انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باید نظر ۴۰ درصدی که رأی می‌دهند را مورد بررسی قرار بدهند.

۴. شعار آمریکای بزرگ و قدرتمند از سوی آنهایی که سرخورده شده اند مورد حمایت قرار می‌گیرد. این نوع شعارها که به دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ باز می‌گردد، پوپولیستی محسوب می‌شود و در آمریکا ریشه دارد. در آن زمان نهضت مک کارتیسم به وجود آمد و باعث شد حاشیه نشین‌ها به سمت آن جلب شوند. کسانی که امروز از ترامپ حمایت می‌کنند هم نوعی گرایش پوپولیستی دارند. جایگاه برتر در زمان جنگ سرد و در مقابل کمونیسم بود و به زمانی باز می‌گردد که آن‌ها خود را بالاتر از بلوک شرق می‌دانستند. پس از فروپاشی شوروی هم لازم بود که این حس ناسیونالیستی مجدداً تقویت شود تا آمریکایی‌ها همچنان به عنوان تنها ابرقدرت جهان معرفی شوند و بنابراین می‌توان گفت که در حال حاضر هم پوپولیسم، سوخت لازم برای گرایش به جریان ترامپ فراهم می‌کند. ترامپ مخالف جهانی شدن بوده و معتقد است جهانی شدن باعث می‌شود دیگران هم از این فرصت استفاده کرده و مرزها را درنوردند و به خاطر بی مرز شدن، که تحت شرایط جهانی شدن ایجاد می‌شود این امکان را بدست آورند که ابتکار عمل را از دست آمریکایی‌ها خارج کنند. برای همین ترامپ می‌گوید باید سعی کنند سرمایه داران را در آمریکا جمع کنند، نه اینکه اجازه دهند سرمایه داران خارجی منابع مالی آن‌ها را ببرند و در حقیقت می‌توان گفت ترامپ بیشتر دنبال این است که در داخل آمریکا کار ایجاد کند و صنایع را توسعه بدهد. باور ترامپ این است که آمریکایی‌ها نباید خرج تأمین امنیت در عربستان و ژاپن را پرداخت کنند. از نظر او آن‌ها باید در آمریکا سرمایه گذاری کنند. ترامپ می‌گوید اگر عربستان یا کشور دیگری می‌خواهد که ما امنیت آن‌ها را تضمین کنیم باید هزینه هایش را هم بپردازد. افرادی که شدیداً سرخورده شده، کم سواد هستند و از مهارت‌های لازم برخوردار نیستند و در سیستم آمریکا له شده اند، به وعده

های اشتغالزایی ترامپ باور می‌کنند.

۵. به طور کلی ترامپ از طریق رسانه‌ها وانمود می‌کند که در مقابل تشکیلات و نهادهای آمریکا قرار گرفته است. دلیل توجه به او از سوی بخشی از آمریکایی‌ها هم این است که فکر می‌کنند بوروکراسی‌ها و دیوان سالاری آمریکایی‌ها را به هم ریخته است و این امر برای مردم این کشور بسیار خوشایند است. برای افرادی که دنبال تغییر هستند ترامپ فرد متفاوتی محسوب می‌شود. آن‌ها می‌گویند اگر جورج بوش در افغانستان و عراق وارد جنگ شده است و هزینه‌های زیادی را به ما تحمیل کرد، در عوض ترامپ در جهت تغییر این سیستم گام بر می‌دارد. ۶. یکی از مسائلی که آقای ترامپ و طرفداران او دغدغه‌اش را ندارند ترویج دموکراسی در دنیا است. او حتی یکبار هم بحث دموکراتیزه کردن و طرفداری از سیستم‌های دموکراتیک را مطرح نکرد و این در حالی است که در بین دموکرات‌ها بیشتر دموکراتیزه کردن مطرح است. هر چند طرفداران ترامپ هم به هیچ عنوان چنین دغدغه‌ای ندارند. اگر نظام‌های سیاسی از نظر اقتصادی مشکلی برای آمریکا نداشته باشند آن‌ها هم دغدغه‌ای برای اینکه در کشورشان نظام دموکراسی وجود نداشته باشد، ندارند. ترامپ هم در سخنرانی‌ها و صحبت‌های خود مرتب تأکید می‌کند که به آمریکا ارتباطی ندارد که در سایر جوامع دست به دولت سازی یا ملت سازی بزند. در گذشته هم کاندولیزا رایس، وزیر خارجه دولت دوم بوش، اشتباه روسای جمهوری گذشته آمریکا را این دانست که ثبات در آمریکا را فدای تحقق دموکراسی در سایر کشورها کردند؛ البته دلیل این امر آن بود که در آن زمان برای آمریکا دموکراسی اهمیت بیشتری از ثبات داشت و این در حالی است که برای ترامپ ثبات اهمیت بیشتری نسبت به دموکراسی خواهد داشت.

۷. ریاست جمهوری آمریکا یعنی سیستمی که کاملاً جا افتاده است. رئیس جمهوری دارد که مواظب کنگره بوده و کنگره ای دارد که مواظب رئیس جمهور است. همچنین یک دادگاه فدرال دارد که هر دوی آن‌ها را زیر نظر دارد؛ بنابراین نوعی سیستم تعادل و قضاوت در آمریکا وجود دارد. این طور نیست که وقتی ترامپ به قدرت برسد بتواند تمام مواردی که پیش تر اظهار کرده بود را عملی کند و یک مرتبه سیاست خارجی آمریکا را تغییر دهد. سیاست خارجی آمریکا به این سرعت تغییر نمی‌کند؛ چرا که کاملاً نهادینه شده است. در نهایت شاید ترامپ بتواند به صورت تاکتیکی تغییراتی ایجاد کند؛ ولی نمی‌تواند اساس روابط خارجی منجمله مسائل مربوط به برجام را تغییر دهد. در عمل موانع قانونی برای او وجود دارد و نمی‌تواند بگوید من برجام را قبول ندارم. در هر صورت آمریکا منافع خود را در نظر خواهد گرفت و با وجود اینکه در حال حاضر ترامپ خودش به تنهایی صحبت می‌کند و تصمیم می‌گیرد ولی اگر رئیس جمهور شود باید بر اساس قواعد بازی عمل کند، بنابراین بعید است ترامپ بتواند تغییرات اساسی در رابطه با اجرای برجام ایجاد کند. در هر صورت اگر بخواهد به همین شیوه پیش برود در نهایت روابط خوبی با ایران نخواهد داشت.

۸. با روی کار آمدن هیلاری کلینتون به نحو جدی‌تر و با ابزارهای مختلف، تداوم سیاست اوامام خواهد بود فشار بر جمهوری اسلامی در حوزه‌های منطقه‌ای، برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی و حقوق بشر افزایش پیدا خواهد کرد و احتمال تشدید تحریم‌ها در این حوزه‌ها بسیار بالاتر است. نکته مهم آنکه تجربه و مقبولیت بین المللی کلینتون می‌تواند اجماع بیشتری علیه ایران بوجود آورد. زمانی که رئیس جمهور جدید وارد کاخ سفید شد و با اطلاعات و بروکراسی دولتی مواجه گردید بسیاری از نظراتش تعدیل خواهد شد لذا ترامپ هر چند ممکن است ادبیات خاصی در مسایل بین المللی و نیز در قبال ایران داشته باشد اما تغییر این رویکردها دور از انتظار نیست.

۹. دوگانگی در آمریکا به معنی دوقطبی‌گری نیست بلکه رقابت و مسابقه‌ی بین احزاب سیاسی برای تصرف نقش‌های سیاسی است. وجود مشکلات و شکاف‌های عمیق اجتماعی از یک طرف، پول و هوشمندی کاندیداها و همچنین مهارت و دانش رسانه‌ها؛ از طریق دیالوگ‌های رجز خوانانه، لجن پراکنی، هتاکانه و غیر اخلاقی به ایجاد فضای دوگانه‌ی مجازی کمک نموده است تا مردم تصور کنند که غایت این فضای مجازی دوگانه، امکان تحقق آرزوها و باورهای آن‌ها را فراهم خواهد نمود. در حالیکه دیوان سالاری متمرکز آمریکایی، امکان اثرگذاری عوامل خارجی و داخلی غیر بروکراتیک-به غیر از لابی‌های قدرتمند درون آمریکا- را بر روی تصمیم‌های سیاسی داخلی و خارجی تقریباً غیر ممکن نموده است.

گزارش همایش نقش مناطق آزاد در تحقق اقتصاد مقاومتی در منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس

رویکرد اقتصاد مقاومتی در مناطق آزاد

گزارش از صادق پورصادق

در ادامه برنامه ها و سمینار های علمی-ترویجی منطقه آزاد ارس پیرامون مسائل مربوط به اهداف و کارکرد های مناطق آزاد در برنامه های کلان اقتصادی کشور و متعاقب برگزاری موفق گردهمایی شرکت های برگزیده دانش بنیان ۵ استان شمالغرب ایران در ارس، اولین همایش ملی مناطق آزاد و اقتصاد مقاومتی با حضور اساتید دانشگاه های مناطق آزاد، سازمان های اقتصادی مرتبط و دانشگاه ها در روز های ۲۸ و ۲۹ مهر ماه در سالن همایش های حکیم نیابتی منطقه آزاد ارس برگزار شد. در این همایش علمی که دبیر علمی آن رادکتر بهشتی استاد اقتصاد دانشگاه تبریز و رئیس انجمن اقتصاددانان شمالغرب کشور برعهده داشت سخنران ها و اساتید به ارائه مطالب و مقالات برگزیده پرداختند که گزیده ای از مهم مسائل و موضوعات مطرح شده به شرح ذیل تقدم حضور می گردد.



دکتر محمد باقر بهشتی؛ دبیر علمی همایش نقش مناطق آزاد در تحقق اقتصاد مقاومتی:

استفاده از ظرفیت برون گرایی اقتصاد مقاومتی باید مورد تاکید مناطق آزاد باشد.

دکتر بهشتی در آیین افتتاح همایش نقش مناطق آزاد در تحقق اقتصاد مقاومتی، به عنوان اولین سخنران، با تشریح برنامه های مقدماتی برای برگزاری همایش و تشکر از استقبال و حضور اساتید و دانشگاهیان استان و کشور از این برنامه علمی در بیان اهمیت پرداختن به رابطه مناطق آزاد و راهبرد اقتصاد مقاومتی گفت: تحقق شعار برون گرایی اقتصاد مقاومتی باید مورد تاکید مناطق آزاد باشد و این امر می تواند موجب تحول اساسی در مناطق آزاد و کل کشور گردد. بهشتی افزود: برای رفع برخی از مشکلات پیش روی کشور در حوزه اقتصاد تلاش های زیادی صورت گرفته است که سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از جمله این تلاش ها است. وی همچنین خواستار توجه درست به مفهوم اصلی اقتصاد مقاومتی شد و گفت: باید توجه داشت که مفهوم و معنای اقتصاد مقاومتی با اقتصاد مقابله ای متفاوت است چرا که هدف از اقتصاد مقاومتی مقاوم سازی اقتصاد است تا در برابر مشکلات و شرایط مختلف انعطاف پذیری مورد نیاز را داشته باشد در حالی که اقتصاد مقابله ای درون گرا است و این نوع نگاه پویایی را از اقتصاد می گیرد.

دبیر علمی همایش نقش مناطق آزاد در تحقق اقتصاد مقاومتی با تاکید بر اینکه نباید مناطق آزاد فعالیت خود را تنها در کشورهای همسایه خلاصه کنند خاطر نشان کرد: برای نمونه منطقه آزاد ارس، تنها با یک واسطه همسایه اتحادیه اروپا است و چنانچه با رویکرد برون گرایی به بازار این منطقه توجه کند خواهد توانست به بازار ۱۸ هزار میلیارد دلاری اروپا دست یابد این مهم موجب تحول اساسی در منطقه آزاد ارس و حتی کل ایران خواهد شد. وی در پایان سخنرانی خود، پویایی و تحرک مناطق آزاد کشور را منوط به دو عامل اصلی دانست و گفت: باید مسئولان سیاسی کشور با عنایت به قوانین مناطق آزاد از دخالت در این مناطق بپرهیزند و در این مناطق مدیرانی دانا و توانمند اقتصادی به کار گرفته شوند تا پویایی و تحرک در این مناطق باشیم.

بهشتی به تبلیغات منفی در خصوص مناطق آزاد کشور نیز اشاره کرد و گفت: امیدواریم با نگاه تخصصی تبلیغات منفی علیه مناطق آزاد کمتر شود و از سویی شاهد نگاه مثبت مجلس به موضوع افزایش تعداد مناطق آزاد کشور باشیم.

مهندس عرب باغی؛ رئیس هیات مدیره و مدیر عامل سازمان منطقه آزاد ارس:

منطقه آزاد ارس در حوزه اقتصاد مقاومتی عملکرد قابل قبولی داشته است. مهندس محسن خادم عرب باغی مدیر عامل سازمان منطقه آزاد ارس به حکم عرف رایج و به رسم میزبانی اولین سخنران همایش بود که در ابتدا با گرمی داشت مقدم اساتید و مسئولین حاضر در همایش، عنوان کرد که این برنامه تلاشی صمیمانه از سوی منطقه آزاد ارس برای استقبال از حضور و همکاری اصحاب علم و اندیشه با ارس است. مدیر عامل منطقه آزاد ارس در ادامه با تشریح زوایای گفتمان اقتصاد مقاومتی گفت که محور های مورد تاکید در راهبرد اقتصاد مقاومتی علاوه بر موافقت نظری و عملی باید با عشق و علاقه مبین پرستانه پیگیری شود. وی همچنین بهره وری در تولید و مصرف را از پایه های اقتصاد مقاومتی دانسته و افزود اصلاح الگوی مصرف یک بحث جدی است که لازم است مورد توجه جامعه و نخبگان کشور قرار گیرد.

مدیر عامل منطقه آزاد ارس با تاکید بر اهمیت حضور دانشگاه در محیط های اقتصادی مناطق آزاد را بهترین بستر برای حضور شرکت های دانش بنیان نامیده و گفت با حضور این شرکت ها در مناطق آزاد، هدف اصلی مندرج در راهبرد اقتصاد مقاومتی که همان ایجاد صنایع صادراتگرا و توسعه صادرات غیر نفتی است به راحتی محقق خواهد شد. عرب باغی در پایان سخنرانی خود ضمن تشکر دوباره از حضور میهمانان همایش کارنامه منطقه آزاد ارس را در حوزه اقتصاد مقاومتی قابل قبول دانسته و گفت اگر اقتصاد مقاومتی بهره برداری حداکثری از امکانات و ظرفیت های اقتصادی داخلی و موجود باشد مادر زمینه های صنعت و کشاورزی و همچنین ایجاد زیرساخت های لازم برای فعال سازی هر چه بیشتر سایر حوزه های اقتصادی به اعتراف دوستان و رقیبان موفق بوده ایم.

دکتر بازارگان؛ معاون تولید، صادرات و فن آوری دبیرخانه شورایی

مناطق آزاد:

در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی سه بند درباره مناطق آزاد ابلاغ شده است که دو بند از این برنامه ها با موضوع صادرات است: صادرات کالاهای تولیدی و صادرات مجدد و بند سوم مربوط به توسعه و سوم انتقال فناوری های نوین. معاون تولید، صادرات و فناوری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد هم در سخنرانی کوتاه خود گفت: در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی کشور برای تمام دستگاه های اجرایی برنامه ای تدوین و ابلاغ گردیده که این برنامه برای مناطق آزاد در سه بند مجزا تقسیم بندی شده و دو بند از این برنامه ها با موضوع صادرات است: صادرات کالاهای تولیدی و صادرات مجدد و بند سوم مربوط به توسعه و سوم انتقال فناوری های نوین.

وی در ادامه افزود: در سال گذشته رقمی قریب به ۶۰۰ میلیون دلار صادرات از مناطق آزاد صورت گرفت که از این میزان در حدود ۳۰۰ میلیون دلار در این مناطق تولید و صادر شده و مابقی نیز در دسته صادرات مجدد قرار دارد. این رقم قابل توجهی است البته انتظار و توقع بیشتری می رود.

با اینحال افزایش ۳۰ درصدی مقدار صادرات، افزایش زمینه انتقال تکنولوژی و گسترش آن در این مناطق از برنامه های پیش روی مناطق آزاد برای تحقق اقتصاد مقاومتی است.

بازارگان در ادامه به انتقادات وارده به مناطق آزاد اشاره و بیان کرد: دلیل انتقادات وارده به این مناطق را می توان در انتظارات و توقعات بالا از این مناطق دانست که این انتظارات با زیربنای موجود و اعتبارات تخصیص یافته شده مطابقت ندارد.

دکتر بهبودی؛ رئیس سازمان برنامه ریزی استان و استاد اقتصاد دانشگاه**تبریز:**

تمرکز و قطبش و در ادامه سرریز و انتشار توسعه به مناطق پیرامونی، استان و کشور هدف عمده از ایجاد منطقه آزاد ارس می باشد.

دکتر بهبودی رئیس سازمان برنامه ریزی استان هم در سخنرانی مفصل خود در همایش نقش مناطق آزاد در تحقق اقتصاد مقاومتی در ابتدای سخنرانی خود با بیان این سوال که اقتصاد مقاومتی چیست؟ عنوان کرد که فرض اساسی در تدوین این برنامه راهبردی برای اقتصاد کشور این است که سازه اقتصادی کشور مقاوم نیست و این سازه دچار معضلاتی چون عدم تعامل های ساختاری، بیکاری، عدم هم افزایی اقتصادی، ضعف نظام صنعت و تولید، عقب ماندگی تکنولوژی، ضعف بازاریابی و عدم بهره وری در منابع تولید و نیروی انسانی است. بنابراین باید مقاوم سازی شود.

دکتر بهبودی افزود: نظام های اقتصادی به چند گونه متفاوت تقسیم می شوند که عبارت اند از:

- درونگرا
- برونگرا
- دانش بنیان
- مردمی

در اقتصاد های توسعه یافته تاب آوری در برابر نوسانات درون سیستمی و برون سیستمی، حفظ رشد پویا و بهبود ریتم های موثر در اقتصاد به وضوح قابل مشاهده است و هدف ما در برنامه اقتصاد مقاومتی این است که دارای اقتصادی پویا و توسعه یافته باشیم. وی برای اقتصاد ایران نقاط قوت هایی مانند نیروی انسانی تحصیل کرده و منابع طبیعی فراوان را ذکر کرده و در مقابل نیز نقاط ضعف هایی همچون بهره وری پایین و ضعف روند تشکیل سرمایه را عنوان کرده و گفت واقعیت این است که ما از اهداف برنامه های بلند مدت اقتصادی مانند ایران ۱۴۰۴ و حتی اقتصاد مقاومتی عقب هستیم و مهم ترین دلیل این وضعیت را مدیریت ناکارآمد در طول سال های دولت قبلی می دانم.

رئیس سازمان برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی در تداوم بحث خود با بیان این که مهم ترین محور در ارتباط اقتصاد کشور و مناطق آزاد بهبود فضای کسب و کار و تسریع توسعه در خود مناطق و مناطق پیرامونی می باشد، اضافه کرد: اگر در مناطق آزاد فضای توسعه کارآمد شکل بگیرد در آن صورت، روند جذب تکنولوژی های جدید، توسعه مدیریت، پیشرفت زیرساخت های سرمایه گذاری، افزایش جذب سرمایه گذاری، قطبش و در ادامه سرریز و انتشار توسعه به مناطق

پیرامونی، استان و کشور به عنوان هدف اصلی از ایجاد مناطق آزاد محقق خواهد شد.

وی همچنین با تمجید از نقش منطقه آزاد ارس در توسعه اقتصادی استان این منطقه را قلب تپنده توسعه نامیده و گفت: منطقه آزاد ارس در سند تدبیر و توسعه استان به عنوان یکی از هسته های کلیدی در نظر گرفته شده و این منطقه با ایجاد تنیدگی اقتصادی با سایر بخش های اقتصادی می تواند به عنوان مهم ترین کانال ورودی شفاف و قانونی استان، کالاهای سرمایه ای را برای صنایع استان تامین نماید.

دکتر خلیلی، کارشناس ارشد مناطق آزاد:

مهم ترین هدف در اقتصاد مقاومتی تقویت بخش خصوصی و مردمی و یا میدان دادن به اقتصاد غیر دولتی است.

دکتر خلیلی کارشناس ارشد مناطق آزاد با ارائه مقاله با عنوان: مناطق آزاد و استفاده از ظرفیت های اقتصادی کشور با رویکرد اقتصاد بازار به بیان دیدگاه های خود پرداخته و ضمن ارائه تاریخ تحلیلی از روند حرکتی اقتصاد ایران و ضعف های ساختاری آن عمده هدف طراحی برنامه اقتصادی مقاومتی را تقویت بخش خصوصی و مردمی و یا میدان دادن به اقتصاد غیر دولتی دانسته و اضافه کرد. در دنیای امروز نسل پنجم از مناطق آزاد به عنوان مناطق آزاد اقتصادی جامع متولد شده اند که همزمان صنعتی، تجاری، خدماتی، فناورانه و دانش بنیان هستند مهم ترین وظیفه آنها برقراری همپوندی توسعه ای بین این و مناطق پیرامونی و کل کشور می باشد. وی همچنین وظیفه عمده مناطق آزاد ایران در وضعیت فعلی را جذب سرمایه گذاری متناسب با زیرساخت ها، ایجاد بروکراسی روان و شایسته سالار، ایجاد ارتباط موثر با بازار های جهانی و مقاوم سازی اقتصاد کشور دانسته و در این مسیر نقش همکاری نخبگان دانشگاهی و نخبگان اجرایی را در رسیدن به این هدف بسیار بارز و موثر نامید.

دکتر علیرضا بافنده، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تبریز:

منطقه آزاد ارس می تواند با طراحی و انتخاب یک اکولوژی صنعتی با حلقه های بسته تعاملات دیالکتیک سه مولفه اقتصاد، جمعیت و ظرفیت قابل تحمل منطقه را مدیریت نماید.

استاد اقتصاد دانشگاه آزاد تبریز با تشریح روند مدیریت کنونی صنعتی منطقه آزاد ارس عنوان کرد که برای مقاوم سازی اقتصاد منطقه و تنظیم اکولوژی صنعتی آن با استفاده از مفاهیم نظریه پویایی سیستم و فرضیه پویایی تعاملات دیالکتیک سه مولفه مهم اقتصاد، جمعیت و ظرفیت قابل تحمل منطقه آزاد ارس را مدیریت نمود.

وی افزود رشد صنعتی امروز منطقه آزاد ارس با تهییج روند جذب جمعیت و افزایش در خواست خدمات مصرف منابع را افزایش داده و ظرفیت قابل تحمل منطقه را پایین آورده است. در حالی که می توان با طراحی اکولوژی صنعتی با حلقه های بسته روابط درون بنگاهی منطبق با محیط زیست و برون بنگاهی متناسب با نظریه همزیستی صنعتی حلقه های بسته تعاملات دیالکتیک سه مولفه اقتصاد، جمعیت و ظرفیت قابل تحمل منطقه را مدیریت نماید.

دکتر سلمانی، عضو هیات علمی دانشکده مدیریت اقتصاد و بازرگانی**دانشگاه تبریز:**

عوامل سیاسی، بروکراسی اداری، تحریم های خارجی و ضعف زیرساخت ها مناطق آزاد را از رسیدن به اهداف اولیه بازداشته اند.

دکتر سلمانی استاد دانشگاه تبریز نیز در وقت ارائه مقاله خود با دادن شرحی مقدماتی از عوامل شکل گیری مناطق آزاد و روند سرمایه گذاری و صادرات در این مناطق نتایج واقعی مناطق آزاد را با عنایت به اهداف تعریف شده ناموفق نامیده و علت آن را نیز عوامل سیاسی، بروکراسی اداری، تحریم های خارجی و ضعف زیرساخت ها در مناطق آزاد دانست.

وی همچنین در بیان عوامل توفیق مناطق آزاد در تحقق اهداف آتی به تجهیز زیرساخت های سرمایه گذار، ثبات سیاسی کشور، ثبات مدیریتی در مناطق و توسعه روابط خارجی اقتصادی اشاره نمود.



بررسی جایگاه خشکسالی در مقایسه با سایر حوادث و سوانح غیر مترقبه در ایران

مریم السادات واعظ مدنی، کارشناس ارشد آبیاری-زهکشی
ابوالفضل مجنون هریس، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

خاک، کاهش منابع آب، مختل شدن فعالیت‌های انسانی، حیات معمول گیاهی و جانوری گردد، خشکسالی نام دارد. عوامل شناخته شده و ناشناخته زیادی می‌توانند موجب رویداد این پدیده مرموز گردند که مهم‌ترین آنها شامل گرم شدن زیاد منطقه، افزایش گازهای گلخانه‌ای، کاهش میزان بارندگی، اثر مراکز فشار و سلسله کوه‌های مرتفع، دور بودن از تأثیر دریاها و اقیانوس‌ها، پدیده‌های جهانی همچون ال نینو، لائینا و انسومی باشند. پدیده خشکسالی همواره در طول تاریخ عواقب ناخوشایندی به دنبال داشته و پیامدهای ناشی از آن بسیار گسترده بوده که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. خشک شدن آب دریاچه‌ها، تالاب‌ها و مخازن سدها، تلف شدن دام‌ها، مهاجرت عشایر و روستائیان به شهرها، اثرات مخرب فیزیولوژیک بر روی گیاهان و تأثیرات مخرب بر روی خاک، مراتع و جنگل‌ها از جمله پیامدهایی است که می‌توان نام برد. خشکسالی در ایران از دیرباز نیز اثرات نامطلوبی را به همراه داشته بدین‌سان که تغییرات شدید بارش از لحاظ مقدار، شدت و پراکندگی باعث شده تا خشکسالی هر چند سال یکبار در جایی از این کشور حادث شود، خسارات زیادی را در ابعاد مختلف فراهم آورده و بحران‌های گسترده‌ای را در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد نماید، از جمله این خسارات می‌توان به کمبود منابع آب، کمبود تولیدات کشاورزی و دامی، کاهش مراتع، فزونی مهاجرت، طغیان آفات نباتی و افزایش بیماری‌ها اشاره نمود.

خشکسالی و اهمیت نسبی آن در مقایسه با دیگر حوادث طبیعی

تمرکز بر بانک اطلاعاتی سازمان‌های بین‌المللی در مورد خشکسالی نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۲ تعداد ۵۰۰ مورد خشکسالی در جهان اتفاق افتاده که میزان آن در مقایسه با سایر بلایای طبیعی دیگر نظیر زلزله، سیل و طوفان به مقدار ۱۰ درصد بیشتر می‌باشد. ارزیابی دقیق خسارات خشکسالی امری بسیار مشکل و در برخی مواقع غیر ممکن است. برای مثال در خشکسالی

کشور ایران بدلیل موقعیت مکانی، اقلیمی و ساختار طبیعی خود همواره در معرض مخاطرات گوناگون و حوادث طبیعی شناخته شده در جهان بوده و سابقه وقوع ۳۱ پدیده از انواع حوادث مذکور در آن وجود دارد، در این میان زلزله، سیل و خشکسالی از فراوان‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و خسارت‌بارترین آنها می‌باشد. شماری از این حوادث بلایایی هستند که سرعاً اتفاق افتاده، خسارت خود را بر جا گذاشته و خاتمه می‌یابند، اما شمار دیگری از حوادث طبیعی که از فراوانی و گستردگی بیشتری برخوردارند، ناشی از فرآیند اقلیمی بوده و شدت و تکرار آنها تا حدود زیادی متأثر از موقعیت جغرافیایی منطقه است.

خشکسالی به‌عنوان یکی از بی‌سر و صداترین وقایع طبیعی، به‌طور خزنده و بطئی شکل گرفته و خسارت بسیار گسترده‌ای را به مناطق مختلف وارد می‌سازد. طبق اعلام سازمان ملل متحد، حدود ۱۰۰ میلیون نفر در مناطق آسیای جنوبی و مرکزی بویژه کشورهای ایران، هند، افغانستان و تاجیکستان تحت تأثیر پیامدهای خشکسالی قرار دارند که با تکیه بر آمار این سازمان می‌توان دریافت که بیش از بیست استان یعنی نیمی از جمعیت کشور ایران در معرض خشکسالی بوده که جمعیتی بالغ بر بیست میلیون نفر را در بر می‌گیرد. لذا بدلیل قرار گرفتن بیش از ۹۰ درصد از مساحت کشور در منطقه خشک و نیمه‌خشک، خشکسالی همواره یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران کشور بوده است. وسعت خشکسالی در پاره‌ای از سال‌ها با مقیاس کمتر و در برخی دیگر وسیع‌تر است. احتمال رخداد این پدیده در سراسر کشور بطور هم‌زمان کم بوده، بدین‌سان که ممکن است در یک سال مقدار بارندگی در نقاط مختلف بالاتر و یا پایین‌تر از خط میانگین باشد.

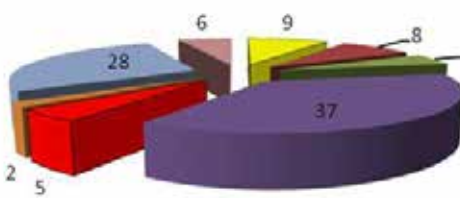
خشکسالی، علل و اثرات آن

از دیدگاه‌های مختلف بیش از ۱۵۰ تعریف در خصوص خشکسالی ارائه شده ولی به‌طور کلی اگر کمبود بارش در دوره‌های بلندمدت موجب کمبود رطوبت



در دنیا درصد انسان‌های خسارت دیده از حوادث طبیعی و غیرمترقبه طی سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۶۳ در شکل زیر نشان داده شده که بر اساس آن خشکسالی با ۳۳ درصد دارای رتبه نخست در میان دیگر بلاها و در قیاس با زلزله در جایگاه اول قرار دارد. حال آنکه زلزله در جایگاه آخر از نظر آسیب‌رسانی به افراد قرار دارد. این امر ضرورت توجه بیشتر به پدیده خشکسالی در تصمیمات دولتی را در خصوص اعتبارات تخصیصی به خشکسالی ایجاب می‌نماید.

سیل | افزایش دما | زلزله | خشکسالی
 یخبندان و لغزش زمین | طوفان | آتشفشان | آتش‌سوزی



فردار درصد انسانهای خسارت دیده (۱۹۹۲-۲۰۰۲)

پس از آنالیز آمار و اطلاعات اخیر ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور در جدول زیر می‌توان دریافت که خشکسالی در نیمه اول سال ۱۳۸۵ با میزان خسارتی معادل ۲۳۵۸۸ میلیارد ریال به‌عنوان زیانبارترین بلا در این دوره بوده که میزان خسارت آن تقریباً برابر با مجموع خسارت ناشی از سایر بلاهای می‌باشد. نگاهی به اعتبارات پیشنهادی دولت در این بازه زمانی جهت مواجهه با حوادث فوق‌نشان می‌دهد که اعتبارات تخصیص یافته در مقایسه با حجم خسارت وارده ناچیز بوده و این در حالیست که خسارت گزارش شده برای خشکسالی تنها شامل زیان‌های قابل محاسبه می‌باشد.

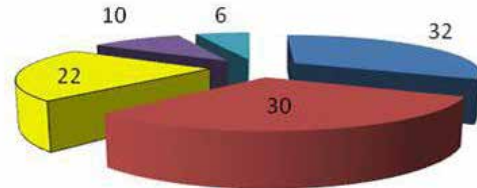
خسارت بلایای طبیعی در نیمه اول سال ۱۳۸۵ و بودجه تخصیص یافته به آن در ایران (گزارش عملکرد ستاد حوادث غیرمترقبه کشور)		
حوادث طبیعی	خسارت وارده (میلیارد ریال)	اعتبارات تخصیص یافته (میلیارد ریال)
خشکسالی	۲۳۵۸۸	۶۰۰
سرمازدگی و سایر حوادث در بخش کشاورزی	۱۱۳۵۵	۵۲۰
سایر موارد	۱۰۲۰۳	۶۲۵

با توجه به جایگاه خشکسالی در مقایسه با سایر حوادث طبیعی پیشنهاد می‌شود که دولت اعتبارات متناسب مبتنی بر آمارهای موجود به این مهم اختصاص دهد تا علاوه بر جبران خسارت وارده، بودجه‌های ویژه پژوهشی جهت مطالعه خشکسالی و ارائه راهکارهای عملی مقابله با آن تأمین گردد. همچنین ایجاد مراکز و پژوهشکده‌های اختصاصی خشکسالی در برخی از استانهای کشور که در معرض وقوع این پدیده قرار دارند توصیه می‌گردد. در پایان نگرانندگان بر خود لازم می‌دانند از جناب آقای دکتر احمد فاخری فرد عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز به خاطر راهنمایی‌هایی ارزنده و بی‌دریغشان قدردانی و تشکر نمایند.

سال ۱۳۷۹ بسیاری از دریاچه‌ها و تالاب‌ها خشک گردیدند. با وقوع این رویداد آبریان این دریاچه‌ها نیز نابود شدند و علاوه بر آن تعداد زیادی از پرندگان مهاجر آن مناطق نیز از بین رفتند. موارد مذکور همگی از پیامدهای آشکار پدیده خشکسالی می‌باشند. از طرف دیگر یکی از آثار نامرئی خشک شدن دریاچه‌ها که کمتر به آن توجه می‌شود بر هم خوردن موازنه انرژی تابشی در سطح منطقه است. با خشک شدن دریاچه‌ها بخش عظیمی از انرژی که قبلاً صرف تبخیر و تعدیل هوای شد، اکنون جذب زمین شده و باعث افزایش دما و کاهش رطوبت نسبی می‌گردد.

شکل زیر عمده‌ترین حوادث طبیعی بوقوع پیوسته را طی سالهای ۱۹۹۲-۱۹۶۳ بر اساس داده‌های منتشره سازمان هواشناسی جهانی نشان می‌دهد، که بر اساس آن می‌توان دریافت که خشکسالی با ۲۲ درصد، سومین بلا طبیعی خسارت‌زا پس از سیل و طوفان می‌باشد. لذا برخلاف تصور عموم جایگاه این پدیده در مقایسه با زلزله از اهمیت بیشتری برخوردار است. از یک طرف قرار گرفتن قسمت عمده‌ای از کشور ایران (حدود بیست استان) در معرض خشکسالی و از طرفی دیگر کمبود منابع آب، کشور ما را به یکی از کم‌آب‌ترین کشورهای دنیا تبدیل کرده است بنابراین سهم خسارت ناشی از خشکسالی در ایران در مقایسه با کل جهان، بیشتر می‌باشد. لازم به ذکر است که بسیاری از پیامدهای خشکسالی را نمی‌توان به صورت کمی بیان نمود. برای مثال می‌توان به پیامدهای زیانبار زیست‌محیطی و آثار روحی- روانی وارد بر کشاورزان اشاره نمود.

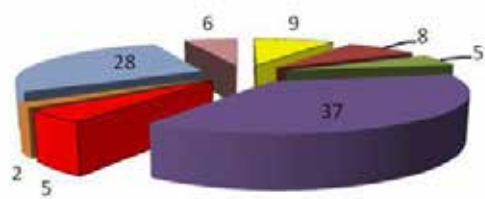
سایر بلاها | زلزله | خشکسالی | طوفان | سیل



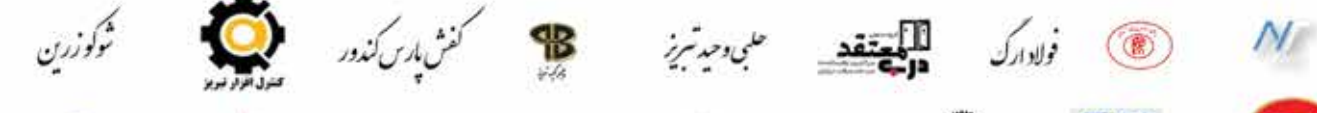
فردار درصد عمده بلایای طبیعی خسارت‌زا در جهان (۱۹۶۳-۱۹۹۲)

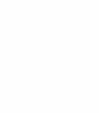
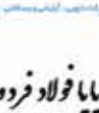
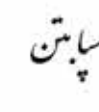
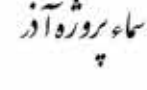
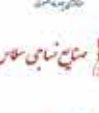
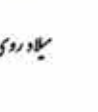
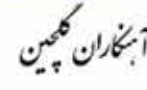
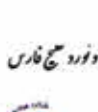
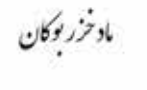
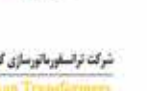
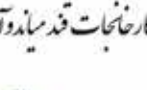
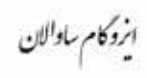
با تحلیل شکل زیر می‌توان دریافت که عمده‌ترین حوادث طبیعی بوقوع پیوسته طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ در دنیا خشکسالی بوده که نزدیک به ۱۰ درصد از خسارات بلایای طبیعی جهان را به خود اختصاص داده است.

سیل | افزایش دما | زلزله | خشکسالی
 یخبندان و لغزش زمین | طوفان | آتشفشان | آتش‌سوزی



فردار درصد عمده بلایای طبیعی خسارت‌زا در جهان (۱۹۹۳-۲۰۰۲)





	مخابرات استان اردبیل						
	بنج سمنو آذین						
	دیزپلاست بندر شرفخانه						
	اسیندار						
	سکین جوچه مکان						
	بانک اندیشان						
	بنی شاداب						
	پیمان مایان						
	پیکار						
	آباد ساربان						
	قطران						
	آزار BATTERY						
	بنی سمنو آذین						
	فد ارومیه						
	بنزار جراحان ارومیه						
	فد ارومیه						
	فد ارومیه						

دامپروری آذینجان خاوری
آذین ساره ارس

همارا
سیستم

اینترنت
بی‌سیم SKY

ویژه واحدهای تجاری و صنعتی



100%

پوشش کامل بافت شهری تبریز
مجتمع‌های اداری-تجاری و
شهرک‌های صنعتی حومه تبریز



100Mbps

سرعت ثابت و متقارن
حداکثر نرخ انتقال
کمترین زمان پینگ



ارتباط مستقیم بدون نیاز به خط تلفن
اتصال دائمی بدون قطعی و نویز
اتصال شبکه دفاتر و شعب سازمان‌ها و کارخانه‌ها



از ابتدا همراه شما بوده‌ایم... این پیامی است که ما را همواره در کنار مخاطبان و کاربرانمان قرار داده است.

هماراسیستم فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۷۴ در زمینه ارائه راهکارهای فناوری اطلاعات و طراحی، پیاده‌سازی و پشتیبانی از شبکه‌های کامپیوتری آغاز کرده است و ایجاد و مدیریت گسترده‌ترین شبکه اینترنت با مرکزیت بومی را در کارنامه خود دارد.

در حال حاضر هماراسیستم گستره خدمات اینترنت خود را علاوه بر آذربایجان شرقی به ۵ استان همجوار توسعه داده است.

تمرکز ما بر ارائه‌ی خدمات با استانداردهای بالا با بهره‌گیری از تلاش نیروهای متخصص و توانمند در جهت جلب رضایت مشتری است.

WWW.HAMARA.IR

041-3139

دلاری پروانه ISDP به شماره ۱۰۲-۱۰-۱۲ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی



ارائه دهنده اینترنت لایزر
در شمال غرب کشور

دلاری پروانه PAP به شماره ۱۵۱۴-۱۲-۳۱۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

لایزر



شرکت آذربایجان

تولید کننده انواع قیر با درجه عملکردی PG

بیان

آژانس تبلیغات

سخنی از مدیر عامل - پیام شاملی

وقتی نیاز به دیده شدن، شناخته شدن، و در دلها و یادها ماندن، بعنوان رکن اصلی و اهرم قدرتمند فروش کالا یا ارائه خدمات شناخته شد، مبحثی بنام تبلیغات مطرح و نمایان گردید. با افزایش کمی و کیفی تولیدکنندگان و ارائه دهندگان خدمات، این نیاز به رقابت تبدیل شد. رقابت برای بهتر شناساندن نوع محصول و خدمات. لذا صنعتی بنام صنعت تبلیغات بوجود آمد و پهنه وسیعی از علم و دانش و تجربیات را شامل گردید. از شاخه های مهم و اولیه تبلیغات، تبلیغات محیطی می باشد که نسبت به جغرافیا و فرهنگ های مختلف، تنوع بسیار گسترده ای را چه از حیث سخت افزار، چه از حیث نرم افزار به خود گرفت. در کشور ما نیز، با توجه به محدودیت ها و مرز بندی های خاص فرهنگی-اجتماعی، مبحث تبلیغات تعریف و تفسیر ویژه خود را داشته، و در میان باید ها و نباید ها، همواره سعی در حضوری مستمر داشته است. متأسفانه بدلیل تحریم های اقتصادی-سیاسی حاکم بر جامعه، این مبحث نیز دچار تنش ها و نوسانات گسترده ای بوده، و همسو با اقتصاد و صنعت مان، در انتظار امید و ارتقاء و جهانی شدن بوده است. اما آنچه متأسفانه در سیستم تبلیغاتی ایران رایج و تعریف شده، صرفاً خرید خدمات تبلیغاتی بوده، و معمولاً پس از عقد قراردادهای مزبور، کانون تبلیغاتی کار خود را اتمام شده می داند و سفارش دهنده نیز منتظر نتایج تبلیغات می شود. این در حالی است که در کشورهای مدرن و پیشرفته، آژانس های تبلیغاتی عمدتاً فاقد فضاهای محیطی تبلیغاتی هستند و صرفاً ارائه مشاوره می نمایند و فضاها انحصاراً در اختیار تعداد انگشت شماری از شرکت های معروف و جهانی تبلیغاتی میباشد.

مشاوره تبلیغات محیطی
ارائه و اجرای کمپین های تبلیغات کشوری
برندینگ و مارکتینگ
اجرای طرح های جدید تبلیغاتی

دادن مشاوره تبلیغاتی ، مبحثی فراتر از فروش و اجاره فضاهای محیطی تبلیغاتی ، یا مطبوعات و تیزر و ... است. امروزه هلدینگ ها و شرکت های بزرگ و موفق ، در جلسات تصمیم گیری های خود ، حتی در جلسات هیئت مدیره های خودشان ، از مشاوران تبلیغاتی نیز دعوت بعمل می آورند و با گرفتن راهنمایی ها و مشاوره های لازمه ، سعی در پیشبرد علمی و اصولی اهداف خود دارند.

یک مشاوره تبلیغاتی شامل اندیشه ، طراحی و راهکارهای خوب ، منطقی ، و گاهاً مقرون بصرفه جهت حضور برند در جامعه است.

آژانس تبلیغاتی بیان ، با امید بر اینکه بتواند در این عرصه کوشا باشد ، قدم بر وادی مشاوره تبلیغاتی با تکیه بر سوابق و تجربیات خود ، نهاده و در این راستا سعی در ارائه پک های مشاوره ای علمی و عملی دارد . تبلیغات محیطی ، رسانه ای ، خدمات تبلیغاتی (طراحی ، چاپ ، و ...) ، و تبلیغات مدرن (المان های جدید تبلیغاتی) ، از عمده فعالیت های این آژانس می باشد .

دفتر مرکزی:

تبریز، چهارراه منصور (شهید بهشتی)، برج ابریشم، طبقه ۵، واحد ۳

۰۸-۲۷۸ ۹۵ ۳۵۵



Payvar Sanat
Tabriz

گروه صنعتی
درب مستعد
MOTAGHED



فکس : ۰۴۱ - ۳۶۳۷۴۳۷۳

تلفن : ۰۴۱ - ۳۶۳۷۹۲۵۹

دفتر تبریز : میدان بسیج ، نرسیده به شهرک مرزداران پلاک ۲۰

فکس : ۰۲۱ - ۴۴۶۰۹۲۰۵

تلفن : ۰۲۱ - ۴۴۶۲۷۶۹۲

دفتر تهران : اتوبان همت ، خیابان سردار جنگل - ساختمان آسمان سردار

فکس : ۰۴۱ - ۳۲۸۶۵۲۳۷

تلفن : ۰۴۱ - ۳۲۸۹۹۰۷۱

کارخانه ۱ (درب داخلی) : جاده تبریز - مرند ، جنب سه راهی میان

کارخانه ۲ (درب ضد سرقت) : جاده تبریز - صوفیان ، شهرک سرمایه گذاری خارجی ، خیابان اروپا جنب سه راهی اپک

فکس : ۰۴۱ - ۳۲۴۶۶۵۱۸

تلفن : ۰۴۱ - ۳۲۴۶۶۵۰۳ - ۹



info@darbmotaghed.com

www.darbmotaghed.com





سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

دوره های

تجارت و بازرگانی

Business and Economics

۳۲ ساعت

دوره مدیریت خرید و سفارشات خارجی

۲۴ ساعت

دوره حق العمل کاری، امور گمرکی و ترخیص کالا - مقدماتی

۲۴ ساعت

دوره حق العمل کاری، امور گمرکی و ترخیص کالا - پیشرفته

۲۴ ساعت

دوره تجارت الکترونیکی Electronic Commerce

۲۴ ساعت

دوره پرداخت الکترونیکی Electronic Payments

۱۶ ساعت

دوره فرهنگ سازی در مشتری مداری

۸ - ۳۳۳۷۹۹۵۵

با ارائه گواهینامه دوزبانه معتبر از سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

imi.azar



www.imiazar.ir

<https://telegram.me/imiazar>



آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز - کوی پناهی - دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گسی آذربایجان شرقی



یادگیری زبان های

ایتالیایی

فرانسه

روسی

آلمانی

عربی

کره ای

با روشی نوین به صورت فشرده

IMI LA
I.M.I. LANGUAGE ACADEMY

آکادمی زبان سازمان مدیریت صنعتی

تبریز - آبرسان - جنب هتل تبریز - کوی پناهی - نبش کوچه فروردین

تلفن تماس: ۵۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۵ - www.imiazar.ir